رهنمای تربیت جوانان

نگارش

سید صادقخان حسینی

سرپرست مدارس ایران در بین‌النهرین

از نشریات مؤسسهٔ خاور

قیمت پنج ریال

در طهران بسال ۱۳۱۲ شمسی طبع شد

چاپخانه **مهر** - لاله زار

۵۴ف

فهرست مندرجات کتاب

موضوع — صفحه

مقدمهٔ مؤلف

فصل اول ـ مطالعات عمومی درباب تعلیم وتربیت ۱

فصل دوم ـ اهمیت مدارس ابتدائی ومنظور اصلی ازتشکیل آنها ۱۹

فصل سوم ـ معلومات اساسی راجع بموضوع تربیت ۳۵

فصل چهارم ـ برخی اساسهای مهم تربیتی ۳۹

فصل پنجم ـ عوامل تربیت ۴۸

فصل ششم ـ نظام وانتظام ۷۵

فصل هفتم ـ فرق میان انضباط وانتظام

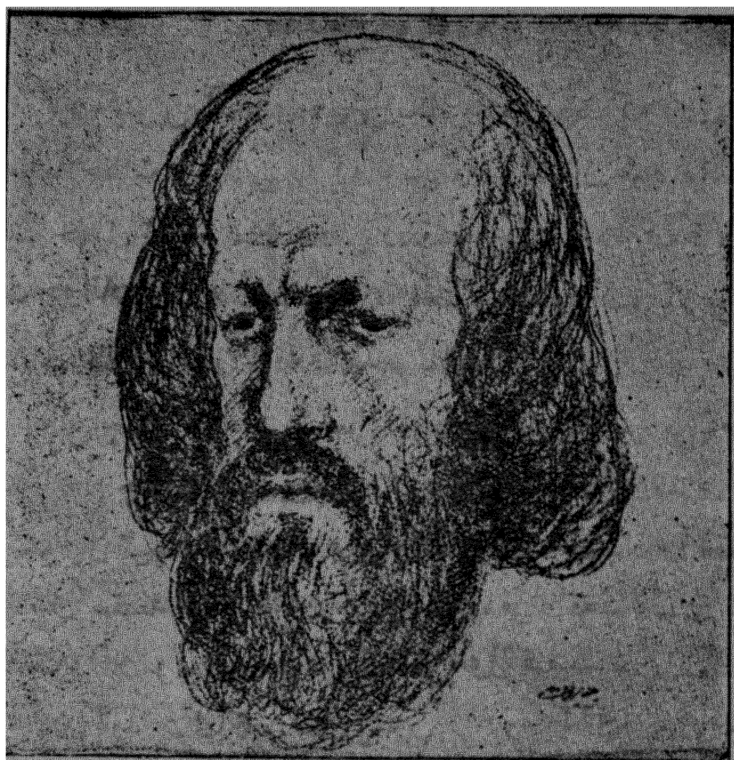
غایت ومنظور انضباط چیست ۸۸

فصل هشتم ـ حفظ الصحه ۱۱۷

بزرگترین مربی اسلامی ۱۳۸

شرح زندگانی امام غزالی ۱۴۰

عقاید ونظریات غزالی درباب تعلیم و تربیت ۱۴۴



امام محمد غزالی

بزرگترین عالم تربیت اسلامی ایران (٤٥٠ - ٥٠٥ هجری قمری)

کتاب رهنمای تربیت جوانان که یکی از بهترین کتبی است که راه اصلاح معارف و تربیت محصلین را با کمال سهولت بخواننده نشان میدهد چون موافق آرزوی دیرین این جانب بود باوضع مناسبی طبع و دردسترس قارئین محترم گذارده شد

نظر باینکه مؤلف محترم برای حسن ختام کتاب شرح‌حال وترجمه حیات و خلاصه‌ای ازنظریات تربیتی امام مذکور را بان اضافه نمودند لذا مناسب چنان دید که آغاز کتاب را بتصویر آن نابغهٔ جلیل‌القدر اسلام وایران بیاراید تا ازاینراه بیشتر جلب رضای خاطر خوانندگان محترم شده باشد

محمد رمضانی صاحب مؤسسه خاور

مقدمهٔ مؤلف

بزرگترین آرزوی دیرین نگارنده این بود که روزی بتواند خلاصهٔ ملاحظات وتجاربی را که ضمن مدت اشتغال خود بوظیفهٔ تعلیم وتربیت حاصل نموده است تدوین ودرنتیجه کتابی را که (**رهنمای تربیت جوانان**) بوده باشد بطبقهٔ محترم معلمین که پانزده سالست افتخار همقطاری ایشان رادارد تقدیم نماید.

ولی چون اطلاعات شخصی خودرا کمتر از آن می یافت که شایستهٔ انجام چنین منظور بزرگی شود لذا در صدد برآمد از مؤلفاتی که پیشوایان تربیت درخارجه وایران نگاشته اند استمداد وآنچه را که برای میل بمقصد مساعد باشد مورد استفاده قرار دهد

خوشبختانه آثار مزبوره بخصوص کتاب **اصول تربیت** تألیف اسماعیل حقی مربی بلند آواز ترك که موجب انقلاب تربیتی ترکیهٔ جوان وبتوسط وزارت معارف آن مملکت بطبع رسیده‌است برای مقصدی که ازدیرگاه مرکوز ذهن وطریق تعبیر آن مشکل بنظر میرسید زمینه هاي سهل وراههای طبیعی وساده‌ای را ارائه و کمك شایان تقدیری بحصول مرام بخشید بالاخره موفق گردید کتابی را بعنوان فوق تحریر و ازین رهگذر خدمتی بفراخور حال خویش تقدیم جامعه بنماید

امید است این اثر کوچك شایان توجه مقامات محترم معارف مملکتی گردیده وطریق ساده‌ای‌را در پیشگاه عهده‌داران تعلیم‌وتربیت اولیای اطفال باز ونگارنده‌را بهرگونه نقص وسهوی که دربیان مطالب یاتنظیم فصول ملاحظه نمایند آگاه سازند

تهران - ۱۶ر۶ر۱۲ **محمد صادق حسینی**

نشاط

فصل اول

مطالعات عمومی درباب تعلیم و تربیت

در تعلیم و تربیت چه نتیجهٔ منظور شده؟- باچه وسایلی اطفال رامیشود آمادهٔ زندگانی نمود ؟- لزوم معلومات در زندگی ودرجهٔ اهمیت آنها . آیا برای زندگانی تربیت مهمتر است یا معلومات ؟ - چه نوع تربیتی را خیلی مهم باید شمرد ؟- درتعلیم و تربیت مدارس را باید مسئول انجام چه وظیفهٔ دانست ؟ - وسایل تربیت در مدرسه چیست ؟- آزادی درضمن دیسیپلین و انتظام چیست ؟ - آیا مقصود اصلی تدریسات تنها معلومات است؟- چگونه ممکن است مقیاس صحیح برای قیمت یکدرس بدست آورد ؟ - آیا اصول انتظام (دیسیپلین) مهمتر است یا اصول تدریس ؟- درسهای تعلیم و تربیت و درسهای تربیت چیست ؟- باید درسهارا تربیتی نمود

درتعلیم و تربیت چه نتیجهٔ منظور شده

بعقیدهٔ مامنظور اصلی ازتعلیم وتربیت اینست که اطفال را معقول بارآورده ذهن آنان را بیکدسته معلومات مختلف پرنمائیم و نظر باین عقیده فرسوده ومدرس تصور میکنیم طفل تربیت یافته طفلی است که درسهای خود را خوب ازبر کرده و روبروی بزرگتر ها مؤدب ومعقول بنشیند. در صورتیکه این عقیده بکلی غلط و خطاست چرا که برای آدم شدن و پیشرفت درزندگی یك طفل. مؤدب وباحیا وترسو وخوش حافظه بودن ومحفوظات زیاد از برداشتن وحتی باذکاوت وهوشیار بودن او کافی نیست

تصور نکنید افراد وجماعاتیکه در زندگانی خود خوش بخت ومرفه‌الحال هستندمبادی‌آداب‌ودرعام هوشیاری ممتاز میباشند بلکه آنها فقط از حیث اراده وعزم وپایداری و جسارت بردیگران تفوق وبرتری جسته اند وهر فرد وملتی که ازاین صفات محروم باشد باوجودحسب ونسب . معقولیت وتأدب، ذکاوت وهوش، موقع شناسی و شرم حضور. علم وفن . بدون شك در کارزار حیات عقب نشسته ومغلوب میگردد: اگرچه برای زندگانی انسان معلومات خیلی مهم است . ولی قیمت و اهمیت آنها وقتی ظاهر میشود که باعزم واراده . تشبث وفعالیت . اقدام وجسارت . اصرار وپشت کار درانجام مقصد جفت گردد

باچه وسایلی اطفال رامیشود آمادهٔ زندگانی نمود ؟

چون مقصود اصلی از تربیت امروزه اینستکه افراد را برای پیشرفت درزندگی مستعد وآماده گرداند لذا بایددید که‌چه‌شخصی میتواندموفقیت در زندگی را دارا گردد؟_ آنشخصیکه‌تندرست وقوی بنیه‌ودرمشاهدهٔ وقایع وحادثات باتحمل‌وصاحب دماغ‌وفکر ودارای قوهٔ‌استنباط‌واکتشاف‌صحیح‌بوده‌وبتواند درقضایای‌حیاتی خود تصمیمات قطعی‌را اتخاذ بنماید . وبرای حصول‌مرام خود صبر وپایداری واصرار را پیشهٔ خود ساخته صریح وجسور وبی باك بوده باشد . با ذات و قناعت سازگار نشود وخلاصه بتواند منافع‌خود ومملکت خودرا تشخیص داده وبرای تحصیل آنها قوی‌دل . با ایمان و پرآرزو و امید، و نومیدی و یأس را درنهاد خود راه ندهد » چنین شخصی هر قدر معلوماتش کم و ضعیف باشد باز یگانه کسی است که برای موفقیت درحیات آماده و لایق شمرده میشود

لزوم معلومات در زندگی و درجهٔ اهمیت آنها

گفتیم که مقصود اصلی از تربیت اینستکه انسان درمبارزات حیاتی مغلوب نشده موجودیت شخصی و نوعی خود را حفظ نماید . اینك میگوئیم که تربیت نیز تنها کافی نیست چه برای اینکه بتوان هم بیشتر ازمنابع حیات بهره مند گشته واساس موفقیتهای خود را بطور آسانتری تحصیل نمائیم از کسب معلومات هم ناگزیر خواهیم بود . فرض کنیم که فلانکس یك آدم با تربیت کاملی است که همیشه در فکر خدمت مملکت خود ودوستدار تقویت ارکان مات خود میباشد و مثلا میداند که برای تزیید ثروت و استفادهٔ مملکت باید در فروش امتعه و صنایع وطنی خود بخارجه کوشش بنماید و برفرض هم بداند که اگر قالی را بلندن یا پاریس یا امریکا صادر کند خوب و زود فروش رفته و تحصیل پول کرده خویشتن را سعادتمند و بواسطهٔ مالیاتیکه میدهد بخزانه مملکت کمك خواهد نمود ولی نمیداند که برای رفتن پاریس چه راهی مناسب تر وچقدر مخارج لازم است ؟ـ آیا خریدار قالی های ایران در پاریس بیشتر است یا جای دیگر ؟ ـ لذا برای درك این مسائل دانستن جغرافیا . حساب وآشنائی بعلوم اقتصادی لازم است چه اگر دارای چنین معلوماتی نباشد بالطبع کمتر میتواند از نتایج تربیت وقوهٔ عزم وپشت کار وتشبث خویش استفاده نماید

آیا برای زندگانی تربیت مهمتر است یا معلومات

سرمایهٔ زندگانی انسان عبارت ازمقدار بهره ایست که از تربیت حاصل کرده باشد. چه نادانی تنها را نمیشود از نقایص شمرد بلکه بزرگترین نقایص انسان آنستکه : علیل المزاج، کم خرد، بی فکر وبیملاحظه . بزدل . بی عزم وبی اراده، بی ثبات وناپایدار ، و فاقد صراحت قول بوده باشد . مثلا جغرافیا یکرشته ازمعلومات شمرده میشود

وتدریس آن برای سیاحت ومسافرت هم مفیداست، چیزیکه هست ندانستن جغرافیا انسان را ازسیاحت مانع نشده ویااگر سفر کرد نباید تصورنمود که مسافرت او بطور کلی خالی از فایدهٔ خواهد بود همچنانکه اگر بنابود زبانهم نداند نیز برای سیر وسفراودرممالك خارجه چندان اشکالی وجود نداشت . ولی برعکس اگر بنابود که فاقد یکی ازخصال تربیت بود. ومثلا بی ارادهٔ وترسو باشد ممکن است که بگوئیم وجود اینهامانع یا باعث درتأخیر مسافرت گردیده . و اگر مسافرت هم بعمل آمد نتیجهٔ جز اتلاف ثروت مملکت نخواهد داشت . پس اگر بنا بشود که ما را بین تحصیل تربیت یاتعلیم معلومات مختار گردانند بدون درنگ وتأمل باید تربیترا اختیار کرده معلوماترا فدای تربیت بنمائیم . چه یك مملکت بامعلومات که آدمهای مرده درست کند درمقابل یك مملکت جاهلی که اشخاص زندهٔ وباروح تربیت بنماید شایسته همسری و قیاس نیست ممکن است بریك شخصی که تنها سرمایهٔ او دقت و تأمل صحیح و قوهٔ محاکمه فکری واخلاقی بوده وکار کن وبا حس وبا اراده . و جسور باشد . اطلاق چیز کرده وبرای او قیمتی فرض نمود لیکن بعکس یك آدمیکه وجودش مثل یك کتابخانه سیار پر معلومات ولی از هر ارادهٔ خلقی که اورا شایستهٔ زندگانی گرداند خالی باشد هیچ نیست ونمیشود اورا چیز یعنی موجود گفت

چه نوع تربیتی را خیلی مهم باید شمرد؟

تربیت را بفروع ذیل تقسیم کرده اند تربیت بدن تربیت فکر . تربیت حس وتربیت ارادهٔ که از همهٔ اقسام تربیت لازمتر ومهمتر است زیرا قوهٔ ارادهازجملهٔ خصایصی است که درمقدمات اشخاص ذی‌دخل و فوق‌العادهٔ مؤثر است برای اینکه مردم بتوانند در زندگانی

خود موفقیت حاصل نمایند. قبل از هر چیز باید دارای پشت کار، مقاومت عزم و جسارت که از فروع اراده شمرده میشوند بوده باشند. و خلاصه وجود اراده چه از لحاظ زندگانی فردی و چه از نقطهٔ نظر سعادت ملی لازم و موجودیت بدون آن، عبارت از موجودیت وهمی و خیالی است مثلا امروز با قوت و سعادتمندترین ملل دنیا. انگلیسها و آلمانها هستند(۱) ولی نباید قبول کرد که با هوشترین و با علم ترین آدمهای

(۱) انگلیسها بر ربع نفوس عالم وخمس اراضی آن حکومت کرده وافتخار میکنند که در ممالک ما آفتاب غروب نمیکند و عظمتیرا که دولت امپراتوری آلمان قبل از جنگ عمومی و بعد از آن ظاهر نمود فراموش شدنی نیست، و برای حسن تربیت و لیاقت و استقامت اخلاقی این ملت، بهترین دلیل واضح اینستکه بدانیم ملت آلمان مدت چهار سال و دو ماه بار سنگین جنگ را بدوش گرفته و متحدین خود، اتریش، عثمانی، بلغار را نیز اداره نمود و باعظیم ترین قوای عالم یعنی قشون قوی و بحری و هوائی شانزده دولت برابری و زد و خورد کرد و بعد از خاتمه جنگ عمومی هر قدر که متفقین سعی کردند بواسطه صلح ورسایل این ملت را درهم شکسته از پادر آورند نتوانستند، وقوهٔ عزم و متانت و صبر و تحملی که آلمانها نشان دادند از همان سنوات اولیه صلح ثابت نمود که این ملت با داشتن چنین سجایا و اخلاقی هرگز نخواهد مرد. شرایط صلح ورسایل ملت آلمانرا ملزوم میکرد که ۱ ـ از تمام اراضی «آلزاس» و «لرن» وحوضهٔ رود خانهٔ سار و قسمتی از خاک خود در حدود بلژیک صرف نظر کرده علاوه بر این باید از حق حکومت خود در ایالت (پزن) و «سایسیای علیا» و «شلزویک» و کلیه مستعمرات آلمان در عالم چشم بپوشد ۲ ـ مبلغ بیست ملیارد مارک «پنجهزار ملیون تومان» بمتفقین غرامت نقدی جنگ را بدهد ۳ ـ کلیه کشتیهای تجارتی خود را بمتفقین واگذار کرده و تمام ثروت خود را صرف تعمیر اراضی خراب شده در جنگ بنماید و تا ده سال نصف زغال خود را بفرانسه و بلژیک و ایتالی و لوکسامبورغ بدهد. دولت آلمان باید قانون نظام وظیفه را لغو کرده و تمام مهمات جنگی خود را بمتفقین واگذار و کلیهٔ مستحکمات نظامی خود را خراب و بیمصرف گرداند، با همهٔ این پیش آمد ها ملت آلمان ده سال است که مقاومت بخرج داده و نزدیک است که باز موقعیت خود را در ردیف ملل درجهٔ اول دنیا قرار بدهد.

عالم افراد این دوملت‌اند . چه میشود که ازحیث ذکاوت وهوش وحتی دانش ومعلومات ملتهائیرا پیدا کرد که بر آلمان و انگلیس مقدم شمرده شوند . ولی چیزیکه هست اینستکه این دوملت سطوت وشوکت خودرا درسایهٔ قوهٔ اراده ومتانت اخلاقی وتحمل وصبر واستقامت افراد خود حاصل کرده واستفادهٔ که ازوجود سجایای مذکور نموده اند بیش از استفاده ایستکه ازهوشیاری وعلم خود برده اند . اینها وسایر عناصر فعال وملل زندهٔ اروپا و امریکا ببرکت ارادهٔ فعال خود. زراعت وصنعت و تجارت خودرا باوجود هزاران موانع ومشکلات روزافزون ترویج داده وخواهند داد. وحتی کوهها ودریاها مانع اجرای آمال آنان نگردیده دراستخراج معادن و حکومت بر منابع اقتصادی عالم . با هر پیش آمد سهمگین و خطرناکی با کمال شجاعت وصبر و استقامت مواجه میگردند . وما هم بالفرض اگر ازدیگران عقب بمانیم ، نه برای اینستکه آنها از ما عالمتر وهوشیارترند. بلکه از اینستکه آنها صاحب اراده وجسور بوده ودرمقابل خیر وصلاح عمومی وجود خودرا ناچیز میشمارند . پدران ما که در یکدورهٔ اززمان توانستند عالم را مطیع فرمان خویش سازند. نه در سایهٔ مزیت علمی بلکه بواسطهٔ سجایای اخلاقی و اصول تربیتی خود اینکار را کردند همچنین مردمانیکه درحیات خود موفق . خوش بخت . وپول دار ومرفه الحال هستند . تصور نکنید از اینستکه فن صنعت و تجارت ومعلومات اقتصادیرا خوب میدانند . یا خیلی هوشیار و فوق العاده باعلم هستند . بلکه ازاینستکه آنها همیشه جدی وقوی الاراده و زرنگ و با نشاط وباپشت کارمیباشند. وحتی دربین آنهاممکن است باشخاصی برخورد کنیم که جاهل حقیقی وعامی صرف باشند ولی معهذا ازفارغ التحصیلهای مدارس عالیه سعادتمندتر وپولدارتر وارجمندتر وعالیجنابتر باشندو بالاختصار

برای موفقیت انسان، دراواین درجه تربیت. ودر دومین درجه هوشیاری و معلومات لازم است برای اهمیت تأثیر تربیت و سجایای اخلاقی در حیات ملل کافی است که نظری بعظمت فتوحات و قدرت مسلمین در صدر اسلام نموده به بینیم یك قوم وحشی و جاهل در سایهٔ تعلیمات و تربیتهای اخلاقی حضرت رسالت پناه چگونه خود را بر دانا ترین و هوشیار ترین ملل متمدن آن عهد حاکم وفرمانروا گردانید (۱) برای اینکه پیغمبر اکرم طوری اعرابرا تربیت کرد که دردنیا باعزم وجسور وبیزار ازذلت بوده واز برای عزت اسلام هیچ حدیرا قائل نشوند وجز مخالفت امر خدا از هیچ چیزی خائف و بیمناك نباشند.

در تعلیم و تربیت مدارس را باید مسئول انجام چه وظیفهٔ دانست؟

هر جمعیتی که بخواهد زندگانی کند ناچار است که جوانان خودرالایق وآماده برای کسب موفقیت در حیات بنماید. هرگاه این جمعیت توانست چنین خدمتیرا در بارهٔ خود انجام دهد بالطبیعه بوجود چنین جوانها و افرادی کامیاب خواهد شد. حال ببینیم که اگر در تعلیم وتربیت جوانان به پر کردن حافظه های آنها قناعت کرده و از تربیت اراده و عقل وبدن آنها غفلت نمائیم چنان جوانها، یا چنین افرادیرا خواهیم داشت؟ - بدیهی است که «نه» ما هرگاه توانستیم که پروگرام تعلیمات عمومی خود را از زیر سلطه و اقتدار این عقاید غلط و این قواعد واصول ظالمانه نجات دهیم و اولاد خودرا

(۱) وقتیکه عمرو ابن العاص مصر را فتح کرد، در آن مملکت بحدی بازار علم رواج داشت که مدت شش هفته حمامهای اسکندریه را با کتابهائی که بامر عمرو آتش زدند گرم میکردید همچنین وقتیکه وحشیهای تاتار در تحت قیادت «هلاکو» خلافت عباسی بغداد را منقرض و نابود ساختند بقدری در کتابخانه های بغداد کتاب بود که وقتی آنقوم وحشی کتابهای آنجا را در وسط دجله ریختند چند روز آب دجله راسیاه نمود.

بتربیت اراده وعقل وفکر وبدن، بار آورده آنها را از زشتیها وبدیها متنفر و در دفع احتیاجات و چارهٔ درد های مملکت، مسابقه‌کار و جاهد گردانیم ، در اینصورت خواهیم توانست که جوانهای سعادتمند خوش اقبال . با عزم و پایدار بجامعهٔ خود تحویل بدهیم وخلاصه هروقت قاعدهٔ برف انبار کردن معلومات حفظی را درحافظه محدود اطفال تغییر داده و توانستیم که آرزوی آمال عالیه را در روح و دماغ جوان های خود تزریق نمائیم ، در اینصورت میتوانیم خویش را امیدوار کرده ، بگوئیم مدارس ما توانسته است مسئولیت خود را انجام داده و از عهدهٔ ادای وظیفه برآید ودراین‌حال میشود مملکت‌را بدارا شدن عناصر کارآمد و فعال و جاه طلبی که خانهٔ خود را درصف ممالك دیگران قرار دهند مژده وتبریك گفت

وسائل تربیت در مدرسه چیست ؟

برای آنکه مملکت بتواند بمعنی حقیقی خود « آدم با تربیت » درست کند ، باید بدو وسیله تشبث نماید و آنها عبارتند از ۱ ـ تربیت‌عمومی مدرسه. یعنی اصول اداره‌ودیسیپلین ۲ـ اصول تدریس وتعلیم بااین‌مناسبت هرمعلم یا مدیریکه بخواهدمدرسهٔ خودرا اصلاح‌نماید اولا باید دیسیپلین داشته باشد . ثانیاً باید اصول‌تدریس آنرا « اگر اساسی ومفید نباشد » تغییر بدهد . ما برای پرورش دادن یك آدم قبل از هر چیز ناچاریم که اصول تربیت یعنی قواعد، وآداب وانتظام و تدریس خود راتغییر بدهیم . واگر در معارف و اصول تربیت فعلی خود تأمل کنیم میبینیم که‌هیچ اثری‌ازآثار انقلاب فکری درآن یافت‌نمیشود . زیرا مدارسی که وظیفهٔ تربیت را بعهده گرفته اند ، ازهرجهت بواسطهٔ عدم تربیت شاگردان بسجایای اراده و عزم و صبر وپایداری جسارت وصراحت غیر لایق و بجز تربیت آدمهای ناقص کار دیگری ندارند. در این‌حال

تشکیلات معارفی ما و تربیت و اصلاحات ما بیفایده خواهد بود. ما اطفال را چون حیوانات همیشه ترسانیده واصول انتظامات مدارس را برقاعدهٔ ظالمانهٔ کتك و تهدید قرار داده واصول تدریس خود را منحصر باین کرده‌ایم که یك آلات «از بر کنی» میکانیکی وصفحه های گرامافون را برای حفظ درس مهیا نمائیم تا کنون هرچه کرده ایم گذشته وامروز باید مسئولیت گذشته را بجای خود گذاشت. واین اصول پوسیدهٔ تعلیم وتربیت را. که برای فلاکت وتهیهٔ موجبات بدبختی مملکت ما بقدر یك دشمن توانا. بلکه بیش از آن تأثیر وفعالیت دارد لغو نمائیم، وتا زمانیکه این مغاوبیت اخلاقی را احساس میکنیم باید بدانیم که آثار آن تربیت‌را نتوانسته ایم ازخود دور گردانیم. اگر طالب سعادت و رفاهیت باشیم لازم است که در مدرسه و خانه اصول انتظام را بـا قویترین شکلی مراعات و اجرا نمائیم. اصول انتظام ودیسیپلین درخانه و مدرسه بحدی در تربیت ذیدخل ومؤثر است. که میتواند جمعی‌را طرفدار آزادی، یا مطیع استبداد. وبالاخره آقا یابنده گرداند.

آزادی در ضمن دیسیپلین وانتظام چیست؟

مقصود از دیسیپلین وانتظام یك مدرسه همانا اصول اداره. طرز تربیت، اسلوب زندگانی. و بیش از هر چیز حرکات و اطواری است که معنی حقیقی آزادی واستقلال شخصی و احترام وظیفه وقانون‌را بشاگردان بیاموزد و طبیعی استکه دیسیپلین و انتظام برای پرورش دادن اطفال، بانواع تربیتهای مختلف بدنی. فکری. ارادی. و حتی آزاد. یـا محکوم ساختن آنان، دخالت وتأثیر کاملی دارد. در یك مدرسه کـه محصلین ورزش و حرکات بدنی داشته باشند. و از بازیهای طبیعی و منظم و نور و روشنائی و رفاهیت وهوای آزاد. بهره مند شوند، آن

مدرسه آزادی بدنی وحریت فکریرا فهمیده وحقیقت آزادیرا در ضمن دیسیپلین وانتظام فهمانیده است ولی یك مدرسه‌را که درفضای آن ، بازی ، دویدن ، جست و خیز ، مطایبات و محاورات ظریف و دلچسب بین اطفال وجود نداشته باشد و خواندن سرودهای مهیج و شورانگیز وطنی درآن مجری و معمول نباشد بالطبیعه آزادی بدنی و فکری در آنمدرسه مفقود و گرفتار یك انتظام و دیسیپلین ظالم و مستبد و محکوم پروری شده است. همچنین دریك مدرسه که شاگردان برعایت احترام یاخوف معلم ، جرأت حرف زدن وسؤال ازاشکالات خود نداشته باشند، واگر احیاناً جرأت بسؤالی نمایند، اگر اهانت و توبیخ نشوند بجوابهای پرت وبیمورد مجاب میشوند ، فوتبال وموسیقی ونقاشی وکارهای یدی نداشته باشند کوهها و صحرا ها و جنگلها را در ضمن سیاحت ها و چادر زنیهای پیشاهنگی نبینند و برعکس پیش آمد های احساس کش و مخالف تربیت را علی الدوام ازمعلمین واستادان خود مشاهده نمایند . آن مدرسه از تربیت آزادی و اجرای انتظام ودیسیپلین عدالت عاجز و ناتوان خواهند بود وافرادیکه برای جامعه تهیه میکنند عموماً بیعرضه‌و بیکار « لش » وبیحال وخمیازه کش ومهموم وبالاخره اتکالی و بی وجود و از هر کاری خائف و ترسو میباشند . برای تأسیس انتظام صحیح و و دیسیپلین که در ضمن آزادی موجود شود باید باطفال معنی حقوق متقابله را فهمانید و آنها حالی نمود که هر کسی درضمن حدودقانون دارای ملك آزادی کاملی است که احترام ومراعات آن لازم و باید همیشه در حصول آن برای خود یا دیگران کوشش بنماید ولی باید در عین حال مواظب شوند که مفهوم آزادی ، وسیلهٔ سوء استفادهٔ شاگردان نشده و تولید هرج و مرج نسبت بانتظامات مدرسه و آداب عمومی نکند چه

اگر این معنی وجود یابد قطع نظر از اینکه نتیجه مطلوب از تربیت ضایع میشود یك تجاوزی بحقوق : معلم ، خانواده ، ملت وارد خواهد شد و خلاصه باید گفت که برای ایجاد جوانهای آزادی طلب که درعین حال هم مطیع قانون و طرفدار اجرای دیسیپلین باشند و برای حصول موفقیت خود وملت خویش ساعی ومجاهده کاربشوند ، وجود معلم تربیت یافته وطنخواه بهترین و قویترین عامل مؤثر شمرده میشود

مقصود اصلی از تدریسات تنها معلومات است ؟

آموختن یا تدریس در مدرسه برای آدم ساختن یك واسطهٔ ثانوی شمرده میشود ، تدریسات را نباید یك چیز ساده و بسیطی تصور نمود . چرا که هم وسیلهٔ تعلیم وهم واسطهٔ تربیت هستند ، بنابراین نمیشود تدریسات را عبارت از یك چیز های « از بر کردنی » و یا مواد حافظه پر کن قرارداد بلکه باید طوری باشد که درتربیت بدن، فکر ، اراده، حس مؤثر ومفید واقع شود. ازاینرو یك درس را درآن واحد هم تعلیم وهم تربیت باید شمرد . تعلیم عبارت از فهمانیدن و تربیت عبارت ازکار کردن است ، فرض کنید : که یکنفر معلمی جغرافیا را تدریس میکند و در ضمن این کار ، مملکتها ، طوایف، طبایع ، شهرها . مسافت، تجارت وصنعت و زراعت و حیات اجتماعی آنها را باطفال میآموزد ، این کار را « تعلیم» میگویندولی اگرمعلم درضمن تدریس، یك نتایجی را ازمسافت ودوری شهرها نسبت بیکدیگر، اهمیت موقع جغرافیائی وتاریخی ممالك و نفوس و پیشرفت تمدن و اقتصاد آنها استخراج کرده و بدست شاگردان خود داده و یك فکر تازه و اراده نوینی را در روح آنان تولید ، و حس مجاهده در حیات و جاه طلبی و غرور ملی را در نهادشان حرکت داده آتش عاطفه و احساسات آنها را شعله ور سازد

در این حال میشود گفت که آن شاگردان از این « درس » تربیت حاصل کردند . باز تصور کنید که یك معلم دیگری هندسه تدریس میکند . مقصود از تدریس این علم چیست ؟ - فقط آنستکه مربعات و مثلثات و مساحتهای آنها و یا اشکال دیگر را بدانند ؟ - خیر بلکه باید در تدریس هندسه حس باصره وقوهٔ محاکمه وتدقیق را بر روی آن اشکال ورزش وتقویت داد . تا دراین زمینه یك مقصد تربیتی هم تحصیل گردد. زیرا آن درسی که طریق استعمال قوای نهانی وجود انسانی را بطفل تعلیم نکند؛ و او را باین نوع تجربه های عملی مجهز و کار آزموده نگرداند - و فقط مخیلـه را وسعت داده وباقی قوا و حواس را عاطل و بیکار بگذارد درسی است بیهوده و باید از لحاظ تربیت لغو ومحکوم بفنا بشود. محصل باید دراثر یك درس هم معلومات علمی را درك کرده و هم قوهٔ اراده : صبر و ثبات : تشبث و لجاجت و اصرار در تحصیل مطلوب و مقصود فردی و اجتماعی را دارا شود واگر سجایای مذکوررا بواسطهٔ تربیت خانوادگی داشته باشد بوسیلهٔ آندرس موفق بتقویت آنها گردد ، بنابر این یك درس جغرافیائی که در شاگردان حب تمدن و تجدد را موجود نسازد و آنها را بحیات اقتصادی واجتماعی وسیاسی ملل کاملانزدیك وآشنا ننماید واحساسات آنهارا بطبیعت ، کوهها ؛ جنگلها ، آبشارها ، چمنها مجذوب وعلاقه مند نگرداند و خلاصه حس تشبث و مقاومت وجسارت را در آنان تحریك نکند ؛ و عشق گشتن و دیدن و کنجکاوی وتتبع درنهادشان پرورش ندهد . در این حال باید گفت که این یك جغرافیای تاریك ودرس بی ثمری است همچنین درس هندسه که فقط شاگردانرا مجبور بحفظ قضایای آن کرده وچشم ودست اطفالرا بخطوط، سطحها ، بعدها مساحتها

واجسام و اشکالیکه دروطنشان یافت میشود نزدیك و مماس نگرداند و آنانرا بمقایسات عامی وحسی وادار نکند، وگذشته ازفکر دست وپای ایشانرا بفعالیت و کار نیندازد چنین هندسهٔ نیز کشنده و مسموم است

چگونه میتوان مقیاس صحیح برای قیمت یك درس بدست آورد ؟

چون لازم شد که در تدریس هم جنبه تربیت وهم جنبهٔ تعلیم رعایت و ملحوظ گردد در این صورت مقیاسی را که میشود برای قیمت یك علم بدست آورد . اینستکه بدانیم آنعلم یا آندرس نه تنها معلومات تازه ای باطفال میآموزد بلکه ملکات و سجایای آنانرا نیز تقویت ونمو میدهد . یك قسم درسهائی داریم که نتیجهٔ آن فقط پر کردن صفحهٔ ذهن اطفال بوده واز اینجهت تدریس میشود که آنها نیز طوطی وار از بر کرده چون آواز بر گردان (گرامافون) ثانیاً یا ثالثاً اعاده دهند شکی نیست که یك چنین معلوماتی هیچگاه برای تربیت مؤثر و مفید نیست ولی از اینطرف یك درسهای دیگری از قبیل تعلیمات پیشاهنگی ورزش ، رسم و نقاشی ، و هنرهای یدی و موسیقی و سرود داریم که اگر چه مانند تاریخ و جغرافیا یك معلومات مستقیمی را دست نمیدهد لیکن برای تربیت دست و چشم و تولید دقت نظر و حالت مطالعه وحس محاکمه وفعالیت و جسارت از تمام دروس مؤثر تر و کاری تر شمرده میشود ازاینرو برای سنجیدن ارزش یکدرس نه فقط باید دید که « باطفال چه یاد میدهد » بلکه در عین حال تعلیم باید ملاحظه کرد اثر و مدخلیت آن در تربیت روح وبدن تاچه پایه است . همچنان که نباید بهترین ولایقترین معلمین آن معلمی را دانست که بتواند خوب و فصیح وشمرده و از روی اصول مبادی آدابی کامل حرف بزند ، بلکه آن کسی را باید معلم شمرد که بتواند در روح شاگردان خود

مؤثر واقع شده آنانرا بجانب فعالیت و قوت اراده سوق داده محبت و فداکاری در راه نوع. عادت بصراحت والتزام براستی وعشق بخدمت جامعه و وطن را درنهادشان پرورش دهد.

آیادرمدرسه‌رعایت اصول انتظام (دیسیپلین) مهم تراست یا اصول تدریس؟

برای تهیهٔ آدمهای کامل رعایت اصول انتظام مهمتر ازاصول تدریس میباشد در یك مملکتی که کار ها و تکالیف مدرسه وامانده باشد بزرگترین علاج در اینستکه قبل از هر چیز اصول انتظام مدارس را تغییر بدهیم و مدرسه‌ایرا که موظف است برای ما آدم درست کند با یك دیسیپلین آزاد و موافق وجدانی که متضمن اصول تربیت باشد اداره نمائیم و بعبارةاخری بایددرمدارس خودیك انقلاب عظیمی ایجاد کنیم. درس را نباید عبارت ازمواد از بر کردنی دانست وهمچنین انتظام را نباید درظل فرمانروائی قدرت مطاقه و زوروتهدید و تحقیر شاگردان جاری نمود اهمیت اصول تربیت و طرز دیسیپلین مدارس بحدی در تکوین ملل واقوام عالم ذیدخل ومؤثر است که قابل توجه و دقت کامل میباشد. مثلا امروز در مملکت فرانسه. حساب - هندسه - تاریخ - جغرافیا - وطبیعیات را بیش از انگلیس وآلمان تدریس میکنند ولی چون اصول تدریس وانتظام فرانسه کمتر حاوی فنون وقواعد تربیت است از اینجهت نتیجه ای را که درانگلستان وآلمان و امریکا از مدرسه میگیرند هنوز درفرانسه نگرفته ونتوانسته اند مانند حریفان خود اطفال کارآزموده و توانا درست کنند در انگلستان اصول تربیت و دیسیپلین مدرسه اصل و تدریسات را فرع میشمارند امادرفرانسه‌اگرچه‌معلوماترا به آخرین طرز اصول تعلیم درس میدهند ولی انتظام آنها بیشتر غیر طبیعی و بعلاوه آزاد نیست و از روی قواعد و فرمولهای میکانیکی تنظیم شده است. درانگلستان مدارس خیلی آزاد وحقیقت زندگانی و حیات

طبیعی را باطفال یاد میدهد لیکن در فرانسه مدارس خیلی مقید وقانونی و منظم است ولی درعوض از متابعت مقررات حیات عادی و آشنائی به مقتضیات فردی واجتماعی دورمانده است .

درسهای تعلیم وتربیت ودرسهای تربیت چیست؟

بعد از اینکه ثابت شد تربیت تنها عبارت ازمعلومات نیست بلکه عبارت از اینستکه یك آدم کاملی از حیث روح و بدن تهیه نماید علیهذا مهمترین درسها همان درسی است که عزم واراده وجسارت و قدرت درعمل رادر اطفال بوجود آورد . و اینك برای اینکه مواددروس را (اعم از اینکه فقط راجع بتربیت باشد و یا تربیت و تعلیم هردورا شامل شود) تحت نظر دقت و ملاحظه خوانندگان بگذاریم بدرج جدول ذیل مبادرت مینمائیم:

ممکن است درسهائی که راجع بتعلیم و تربیت است بدو طبقه تقسیم نمود. اولادروسیکه دارای دوجنبه تعلیم وتربیت هردو بوده باشند ثانیاً دروسیکه جنبهٔ تعلیم تنهاداشته باشندو بنابراین جدول صفحهٔ بعدرا که منضم هردوی آنهااست ازلحاظ خوانندگان میگذرانیم:

درس هائیکه راجع بتعلیم و تربیت است	درسهائیکه فقط راجع به تربیت است
قرآن مجید	سرود
شرعیات	تیاترها (نمایشهای تاریخی)
صحبتهای اخلاقی و مدنی (دینی ، صحی ، تاریخی	کنفرانس (نطق)
علم الاشیاء (بطرز معلومات فنی در کلاسهای عالی تدریس بشود)	مشق و تعلیم خط
الفباء	علم الاشیاء (کلاسهای مقدماتی)
قرائت	زراعت (گیاه شناسی ، باغبانی)
املاء (دیکته)	هنرهای یدی
محفوظات	رسم و نقاشی
دستور زبان (صرف و نحو)	موزیك
انشاء	ورزش بدنی و صحی
تاریخ	نشانه زدن
جغرافیا	سیاحت و گردش
حساب	
هندسه	

مواد اصلی تدریسات را در قسمت راست جدول ملاحظه میشود کرد درسهای مذکور فکر را تربیت میکنند آدم را با معلومات مینمایدولی موادیکه در طرف چپ جدول مزبور مطالعه میشود مستقیماً معلومات تازه‌ای بانسان نداده و بیش ازهر چیزمنظور تربیتی را تقویت مینماید در جدول راست جنبهٔ علم وفکر بیشتر ملحوظ میگردد لکن درطرف چپ موادیکه حس و اراده را تقویت مینماید غلبه دارد قسمت اول

انسانرا عالم ودانشمند میگرداند ولی قسمت ثانی اگر کمتر میتواند در باسوادشدن اومؤثر بشود درعوض برای اینکه اورایك آدم کامل گردانیده و از جهت دیدن، شنیدن، کار کردن . فهمیدن تربیت وتکمیل مینماید یگانه مؤثر و مهمترین عامل بشمار میآید ؛ دروس جدول راست بیشتر اثر خود را درتربیت فکر انسان یعنی هوش و ذکاوت او نشان میدهد ولی دروس جدول چپ هم نسبت بفکر وهم نسبت باراده و حسیات او مؤثر میگردد مثلا درسهای رسم و فلاحت نه فقط فکر انسان را بکار میاندازد بلکه قوای مادی یعنی بدنی او را نیز بمیدان عمل میگذارد و حس و ارادهٔ اورا بحرکت میآورد وخلاصه دیسیپلین وانتظام مدارس آزاد این نوع تربیتها را مشروع شمرده آنهـا را داخل پروگرام و دستور عملی خود مینماید و اگر هرآینه ازطرف مدرسه یا اولیای معارف این نوع دستورهای عملی صادر نشود لا اقل خوبست که اطفال را در بازیها و کارها و سرودها و رسم هائیکه بطبیعت حال خودشان ترتیب میدهند مانع نشوند و این حق طبیعی را که لازمهٔ مزاج و سن طفولیت است از آنها سلب ننمایند چه درهر مدرسه ای که رسم وموزیك وسرود و هنرهای یدی نباشد آزادی بدنی وفکری وارادی هم وجود نخواهد یافت درمدارس و دارالتربیه های هر مملکتی که حریت بدنی ارادی و فکری ملحوظ میگردد بالطبع اهالی و افراد آن ممالکت موقع مهمی را درعالم اجتماع بشری دارا خواهند شد وخلاصه درسهائیکه جنبهٔ تربیت بدنی را بیشتر داشته باشد وازراه کار وعمل یك معلومات فکری وتجربه ای باطفال بیاموزد بهتر میتواند برای ملت و جامعه آدم درست کند ولی متأسفانه در ممالکت ما تاحال بتدریس موادیکه داخل در جدول چپ بوده وبرای تربیت وتقویت جنبهٔ فکری وارادی اطفال مفید باشدمبادرت

نشده وازاین جهت است که این حال اسف اشتمال‌را در جوانان خود دیده ونتوانسته ایم که مدرسه را موجد یك محیط انقلابی درطرز فکر وشیوهٔ کار وعمل جامعهٔ خود قرار بدهیم وبالاخره روشن ترین نتایجی را که‌ما باید درسایهٔ وجود درس‌ومدرسه وتربیت حاصل کنیم اینستکه اصل تربیت بدن فعالیت حس واراده‌را درمقابل علم ومعرفت قرارداده و برای این جنبه هم یك موقعیت مهم و شایان توجه و گرانبهائی را قائل شویم

باید درسها را تربیتی نمود . هر درسی را که‌ملاحظه‌میکنیم می یابیم که دارای دوجنبه‌است یکی جنبهٔ‌معلوماتی ودیگر جنبهٔ‌تربیتی وبرحسب تحقیق وتدقیقیکه دراین زمینه شده‌است کلیهٔ دروسیکه‌دارای جنبهٔ تربیت نباشد درعالم وجود ندارد وهمچنین هیچ تربیت حقیقی‌هم یافت نمیشود که برای طفل یك‌درب تازه‌ایرا ازمعلومات باز نکرده و بجنبهٔ‌تحصیل واطلاعات‌او خدمت‌نکند مثلا درس‌هندسه میتواندمعلومات‌را خدمت و کمك نموده وبوسیلهٔ کشیدن وترسیم‌اشکال وتطبیق‌آنهاباشیاء خارجی جنبهٔ‌عملی وحسی و تربیتی حاصل میشود بالاخره باید همواره دروسیکه جنبهٔ تربیتی را قویتر کند بیشتر طرف توجه اولیای معارف باشد زیرا چنانکه گذشت تربیت منظور اصلی و تعلیم نتیجه و مقصد فرعی است و معلوماتیکه اطفال‌را بفعالیت واراده وعزم وشجاعت وبلند همتی وجان‌بازی درراه نوع سوق ندهد بی فائده وفاقد هر نوع خیرو سعادت وقیمتی میباشد

فصل دوم

اهمیت مدارس ابتدائی و منظور اصلی از تشکیل آنها

محیطهای تربیتی کدامند؟- چرا مدارس ابتدائی مهم تراست؟ دستور مدارس ابتدائی چه باید باشد - معلومات مدارس ابتدائی ازچه نوع و حدود آنها چیست؟ - مدارس ابتدائی باید خادم احتیاجات جامعه بشود - باید در رفع نواقصی که از حیث تعلیم و تربیت در مدارس ابتدائی ما وجود دارد کوشش کنیم

محیطهای تربیتی کدامند ؟ - گفتیم که منظور اصلی از تربیت همانا پرورش دادن آدمهای کامل و مستعد در زندگانی است

حال لازم است که بدانیم محیطهائیکه این تربیت را بعهده گرفته و آرزوی ما را در ایجاد آدمهای کامل میتوانند عملی نمایند کدامند . پس از انکه طفل متولد میشود در خانواده، مدرسه و خارج یعنی در جمعیت زندگانی مینماید و بالطبع در اثر وجود یکی از محیطهای مزبور یك تاثیرات خوب یا بدی در سجایا و اخلاق او پدیدار میگردد . بنا براین هریك از محیطهای مذکور میتواند در تربیت اطفال عامل و مؤثر واقع شود یعنی اگر ان محیط سالم وقوی بوده باشد میتواند که طفل را یك شخص سالم وقوی درست نماید و اگر هر آینه مریض ومسموم باشد همانطورهم طفل را مریض و مسموم بار میآورد وهر گاه یکی از ان سه محیط مریض و آن دوی دیگر صحیح وسالم باشد باید از سلامتی محیطهای سالم کمك جسته وان محیط مریض را علاج ودرمان داد و همچنین ممکن است که دو محیط مریض ویك محیط سالم باشد دراینحال باید آن دو محیط مریض را با این محیط

سالم بهبودی وبالاخره شفا بخشید مثلا اگر محیط خانواده وجامعه مریض باشد بوسیلهٔ محیط یکمدرسهٔ صحیح وسالم ممکن است که مرض آندو را بر طرف گردانید و همچنین میشود که بواسطهٔ سلامتی محیطهای خانواده و مدرسه محیط جامعه‌را معالجه نمود ولی اگر محیط خانواده ومدرسه وجامعه‌هرسه مریض‌شود چه‌باید کرد ناچار باید بمدد مهمترین آنها که مدرسه است پرداخت وشروع باصلاح ان نمود (۱) چه اگر محیط مدرسه‌را سالم نگردانیم بلاشبهه موفق باصلاح آن‌دو محیط دیگر نیز نخواهیم شد پس‌چارهٔ منحصر بفرد سعادت‌ملت‌ما فعلا منوط باصلاح یلاایجاد مدرسهٔ صحیح وسالم میباشد

چرا مدارس ابتدائی مهم‌تر است -؟- مدارس سه‌قسم است . ابتدائی ـ متوسطه ـ عالی حال به بینیم که کدام یك از این سه‌نوع مدرسه میتواند منظوراصلی تربیت‌را حاصل نماید بالطبیعه باید گفت بدون‌شك مدارس‌ابتدائی‌ـچرا که‌اولا اطفال‌را درخردسالی (که‌صفحهٔ‌ضمیر شان بواسطهٔ سادگی مستعد قبول هرنقش وصورت اخلاقی وفکری وعلمی وتربیتی است) یك‌نوع درسهای ساده ومعلومات مقدماتی میاموزند‌ـ ثانیاً مدرسه ابتدائی محل تربیت اکثریت ملت ویا بعبارةاخری مدرسهٔ اول وآخر مردم شمرده میشود . ثالثاً مدرسه ابتدائی سنگ اساس وشالودهٔ اول بنای‌مدرسهٔ متوسطه وعالی است وبایدریشه‌وتخم هرثمره‌ومحصولی را که میخواهیم درمدارس متوسطه یاعالیه پرورش دهیم در این مدرسه

---

(۱) چون بنیاد خانواده مرکب ازدورکن وآنها عبارت از زن و شوهراست لذا مدرسه اگر بتواند زن و شوهر صحیح تربیت کند زن وشوهر هم میتوانند موفق بتشکیل یك محیط خانوادگی صحیح بشوند وچون از مجموع خانواد هـا محیط سوم که جامعه است تشکیل‌میشود پس مدرسه نسبت بخانواده وجامعه اصل ومادهٔاولیهٔ آنها شمرده میشود .

بکاریم . مدرسهٔ ابتدائی همان مدرسه ایست که باید برای ملت نسل صحیح
و توانا بارآورده و بطور خلاصه باید همه چیز مارا ضامن و عهده دار شود
و بهمین جهت اجرای یك قاعدهٔ خارج ازمنطق یا یك پروگرام غلط و
عاجز پرور ممکن است آتیه یك ملتی را محو و آنهارا رو بزوال سوق
نماید در کلاسهای ابتدائی یك نوع پرتگاههای خطرناك وسوراخهای
عمیق پیدامیشود که مدارس عالیه ازرفع آن ناتوان وحتی استاد (پرفسور)
دارالفنون هم ازعهدهٔ پر کردن یا پوشانیدن آنها نمیتواند برآید ـ ولی برعکس
ملاحظه میشود که معلم ابتدائی مقتدر و یك مدرسه ابتدائی که با نقشه
ومرام تربیتی و پروگرام صحیح وسالم اداره شود درنهاد طفل خردسال
میتواند تخم فضیلت وحقیقت را چنان بکارد که مادام الحیات او و مات او
از ثمراتش بهره مند و برخوردار بشوند وازاین رو معلوم شد که مدرسه
ابتدائی مهمتر است

دستور مدارس ابتدائی چه باید باشد ؟ - یگانه مقصد اصلی از تاسیس مدارس ابتدائی اینستکه یك طفل ضعیفی که قوای بدنی او از
انجام کارهای مفید وموجد سعادت عاجز وملکات فکری او هم که بواسطهٔ
عدم تربیت شبیه بحیوانات و برای او ودیگران کمتر منشأ اثر خیرمیگردد
تقویت ونمو بیابد بعبارهٔ اخری مدارس ابتدائی باید مقصود یگانه (کمال
مطلوب) خودرا تربیت نوباوگان قرارداده دورهٔ تحصیلات شش ساله را
برای درست کردن آدمهای صحیح المزاج که دارای فکر سالم واحساسات
زنده باشند وسیله قراردهد باید منظور مهم اساسی ازتعلیمات ابتدائی این
باشد که حس اطفال را ازحیث ، دیدن ، فهمیدن ، فکر کردن وتخیل وابداع
ترقی وتوسعه داده وانهارا خداشناس ، وطن دوست ، ملت پرور ، مطیع شاه
محب خانواده نماید وسجایای عزم و اراده وفعالیت و تشبث و جسارت و
فداکاری را درنهادشان پرورش بدهد

بنابراین اگر دستور مدارس ابتدائی را بیش ازهرچیز مبتنی بر خواندن ونوشتن قرارداده ومنظور تربیتی را که نقطهٔ نظر حقیقی است فدای با سواد کردن اطفال بنمائیم مثل اینستکه عظیمترین وظایف را فراموش کرده باشیم زیرا تربیت یعنی تهیه آدمهائیکه بتوانند صاحب فکر مستقل و بدن سالم باشند ودرمعیشت خود باردوش افراد یاوبال جامعه نشوند

معلومات مدارس ابتدائی ازچه نوع و حدود آنها چیست ؟-

در صورتیکه مدارس ابتدائی عهده دار تهیهٔ نسل لایق برای زندگانی است وناوقتیکه مدت وزمان اینکار (تهیه نسل لایق) کم ومحدود و تنگ است باین مناسبت لازم است معلوماتی را که باطفال دردورهٔ ابتدائی تعلیم میکنیم دارای جنبهٔ عملی ومفید بحالت اجتماع بوده باشد وبعبارة اخری طوری باشد که درمدت کم بتواند طفل را دررفع احتیاجات اولیه زندگانی امداد کرده ودر کارهای آهنگری نجاری ، کرجی بانی ، زراعت ، باغبانی ، قالی بافی ، نساجی راهنمای او بوده و بتواند موانعی را که در ضمن عمل با آنها برخورد کند از بین برداردوخلاصه اولاد مارا یك نمونه های برجسته کاملی برای کار وعرصهٔ کارزار روزگار قرار بدهد . مثلا حساب یك علمی است که در زندگانی لازمهٔ تمام افراد میگردد وتعلیم آن درمدارس ابتدائی ازواجبات ضروریه است ولی بایددید که چه قسم وچه قدر آن لازم است . درس حساب را همیشه باید باچیز هائی تطبیق نمود که درزندگانی دنیا بااطفال تماس کرده ویاخواهد کرد وباید همانقدر که ممکن است در زندگانی محتاج الیه انها واقع شود با نها آموخت (۱) مثلا حساب ذهنی یکی

---

(۱) البته اولیای معارف درهر مملکتی اینقسم مسائل موضوعه را تحت ملاحظه دقیق قرارداده هر درجهٔ را که مقتضی ولازمهٔ محیط است تشخیص داده پروگرام عمومی را برطبق آن تنظیم مینمایند

ازمهمترین قسمتهای درس حساب است که آموختن آن فوق العاده در امور زندگانی برای انسان (در هر کاری که باشد) لازم است و باید بطوری در این زمینه تسلط پیدا کنند که بتوانند ذهن خود را مثل یک ماشین سریعی بکار انداخته مسائل حسابی که در اثنای کار یا برحسب اتفاق دست میدهد بدون احتیاج بقلم و کاغذ حل نمایند وهندسه هم ازجملهٔ دروس عملی و مهم شمرده میشود ولی بشرط انکه بیش از احتیاج نباشد مثلا دیپلمهٔ ابتدائی محتاج نیست که راجع بهندسهٔ نظری و قضایای آن معلوماتی داراشود بلکه باید چیزهائی راازهندسه بیاموزد که دارای جنبه های محلی وعملی بوده باشد از قبیل اینکه بتواند بوسیلهٔ معلومات هندسی مساحت اطاق ـ خانه ـ باغ ـ مزرعه را معلوم کرده ومعین کند که مثلا چقدر روغن اینظرف را پر میکند یا چگونه بایداین آب را بران زمین مرتفع مسلط نمود . همچنین علم الاشیاء نیز درس بسیار مفید وطرف احتیاج همه طبقات میباشد ولی بایددانست که دیپلمهٔ ابتدائی لازم نیست طریقه تجزیه وتحلیل مرکبات و ترکیب وسائط را بیاموزد بلکه همینقدر بس است که بداند طلا یا آهن چگونه بدست ما آمده و نیز بدانند که فلزات مزبوره قبل از استخراج ازمعادن بحالت حاضر نبوده ودستهای صنعتگران آنها را باین صورت وباین شکل که می بینیم در آورده است

مدارس ابتدائی باید خادم احتیاجات عمومی باشد

هریك ازملل مترقی عالم را ملاحظه کنیم می بینیم پروگرام مدارس ابتدائی خودرا برحسب آرزو واحتیاج وایده آلی که نصب العین خود قرارداده است ترتیب داده مثلا طرز پروگرام واصول تربیت وتعلیم در مدارس ابتدائی ایتالی روسیه بلغار ترکیه که ایده آلی هستند وضع مخصوصی

دارد بنابراین ماهم باید مدارس ابتدائی خودرا موافق حاجات ملی خود اداره وتنظیم کنیم بعبارة اخری لازم نیست که تعلیمات ابتدائی ما با دیگران مساوی یا پروگرام مملکتی آنانرا برداشته وبدون اینکه تناسب انرا با احتیاجات عمومی خود بسنجیم مواد آنرا (هرقدرهم که عملی وحکیمانه و مفید باشد) بتمام معنی اجرا کنیم مثلا در انگلستان چون قوانین تدوین وجود ندارد ومردم بطور کلی نسبت بقوانین مملکت خود با اطلاع هستند وچون خانوادها خود تربیت وتهذیب اخلاقی اطفال را بجا میاورند ازاینرو لازم ندیده اند که مواد معلومات اخلاقی ومدنی را جزو پروگرام تعلیمات ابتدائی قرار بدهند . همچنین در آلمان تعلیم هنرهای یدی را در مدارس ابتدائی خود داخل نکرده اند زیرا وضع تربیت خانوادگی آن ملت طوری جریان گرفته که دیگر لازم نمیدانند بوسیلهٔ پروگرام وتدریس دراین قسمت مشوق اطفال خود بشوند. ترقیات ملی آلمان درظرف نیم قرن اخیر ازحیث فنون وصنایع بدرجه‌ای بالا گرفت که توانست با بزرگترین ملت صنعتی دنیا یعنی انگلیس رقابت و همسری نماید (۱) ولی دولت فرانسه برعکس چون ملت خودرا محتاج بآموختن صنایع دانسته وبعلاوه قواعد اخلاقی .ومدنی هم چندان رسوخی در افراد وی نکرده ناچار است که هردودرس مزبور یعنی معلومات مدنی واخلاقی وهنر هـای یدی را داخل در تعلیمات ابتدائی خویش بنماید و چون

(۱) همچنانکه قبل از جنگ عمومی دولت آلمان خود را قویترین دولت نظامی عالم معرفی می کرد بعد ازخاتمه جنگ با و جود قیود سنگین صلح چنان کار کرد که بقول یکی از مطاعین خود را یگانه دولت صنعتی و تجارتی عالم نمود و توانست که اینفدفعه از راه صنعت و اقتصاد یك رول دیگری بازی کرده موجودیت خویش را از این راه اعاده دهد .

احتیاج ما بدرسهای مزبور فوق العاده است پس اگر خواستیم مثلا پرو گرام انگلیس یا آلمان را تقلید کنیم ناچار باید با اضافه هریك ازاین دودرس این مقصدرا انجام دهیم زیرا چون ملت ما هنوز بطرز قواعد اخلاقی و قوانین مدنی امروزه آشنا نشده اندلهذا تدریس معلومات اخلاقی ومدنی برای ایشان اشدّ لزوم را داشته و از انطرف چون تعلیم هنر های یدی که موجب ایجاد یك فکر صنعتی وفنی دراطفال وتمایل بکارهای آزاد میشود وبعلاوه میتواند مولد عمیق ترین انقلابات فکری وصنعتی وحیاتی گردد لذا بایداین درس را باقویترین شوق واحساس که تصور شوددر مدارس ابتدائی خود معمول وآنرا مورد اهمیت فوق العاده قرار دهیم وخلاصه اگر خواسته باشیم که سر تفوق ملل اروپارا نسبت بشرق یانسبت بخودشان پیدا کنیم خواهیم دید که این معنی فقط و فقط حاصل ونتیجهٔ طرز تعلیمات ابتدائی آنهاست وچنانچه تفوق انگلستان براسپانیا بواسطهٔ مدرسه است همچنین برتری باثریك بر پرتقال نیز ازعین همان سبب ناشی شده است (۱) پس مدرسهٔ ابتدائی باید محور آمال ملی وخادم احتیاجات عمومی باشد

باید دررفع نواقصی که از حیث تعلیم و تربیت در مدارس ابتدائی ما وجوددارد کوشش کنیم

منشأ وجود فلاکت های حاضرهٔ ما قلت معلومات نیست بلکه علت اصلی این است که افرادما ازحیث بدن وروح عاطل وبیقوه هستند چه حقیقتاً تحصیلات مدارس ما کشنده وبی معنی است و ضعفی که از تربیت داریم فوق العاده مدهش ومؤثر وهولناك است. تربیت بدن. تربیت اراده تربیت فکر. تربیت احساس درمدارس ما هرقدر تصور شود ضعیف است

(۱) اگرچه اساساً اسباب دیگری نیز هست ولی باید اعتراف کرد که مدرسه ابتدائی سبب اصلی و عامل واقعی است

ومخصوصاً تربیت اراده وفکر ازهمه ضعیف‌تر و خطرناکتر است . در مدارس ابتدائی لازم است که تربیت بدن واراده را برتمام انواع تربیت ها مقدم بداریم وظیفهٔ یك معلم ابتدائی درمملکت ما این است که الفباء قرائت . حساب وهمهٔ معلومات را وسیلهٔ تربیت بدن واراده قرارداده وبدن وقلب ودست و بازو و زانوی اطفال را بکار بیندازد و آنانرا در هوای آزاد وروشنائی ونور نگاهداری کرده نظافت بدن ولباس را ازواجبات اخلاقی آنها بشمارند وانتظام درامور خوردن و آشامیدن را بآنها یاد بدهند بالاخره باید اطفال را طوری تربیت داد که دوستدار تجمل وآسایش درحیات دنیا گردیده وان حس جهانگشائی بلندی را که درقلب اجدادشان موجود بوده وآنان را حاکم وفاتح یگانهٔ عالم قرار داده است در دلهای آنان حرکت داد وخلاصه جوانهای خودرا باچنین هوسهای عالی وآمال شریف باید بار آوریم (۱) اگر معلمین ما بتوانند خودرا مظهر چنین خدمتی کرده و اولادیکه دارای صفات و سجایای مذکوره باشند برای

---

(۱) خوشبختانه پیشرفت آئین غرای اسلام هم که برای تأمین سعادت دارین آمده مسلمانانرا بجاه طلبی و کسب شرف وثروت وقدرت دنیا تشویق نموده است . اینك برخی آیات واحادیث را که دلیل واضح این مدعاست ذیلا ذکر مینماید

المؤمن القوی خیر من الضعیف — مؤمن زورمند به ازمؤمن ناتوان است

ان لجسدك علیك حقاً — بدنت را برتو حقی است

انعم علی نفسك کما انعم الله علیك ـ همچنانیکه حضرت حق ترا گرامی واکرام کرده تو نیز خودرا گرامی و اکرام کن

اغتنم خمساً قبل خمس حیاتك قبل موتك وصحتك قبل سقمك وفراغتك قبل شغلك و شبابك قبل هرمك وغناك قبل فقرك ـ پنج‌چیز را قبل از پنج چیز غنیمت شمار زندگانی را قبل ازمرگ تندرستی را قبل از بیماری فراغت را قبل از کار جوانی را قبل از پیری توانگری را قبل از بینوائی

واعدوالهم ما استطعتم من قوه ـ آنچه بتوانید درمقابل آنها (یعنی دشمنان دین ووطن) ازلوازم قوه و قدرت حاضر کنید

ما تهیه وتقدیم کنند نه آنکه تصور شود که کاری عادی یا یك احسان متعارفی کرده اند بلکه باید اعتراف کرد که یك ایده آل فوق العاده قوی را برای ما عملی کرده ویك غیرت وتشبث بزرگ و شایان احترام وتقدیری را بخرج داده اند

اگر مدارس اولادمارا فعال ، باعزم وباپشت کار وجسور تربیت نماید بدیهی است دراینحال بزرگترین مرحله‌ای را برای موفقیت در زندگانی پیموده است ومعلمین که بتوانند چنین خدمتی را تحویل جامعه دهند شکی نیست ازهر خدمتی بالاتر ونتیجه‌اش از تعلیم هرنوع معلوماتی بیشتر و مفیدتر است اطفالیکه معنی ترس را ندانند و برای فداکاری و تهلکهٔ درراه نوع قیمتی بوجود خویش ندهند وبسیاحت و گشتن در آفاق مملکت اهمیت داده دویدن ، دیدن ، فهمیدن و کار کردن را دوست بدارند وبهر کاری که شروع نمایند تاآنرا بآخر نرسانند آرامی نیابند ونسبت بهر چیزی قوی الاراده باعزم وثبات بشوند وجودشان برای وطن ازهر سرمایه‌ای ذیقیمت‌تر وعظیم‌تر است (۱)

(۱) (وان لیس للانسان الاماسعی) انسان بهردرجه سعی کند همان اندازه سودمند میگردد ، وهرقدر کوتاهی وتنبلی نماید بهمان اندازه مستمند خواهد ماند پس انسان باید همیشه در زندگانی خودرا رهین کارها وزحمات خود بداند .

اسعوافان السعی کتب علیکم : - کوشش کنید زیرا که شما بسعی کوشش مامور ومکلف هستید

ان الله یعطی عبده علی قدر همته و نهمته : - خداوند روزیرا به بندهٔ خود بقدر همت وحرصی که او درانجام عمل خود نشان میدهد عطا میفرماید

فانتشروا فی الارض وابتغوا من فضل الله : - پراکنده شوید درعالم یعنی مسافرت وحرکت وآمدوشد کنید خودرا ازبرکات نعمتی که خداوند برای شما مقدر نموده است بهره مند گردانید

سافروا تصحوا وتغنموا : - سیر وسفر کنید تارستگار وثروتمند بشوید : -

یك نوع افکار و قناعتهای بیمورد در بین ما حکمفرما شده است که در نتیجه اسباب انحطاط ما گردیده، اهالی مملکت ما همیشه قناعت کار وملل اروپا وامریکا برعکس وسیع الامل و این دنیای بیکران درمقابل همت وآمال عظیمهٔ آنان تنگ گردیده است جامعهٔ ما درنتیجهٔ خلق وسجیهٔ قناعت پیشه گی خود سعی نکرده ودر پی تحصیل پول زیاد برنیامده واز آن

- اطلبوا الرزق من خبایا الارض : - روزی خود را از اعماق زمین جستجو کنید (اشارهٔ صریح بسعی وتشبث در استخراج معادن است)

التاجر الجسور مرزوق والتاجر الجبان محروم : - تاجر باجسارت (یعنی تاجریکه برای تحصیل مال سیر وسفر کند بمملکتهای دور برود درکار خود وسوسه وتردید و بکنم یانکنم نداشته باشد) مرزوق است یعنی سرمایهٔ هنگفت ومال زیاد داراخواهد شد ولی تاجریکه ترسو بوده وبدون جهت خودرا دچار تردید واحتیاط کند تنگ روزی و محروم خواهد ماند

الشجیع مرزوق : - آدم شجاع همیشه موفق وخوش روزی است

الحیاءمانع الرزق:-شرم وحیا باعث بیچارگی وبینوائی انسان درامر معیشت وی میگردد

دیانت اسلام مارا بصبر وپایداری تشویق میفرماید - والعصر ان الانسان لفی خسر الاالذین آمنوا وعملوا الصالحات وتواصوا بالحق و تواصوا بالصبر بعصر (بزمانه) سوگند یادمیکنم که انسانها عموماً درزیان وخسران هستند مگر آنانکه بحضرت حق گرویده واعمال صالحه (کارهای مفید)را بجا آورده یکدیگررا باجراء حق وحفظ عدالت توصیه نموده ودرراه رضای حق صبر ومشقت را تحمل کرده و تحصیل مال حلال نموده باشند

ان الله مع الصابرین : - حضرت حق باکسانیکه صبر را پیشه خود کنند همراه است . آئین پاك دیانت ما را بداشتن جسارت مدنی و شجاعت اخلاقی امر میکند : - ومن یعمل من الصالحات فلایخاف ظلماً ولاهضما : - هرکس که باایمان کامل اعمال صالحه را بجا آورد نباید که ازظلم وتجاوز دیگران بترسد (یعنی اگر ظلمی نسبت باو واقع شود یاتجاوزی در حق او بشود باید باشجاعت وصراحت پافشاری کرده ظلم را برطرف وحق را برای خود احقاق نماید (ولاتلبسوا الحق بالباطل وتکتموا الحق)

هرگز حق را بباطل مپوشانید وحق را (حقیقت را ازترس وملاحظه یامجامله

جهت دچار فقر و مسکنت کنونی گشته و امید ترقی و تعالی آینده وطن‌را محو کرده اند واگر معلمین ابتدائی تمام همت خود را صرف برطرف کردن این فکر ذلت پرور ومحو این قناعت پیشگی کرده‌واین اعتقادغلطی را که اوامر وتعلیمات حکیمانه پیغمبر اکرم ومساعی عالمگیر خلفای او و فتوحات بزرگ نیاکان دلیرما آنرا تکذیب مینماید ازذهن

کاری یاامراعات نزاکت وشرم حضور) پنهان نکنید

ان الناس اذالم یروا منکراً فیغیروه یوشك ان یعمیهم الله بعذابه : ـ .

اگرمردم یك کار بد وناشایسته‌را دیده ودرصدد تغییر یعنی‌رفع آن برنیامدنددور نیست که خداوندهم آنانرا مشمول عذاب خود گرداند

و آیهٔ شریفه ذیل مارا بشجاعت نظامی وصبر درجنگ امر میکند

یاایها الذین آمنوا اصبروا و صابروا و رابطوا و اتقواالله لعلکم تفلحون : ــ

میفرماید که ایگروه مؤمنین صبر کنید وسختیهای میدان جنك را تحمل نمائید و اوامر خداوندرا عمل کنید (بپرهیزید) تاموفقیت ورستگاری درحیات‌را تحصیل نمائید

ولاتنس نصیبك من الدنیا : ـ هرگز بهرهٔ خود را ازدنیا فراموش مکن

ربنا آتنا فی‌الدنیا حسنة وفی‌الاخرة حسنه : ـ پروردگارا ما را دردنیا موفق بتحصیل حسنه(سعادت‌زندگانی)ودر آخرت نیز بتحصیل‌حسنه (اجروثواب‌اخروی) بگردان

اعمل لدنیاك کانك تعیش‌ابدا واعمل لآخرتك کانك تموت غدا : ـ مثل این که بناست همیشه زنده بمانی برای دنیای خود کار کن ومثل‌اینکه باید فردا بمیری برای آخرت خویش سعی کن

من طلب‌الدنیا حلالا فی‌عفاف کان‌فی‌درجة‌الشهداء :ـ

هر کس دنیارا ازروی عفت یعنی عزت نفس وتجاوز نکردن برحقوق مشروعهٔ دیگران تحصیل کند در آخرت ثواب‌درجهٔ شهدا را خواهد داشت . طلب‌الحلال فریضة علی کل‌مسلم : ـ برهر مسلمانی واجب است که از پی تحصیل مال حلال سعی کند : ـ

رحم الله امرء اکتسب طیبا و اتفق قصداً و قوم فضلا لیوم فقره و حاجته : ـ خداوند رحمت کند کسیرا که مال حلال‌را تحصیل و بمیانه روی آنرا صرف ومقداری از آنرا ذخیرهٔ روز حاجت خویش نماید

شاگردان خود دور گردانند بدون شك خواهیم گفت که ایشان بزرگترین خدمت وطنی و عظیم ترین تکلیف مقدسی را دربارهٔ مات وجامعهٔ خود بجا آورده اند

افراد مملکت وملت ما درنتیجهٔ لاقیدی بدنیا وقناعت پیشگی خود گذشته ازابتلای به پستی وانحطاط معیشت نسبت بآب وخاك ووطن خود بیعلاقه شده اند چه کسانیکه بخانه و مزرعه وباغ خود چندان دابستگی نداشته باشند بالطبیعه بوطن و تربت پاك اجدادخود نیز اینقدرها علاقمند نخواهند بود . پس اول چیزیکه برای تربیت حس وطن پروری دراطفال لازم است اینست که حس تملك را درنهادشان تقویت وتربیت بدهند (۱)

---

(۱) آیات واحادیث واردهٔ ذیل عموماً ثابت میکند که مسلمانان باید دارای (حس تملك) وخواستار توانگری و غنی باشند : ـ ان الارض لله یورثها عبادی الصالحون بنابرمنقول : ان الله یحب العبدالتقی الغنی : ـ خداوند بندهٔ پرهیزکار وبا ثروت خود را دوست دارد : ـ نعم المال الصالح للرجل الصالح : ـ مالیکه از حلال تحصیل شود برای مرد صالح ودرستکار خوش است : نعم المطیة الدنیا فارکبوها تبلغکم الا خره : ـ دنیا چقدر مرکب سواری خوبی است آنرا سوار شوید (یعنی بگیرید و برای سعادت و تحصیل نعمت آن کوشش کنید) تاشمارا بآخرت برساند : لیس خیرکم من ترك دنیاه لآخرته ولا آخرته لدنیاه بل خیرکم من اخذ من هذه وهذه : ـ نیکان شما کسانی نیستند که دنیارا محض آخرت ترك ویا آخرت را محض دنیا فراموش بکنند بلکه نیکان یعنی (مردمان متدین) شما کسانی هستند که ازاین وآن (دنیا و آخرت) دردورا بگیرند (قل من حرم زینة الله التی اخرج لعباده والطیبات من الرزق قل هی للذین آمنوا فی الحیوة الدنیا خالصة یوم القیامه) حبیب من بامت خود بگوچه کس آن زینت و رزقیرا که خداوند از خزائن الطاف خود برای شما خارج نمود حرام گردانید بایشان بگو این برای کسانی است که در امردنیا مؤمن (قائل بمبدء) بوده باشند ودرقیامت اینگونه نعمتها خالص ومخصوص آنهاست : ان الله یحب ان یری آثار نعمته علی عبده : ـ حضرت حق دوست دارد که آثار نعمت خودرا بر بندهٔ خویش ببیند : ـ و اما بنعمة ربك فحدث. نعمتی را که خدا برتو ارزانی داشت ظاهر

والبته وسائل تولید این حس‌را دربحث تربیت حسی بیان خواهیم نمود وچیزی که عجالتاً ذکرآن لازم است اینست که بگوئیم معلمین باید : اطفال را به محبت باغ ، خانه ، مال ، مزرعه ، محله ، دهکده ، قصبه ، شهر ، واشیاء مختصه باانان با وسایط حفظ آنها تربیت کنند زیرا محبت وعلاقهٔ بآنها برای دنیا پرست کردن ووطن پرور نمودن نسل آینده خیلی مفید ومؤثر خواهد بود .

گردان یعنی (آثار نعمت حق‌را درلباس ، خوراك ، مرکوب ، خانه ومختصات خود آشکار نما) ان الله یحب ان یری عبده تعبا فی‌طلب الحلال : ـ خداوند دوست دارد که بندهٔ خودرا ازپی تحصیل مال حلال درزحمت به‌بیند : ـ اذاصلیتم الفجر فلاتناموا عن‌طلب ارزاقکم : ـ بعدازادای دوگانه صبح نخوابید ودر طلب رزق خود کوشش کنید : ـ لایقعد احدکم عن‌طلب الرزق ویقول اللهم ارزقنی فقدعلمتم ان‌السماء لاتمطر ذهباً ولافضه : ـ هیچیك از شما نباید ازپی تحصیل رزق خود برنیامده وبگوشهٔ بنشیند و آنوقت بگوید خداوندا مارا بنعمت خود مرزوق بدار چه‌شما فهمیده و دانسته اید که هرگز از آسمان طلا ونقره نمیبارد ، مامن موطن یاتینی الموت احب‌الی من‌موطن‌السوق منه لاهلی ابیع واشتری : ـ در موقعیکه در بازار مشغول خرید و فروش برای تحصیل روزی‌خانواده‌ام هستم اگر مرگ برمن مستولی شود خیلی برمن گوارا و شیرین خواهد بود : ـ واذقال‌ابراهیم رب‌اجعل هذا بلداً آمناً وارزق اهله‌من‌الثمرات حضرت خلیل گفت خدایا این‌شهر را قرین آرامش بدار و اهالی (سکنه) آنرا از ثمرات نعمت‌خود برخوردار کن ، ربنا انی اسکنت‌من‌ذریتی بواد غیر ذی زرع‌عندبیتك‌المحرم ربنا لیقیمواالصلوة فاجعل افئدة من‌الناس تهوی‌الیهم وارزقهم من‌الثمرات لعلهم یشکرون : ـ پروردگارا من یك‌قسمت از خاندان خودرا دریك درهٔ خالی از زراعتی نزدیك خانهٔ محترم تو (حرم کعبه) سکنی دادم پروردگارا برای آنکه نماز را برپا کنند یعنی (ترك ننمایند) یك‌قسمت از مردم را متوجه بگردان تا بسوی آنها توجه ومیل مسافرت کنند که بتوانند باینوسیله امرار معاش بنمایند ، حب‌الوطن‌من‌الایمان :ـ محبت وطن ازشرایط ایمان است

همچنانیکه مدارس ابتدائی مکلف هستند که اطفال را در محبت آب و خاك ومخصوصاً شغل زراعت مملکتی تشویق و ترغیب کنند، زیرا که زراعت برای‌ما از بزرگترین امور حیاتی و محور ثروت مملکت‌ما محسوب میشود (۱) علاوه بر آنچه گفتیم مدارس ابتدائی باید همیشه قلب اولاد خودرا دوستدار صنایع و طرفدار کسب و تجارت و حرفه های آزاد ودشمن وظائف اداری وکار های پشت میزنشین قرار

(۱) در این مورد مناسب دید مختصر اشارهٔ بآیات و احادیث شریفه ای که مسلمانانرا بزراعت وکاردعوت وتشویق مینماید بشود : - لماخلق‌الله‌المعیشه‌جعل‌البرکة فی‌الحرث والغنم : - بعداز آنکه خداوند اسباب معیشت را ایجاد فرمود برکت را در زراعت وتربیت گوسفند قرارداد ، مابعث‌الله نبیاً الارعی‌الغنم ، قالواوانت منهم‌یا رسول‌الله ، قال‌نعم وانا کنت ارعاها لاهل مکه بالقراریط : - حضرت‌حق هیچ پیغمبری مبعوث نکردمگر آنکه قبل‌از نبوت گوسفندچران بود. گفتندشماهم‌همین کاررامیکردید؟ فرمود بله منهم گوسفند هارا برای اهل مکه درچراگاه (قراریط) می‌چرانیدم : - احرثوا فان‌الحرث مبارك واکثروا فیه من‌الجماجم : - زراعت کنید زیرا که زراعت‌کار بابرکتی است و حیوانات را بزراعت زیاد کنید ، سئل‌الباقر (ع) عن‌الفلاحین قال :- هم‌الذین یزرعون کنوزالله فی‌ارضه : - ازحضرت باقر (ع) ازحال دهقانان سؤال شد فرمود آنها کسانی هستند که گنجهای خدا را درزمین او میکارند ـــ والناله الحدیدان اعمل سابغات وقدر فی‌السرد واعملوا صالحا : - برای حضرت داود آهنرا نرم کردیم (یعنی صنعت آهنگری‌را بوی‌آموختیم) وبدو گفتم زره بساز ، حلقه بساز و طوری کن که مصنوعات بیدوام وناقص نگردد وهمچنین کار های شایسته‌را بجای آرید : - ان‌الله یقول یاعبدی حرك یدك انزل علیك الرزق حضرت حق میفرماید ای بندهٔ من‌دست‌خود را حرکت بده یعنی (کوشش وکار کن) تاروزی خود را برتو نازل یعنی (نصیب) گردانم :- انی‌لاری‌الرجل فیعجبنی فاقول : - الهحرفة : - فان‌قالواالاسقط من‌عینی :- چه بسا میشود که‌یك شخص را دیده وبراهم می‌پسندم سپس می‌پرسم که آیا کاری دارد ؟ - پس‌اگربگویندنه! فوراً ازنظرم‌ساقط‌میگردد : - تسعة اعشارالرزق‌فی‌التجاره والعشر فی‌المواشی : - نه عشر روزی در تجارت ویکعشرآن در تربیت چارپایان است

دهند و آنانرا طوری پرورش کنند که مأموریت رسمی را برای خود حقیر و غیر لایق شمرده بیشتر بکارهائی که دست و پا و فکر و بدن را حرکت دهد شایق و راغب گرداند ولی اگر بنا شد که تربیت آنها طوری شود که فقط قلب آنهارا متوجه بمأموریت بنماید بدیهی است که ما ازاین تربیت هیچگونه تطور و انقلابی حاصل نخواهیم کرد

یکی دیگراز وظائف مهم وفرائض لازم مدارس ابتدائی این است که اطفال ونوباوگان را باتربیت نظامی مأنوس کرده آنانرا ازهرجهت عادت بتحمل مشقت وزحمت داده . حس فداکاری درراه نوع و حفظ وطن را دردلهای اولاد خود پرورش وتقویت بدهند وباید معلمین خود ازیکجا تربیت نظامی را آموخته و از جای دیگر آنرا بشاگردان خود بیاموزند اگر مدارس ما بتوانند این وظیفهٔ بزرگ را ادا نموده و از محصلین خود یك تیپهائی که عاشق کمانداری وجنگجوئی و سواری باشند برای وطن وملت خود تهیه نمایند بلاشك توانسته اند بزرگترین مرام وایده آلی را درتربیت انجام بدهند (۱) همچنانکه ایجاد حس علاقمندی

---

(۱) خوشبختانه دیانت اسلام که آئین رسمی ماست دین شهامت و تعلیمات آن درهمه جا مسلمین را برشادت وفداکاری درحفظ ممالك اسلام و توسعهٔ فتوحات اسلامی دعوت وتشویق مینماید بطوریکه بسیاری ازعلماء متتبع معتقدند که دین اسلام دین فتح وغلبه ـ دین عزت وشوکت ورمزعظمت وجلالت است، یاایهاالذین امنوا خذواحذرکم: ایگروه گرویدگان (باسلام) برای محافظه و تأمین وطن خود ناموس خود ، جان خود ، وسائل دفاع را مهیا کنید واعدوالهم ما استطعتم من قوه ومن رباط الخیل ترهبون به عدوالله وعدوکم ..... وآخرین من دونهم لاتعلمونهم الله یعلمهم وما تنفقوا من شیئی فی سبیل الله یوف الیکم و انتم لاتظلمون : ـ ای مسلمانان آنچه بتوانید از قوای معنوی و مادی خود ازقبیل تهیهٔ اسلحه وتربیت اسبها برای تهدید دشمنان خداوند ودشمنان خویش مهیا و آماده کنید ، یك جماعت دیگر ازمفسدین ومنافقین هستند که مابین شمازندگانی

واحترام به «بیرق» رسمی مملکت دردلهای شاگردان نیزشریفترین تکلیف مقدس وطنی وملی است که در مدرسهٔ ابتدائی بعمل میآید . . وبالجمله برای تقویت وتأیید امرتعلیم درمدارس ابتدائی وسائل دیگری موجود است که درتمام نقاط مملکت ما بطور کم یابیش وجودداشته واکنون ازمسائل فراموش شدهٔ بشمار میآید

میکنند ولی شما آنهارا نمیشناسید وحضرت حق آنان را میشناسد اینها نیز در حکم دستهٔ اول محسوبند : ای گروه اهل ایمان هرچه دراین راه صرف کنید واعانت نمائید خداوند آنرا باربح بیشتری بشماادا خواهد نمود و ظامی نخواهید شد : ـ درحقیقة آیهٔ مبارکه فوق جامعترین مثالی درترغیب وتشویق مسامین بتربیت شریف نظامی و بذل مال واعانت نسبت بامور لشکری وعملیات جنگی بوده و میفهماند که ثواب جهادرانه فقط همان سربازانی خواهند برد که بادشمنان خارجی مملکت و کفارجنگ میکنند بلکه تأدیب مفسدین و منافقین داخلی که بااجانب سازش کرده ویا درمقام اخلال امنیت عمومی برآیندنیز موجب ثواب وانفاق دراین راههم نزدخدا پسندیده واجراعانت درجهادبا کفار را دارد : ـ اقرب الناس من درجة النبوه اهل العلم و اهل الجهاد : ـ نزدیك ترین طبقات بدرجهٔ عالیهٔ نبوت و پیغمبری علماء (دانشمندان) ومجاهدین هستند: ـ الجنة تحت ظلال السیوف والاسنه ـ بهشت درسایهٔ شمشیرها ونیزهها است: ـ رباط یوم فی سبیل الله افضل من صیام الف یوم وقیام الف لیله : ـ یك روز که درراه خدا (یعنی راه جنگ و جهاد) در حدود وثغور مملکت اطراق شود ثوابش نزد خدا از ثواب هزار روز روزه وهزار شب عبادت فاضل تر و بیشتر است

فصل سوم

معلومات اساسی راجع بموضوع تربیت

موضوع تربیت عبارت ازقوای ما وقابلیت ماست . قوای بدنی انسان قوای فکری انسان . قوای حسی انسان . قوای ارادی انسان .

موضوع تربیت عبارت از قوای ما و قابلیت ماست.

پیش گفتیم که مقصود از تربیت ساختن آدم کامل و باقوه است اینك میگوئیم که مظاهر وآثار آدم کامل بودن هر فردی نخواهی نخواهی بواسطهٔ درجهٔ استعداد و قابلیت او در مسائل شخصی و اجتماعی باید ظاهر و آشکار گردد و چون بتجربه معلوم گشته که برای تربیت انسان یك نوع قوائی که موسوم بقوای تربیت هستند درذات وی وجود دارد لذا لازم میدانیم که بطریق ذیل اشاره ای بمعنی مزبور بنمائیم

« ا »

قوای بدنی انسان

انسان دارای بدن وبدن او دارای قوای مخصوصی میباشد « آدمیکه صاحب تربیت بدنی است » باید در تمام اعضاء و اجزای بدن از قبیل دست . پا . بازو . زانو . قلب . قوی وزورمند باشد . بنا بر این یك آدمیکه بازو یاقلبش ضعیف باشد صاحب تربیت بدنی نیست چه صاحبان تربیت بدنی را وقتی باید مورد قدردانی وشایان توجه شمرد که جامعه از وجود آنان بهره‌مند بشود زیرا مدنیت را نمیشود تنها باداشتن آدمهای گردن کلفت که دارای بازوهای سطبر و انگشتهای ضخیم باشند حاصل نمود

« ب » قوای فکری انسان

باید دانست که انسان تنها عبارت از همین جسم ظاهری و بدن حسی نیست بلکه دارای یکوجود معنوی دیگری است که آن را روح (جان) میگویند و حقیقت انسان باوست، چه بواسطهٔ روح فکر میکند، احساس مینماید و میخواهد و چنانچه روح ویرا از او سلب نمایند تمام قــوا و قابلیتهای او زایل ومعدوم میگردد . انسان فکر میکند ، میفهمد ، فکــر کردن وفهمیدن یك قوه ایست که باشکال مختلف تقسیم میگردد آنقوه ایکه موسوم بحواس پنجگانه است وبوسیلهٔ آن اشیاء خارجیرا درك مینمایند « اطلاع خارجی » میگویند اطلاع خارجی اگــر مرتبط و مقرون بهوش بوده وحس ذکاوترا تحریك نماید « دقت » خوانده میشود اشیائی راکه انسان در بدو امر می بیند یا میشنود یا درخاطر خود حفظ میکند و بذهن میسپارد نیز بــواسطهٔ قوهٔ خارجی که موسوم « بحافظه » است صورت میگیرد ، انسان تنها بدیدن هر چیز یا شنیدن هر صدائی اکتفا نکــرده بلکه عادت دیدن وشنیدن ویرا بیك معلومات دیگری رهبری مینماید مثلا اگر انسان چراغیرا ببیند از دیدن چراغ بدیدن چیزهای دیگری از قبیل اطاق، کوچه . خانه ، و یا جاهای دیگری کــه مسکون از انسان باشد پی میبرد یا اگر لفظ دیواری بشنود نه فقط همان دیوار تنهارا بخاطر میآورد بلکه سفیدی طول وارتفاع آنرا نیز تصور مینماید دراینصورت این قسم دیدن وشنیدن را « حکم » میخوانند چنانکه اگر تنها نور چراغ یا درخشندگی آنرا بنظر آورده واز سایر خصوصیات و اوصاف آن قطع نظر نماید این حالت را « تجرید » میگوئیم و اگر انسان قلم را بدست گرفته بخواهد یك موضوع یا واقعه ای یا شعری را انشاء نماید در اینصورت محتاج بقوه ای میشود کــه موسوم به « مخیله »

است همچنانکه چند چیز مختلف را که از جهتی با یکدیگر متحد و دارای قدر جامع وخصوصیت واحده باشند درتحت یك حکم در آورند میگویند «تعمیم» شده‌است ازقبیل درخشندگی نورچراغ، گاز هوا، نور آفتاب، که‌دراصل‌ومبدء بایکدیگر مختلف‌ولی‌عموم آنهادرجرگه (اجسام درخشنده) داخل وازاینجهت دارای‌قدرجامع هستند وآن‌قوه‌ای که‌بانسان بفهماند خداوندعالم‌لامکان یافضاء لایتناهی‌است وبتواندبدینواسطه مفهوم لامکانیت و نامتناهیت را تصور کند «عقل» است از آن گذشته برای کیفیت دیدن، شنیدن، فهمیدن وحکم و محاکمه کردن،خیال نمودن انسان منبعی است که آنرا ادراك یا شعور میخوانند حال باید دانست که مجموعهٔ «اطلاع خارجی» که عبارت از حواس ظاهره است و کلیهٔ قوای باطنی که شامل دقت حافظه . حکم . محاکمه . تجرید . تعمیم . عقل و ادراك است ازیك منبع عظیم ومصدر کلی صادر شده‌اند که‌آنرا باسامی مختلف ازقبیل فکر یامفکره هوش «ذکاء» «قوای فکری» یاملکات عقلی نامزد کرده اند

«ج»
قوای حسی انسان

انسان نه‌تنها فکر میکند ومیفهمد بلکه‌دروجود وی یك‌نوع‌قوای‌دیگری‌ودیعه‌شده‌است که‌آنهارا قوای حسیه‌میگویند مثلا یك‌شخصیکه بوی‌خوش خانواده ، انسانیت ، سعی و عمل . وطن ، راستگوئی و هستی خود را دوست بدارد وحس‌تملك فلان چیزرا داشته باشد آن قابلیت واستعدادی که اورا بدوستی اشیاء مذکوره متوجه ساخته یاسوق نموده «حسیات» میخوانیم و برای اینکه وجودانسان‌نسبت بخود و نوع خودش‌سودمند و منشأ اثر واقع بشود لازم است که همیشه این‌نوع ازقوا و استعداد اورا پرورش وتقویت وتوسعه دهیم : احساسات عمدهٔ انسان برسه گونه‌است:

اگر استقلال شخصی یا منفعت ذاتی است دراین صورت دارای حس خود خواهی است و اگر بمحبت خانواده یاوطن وملت و نوع سرشار باشد در اینصورت صاحب حس نوع پروری است وچنانچه درضمیرش حس حقیقت ، ودینداری متمکن شده باشد در اینصورت صاحب حس «معنوی» است این نوع حسیات درهر کس موجود باشد اورا آدم باحس میخوانند واگر حسیات مذکوره دریك شخص ضعیف ویا معدوم باشد ویرا آدم بیحس میشمارند ومعنی تربیت حسی عبارت از پرورش همین احساسات میباشد

«د»

قوهٔ ارادی انسان

يك قوهٔ دیگری در انسان موجود است که مظهر آن حس خواستن وبجا آوردن است . انسان فکر میکند و درنتیجه فکر خود تصمیمی را اتخاذ مینماید ـ مثلا اگر شخصی وطن خودرا دچار تهلکه یافته و تلخی این تهلکه را احساس کرده وعقل او حکم کند که فداکاری برای نجات وطن لازم است ولی ازآنطرف دارای قوه‌ای که اورا بفداکاری وادار نماید نبوده باشد وازاین جهت درامرخود مردد بماند حال اگر بطور ناگهانی دروی قوه‌ای ظاهر شود که باوجود تصور عجز خود بمیدان جنگ رفته مشغول کارزار شود این قوه‌را اراده میگوئیم عزم وتصمیم ، صبر وپایداری . جسارت وشجاعت . ازاشکال مختلفهٔ مظاهر عمدهٔ اراده شمرده میشوند واز این قرار معلوم میشود که فهمیدن حس کردن با اراده وفروع ومشتقات آن که عبارت ازعزم وتصمیم . صبر وثبات جسارت وشجاعت باشد جنبهٔ تفاوت محسوسی را داراست وخلاصه برای اینکه انسان بتواند آرزوی خودرا بموقع اجرا بگذارد جزداشتن ارادهٔ ثابت وپابرجا هیچ سرمایه‌ای برای او وجود ندارد

فصل چهارم

برخی اساسهای مهم تربیتی

اهمیت معلومات نظری در تعلیم ؟ - تاثیر عادت فعالیت و عطالت بر قوای انسانی - قیمت فعالیت درنظر ما - عوامل و اسباب تولید فعالیت - طرز فعالیت ملکات اطفال - تاثیر شرکت ملکات فعالیت در اطفال، تشکیل دهنده ملکات اولیه دراطفال، تشکیل و تکامل ملکات فکری، تشکیل و تکامل ملکات حسیه - تشکیل و تکامل قوای حسیه اطفال

اهمیت معلومات نظری در تعلیم و معلمی ؟-

معلمی و تربیت در مدارس کار مخصوص و محتاج بتجربه و آگاهی و وقوف میباشد صفای عقیده و پاکی نیت وعشق وعلاقه بمسلك تعلیم بزرگترین سرمایهٔ معنوی برای پیشرفت وموفقیت امر معلم شمرده میشود اگرچه تجربه وآگاهی وعقل سلیم کافی است که یك انسان را بدرجهٔ معلمی نائل گرداند ولی با وجود این نمیشود باین اندازه ها اکتفا نموده بگوئیم وجود معلومات نظری برای معلم اینقدرها لزوم ندارد وازانطرف باید اعتراف کرد که ازوجود یك معلمی هم که دارای وسیع ترین معلومات فنی ونظری وحتی اطلاعات تربیتی است نمیشود بدون سابقهٔ بکار معلمی وتعلیم بهره مند وثمرهٔ برومندی را از وجود وی حاصل نمود وخلاصه معلمی را باید مثل سایر صنایع یك کار محتاج بتجربه ای دانسته ودرعین حال باید معلم را بوجود معلومات نظری نیازمند بدانیم؛ نظر باینکه مطالبی را که درباب معلومات تربیتی دراین کتاب مینگاریم گذشته ازاینکه اینقدرها عمیق ومفصل نیست طوری نوشته شده است که باذکاوت و هوشیاری

متعارفی هم میشود بر آنها آگاهی واطلاع حاصل نمود اکنون باید دید اصولی را که باید در تربیت قبول نموده و بوسیلهٔ ارشاد و راهنمائی آنها آدمهای کامل را درست کنیم چیست ؟

تأثیر فعالیت وعطالت برقوای انسانی ؟

پیشینیان میگفتند (آهن کار کن زنگ نمیزند) این ضرب المثل کاملا صحیح وهمیشه مصداقهای حسی بسیار بمانشان داده است انسان نیز چنین است یعنی یك انسانی که کار کن وفعال باشد همیشه صحیح المزاج و سالم وبرعکس اگر عاطل وبیکاره باشد افسرده وملول ومبتلا بکسالت وعلت مزاج میگردد واگر چنانچه مفهوم ضرب المثل مذکور را عمومیت بدهیم خواهیم دید که شامل کلیهٔ قوا و اعضای وجود انسانی میگردد : انسان دارای قوای مختلفهٔ بدنی حسی عقلی ارادی است که هریك از آنهانیز دارای فروع وآثاردیگری میباشند قوای مزبور بهردرجه بکار بیفتد بالطبع بهمان درجه کمال وتقویت می یابد وبهر اندازه عاطل و بیکاره بماند بهمانقدر رو بضعف و انحطاط وفنا خواهد رفت اگر دست را تا مدتی بیکارو پارا بیحرکت بگذاریم طبیعی است که دچار ضعف خواهد شد همچنین سایر اعضای بدن همین حال را دارند کرجی بان و نجار و آهنگروخمیر گیر دستهای قوی و بازوهای سطبر دارندحمال وچارپادار پاها وزانوهای قوی و ماهیچه های ضخیم دارند : قلبی که کار نکرده ترسو وارادهای که عاطل ماند صاحب خودرا عاجز و بیعزم میگرداند بر عکس قلب کار دیده و ارادهٔ فعال همیشه مظهر هنرمندی بزرگ و ترقیات جالب توجه میگردد : آنانکه هر روزه کوهستان را دیده و هوای صاف وآزاد را استنشاق میکنند صاحب ریه های سالم ومزاجهای صحیح میشوند : نقاشیکه هر روز چشم خودرا درمشاهدهٔ رنگهای گوناگون

و ترتیب اشکال گوناگون و بدیع ورزش میدهد قوهٔ باصرداش قوی و دقیق خواهد گردید : اگر طفلی را از کودکی دریك محیط پاکیزه وزیبائی تربیت کنیم بالطبیعه از کودکی بنظافت و پاکیزگی عادی و مانوس گشته وبرای تربیت اراده وعزم وجسارت وفعالیت واعتبار بکار وتنفر از بیکاری ویرا باتعلیمات وبازیهای ظریف وبا نزاکت وبالاخره آدم درست کن پیشاهنگی بارآوریم خواهیم دید که انطفل علاوه بر جلوه ورونق بدنی وصفا ونشاط روحی که براثر عادت بنظافت داراشده درمورد خطر شخصی یاعمومی مثل اشخاص بیابانی جان‌خودرا بیقدر شمرده وحاضر میشود که برای حفظ مقدسات شخصی یانوعی‌خویشتن را باهرتهلکه‌ای مواجه کرده باآب وآتش وآهن وفولاد هم زدوخورد نماید و این برکات و فیوضات عظیمه‌را وقتی میتوان حاصل نمود که محور تربیت را کار و فعالیت قرار بدهیم

قیمت فعالیت درنظرما

هنوز درمحیط تربیت ماهیچ نوع قیمت‌وموقعیتی بفعالیت داده نشده بلکه برعکس ما تربیت را در فعالیت و حرکت ندانسته و در آرامی وسکونت کامل میپنداریم درصورتیکه این نظریه کاملا یعنی (صد درصد) غلط و خطاست چه بعد از آنکه مسلم شد تربیت بدن حس و فکر و اراده محتاج فعالیت و حرکت است در اینحال نمیشود تصور نمود با وجود آرامی و عدم حرکت بتوان بدن صحیح حس سالم فکر صائب ارادهٔ قوی دارا گشت با این حال چیزیرا جز ضعف اعصاب ، جمود فکر ، قلت حس و سقوط اراده نباید انتظار داشت و برای نجات از این حال اسف اشتمال غیر از تغییر و آرامی و سستی فعلی و توسل بفعالیت و حرکت چاره‌ای متصور نیست زیرا جائیکه عطالت حکمفرماست تربیت

نیست و آنجا که فعالیت هست تربیت هست پس تربیت و فعالیت دو عنصری هستند که وجودشان لازم و ملزوم یکدیگر وتفکیك آنها از هم مثل منفك شدن نور از آفتاب یا حرارت از آتش ویارطوبت از آب که عادتاً محال است میباشد .

عوامل و اسباب تولید فعالیت

برای تولید فعالیت یك نوع وسائلی موجود است که هر محیط تربیتی ناچار از پیروی و تعقیب آنهاست فرض کنیم که میخواهیم بدنرا تربیت کنیم در این حال چه باید کرد ؟ طبیعی است که اولا باید موجبات •عوامل این منظور را حاضر کنیم مثلا برای تربیت بدنی اطفال بازی عامل مهم و یك وسیلهٔ خوبی است بازیها مختلف است وهر یك از آنها بر حسب احتیاجیکه باستخدام اعضای مختلف بدن دارند موجب تربیت آنها میشوند و بهترین بازیها آنستکه بتواند کلیه اعضای وجود را بـه حرکات و فرمان های خود مستفید نمایـد از قبیل بازی فوتبـال کـه عموم اجزای بدنرا بکار میاندازد همچنین برای تربیت فکری و حسی و فعالیت آنها وسائل وعوامل متعددی یافت میشود مثلا اگر یك طفلی شکل مزرعه یا باغیرا باکاغذ های بریده رنگ برنگ تشکیل و تنظیم بدهد فکر او تربیت یافته و برای طرح نقشه های عملی و ابتکارات بدیع و زیبا حاضر خواهد شد .

بدنراهم فقط در تحت تأثیر عواملی کـه آنرا عملا تقویت کند باید تربیت نمود وهیچگاه بوسیلهٔ نصیحت یا اخطاریکه ازطرف مدارس واولیای معارف میشود نمیتوان جوانان صحیح‌البنیه وسالم دارا شد بافقدان وسائل نظافت .هوا . حرکت و غذا نمیشود طفلی را سالم نگاه داشت هزار نصیحت بقدر یك حرکت ورزشی یا شرکت در یك گردش

وسیاحت کوهستانی برای تربیت او مؤثر ومفید نخواهد بود همچنین است حال تربیت حسی و فکری و ارادی که درهمه جا و همه حال تابع فعالیت است ونباید تصور نمود که تربیت اراده احتیاجی بمقدمات عملی ندارد مثلا اگر حس و عقل را بکار بیندازیم اراده هم تربیت نخواهد یافت سیاحتهای کوهستانی و گردشهای پیشاهنگی از مقدمات طبیعی سادۀ تربیت اراده شمرده شده است چه دراین قبیل کارها هرطفلی ناچار است که عزم وجسارت وصبر وتحمل واستقامت وپافشاری بخرج دهد و خلاصه یك تربیت مخصوصی را درسجایای مذکوره پیدا کند وهمچنین برای معتاد ساختن اطفال بدرك لذایذ حیات اجتماعی و آگاهی بر فواید منظورۀ آن نیز بهترین وسیله اینستکه بازیهای آنانرا از سنخ بازیهائیکه درتشکیل آنها دستهای زیاد و افراد بسیار میتوانند شرکت نمایند قرار داد از قبیل فوتبال و والیبال ، باسکت بال ، و بسیاری از بازیهای شیرین و دلپسند دیگر مخصوصاً آنهائیکه مقتضی تقسیم اعمال یا مبتنی بر وجود مسئولیت مشترك بوده باشد .

طرز فعالیت ملکات در طفل

چنانچه ملکات انسانی بالاشتراك بکار افتد بالاشتراك هم تربیت می یابد اگر جریان حیاتی اطفال را تدقیق کنیم می بینیم هرگاه یك منظرۀ تازه یا وضعیت جدیدی بنظر آورند تنها بدیدن آن اکتفا نکرده و میخواهند کلیۀ حواس خمسۀ خود را در ملاحظۀ آن بکار بیندازند مثلا آنرا لمس مینمایند ، بو میکنند وگاهی بزبان حرف میزنند ورنگ وشکل آنرا از نظر دقت میگذرانند علاوه بر آن نمیتوانند آنرا بجای خود باقی ببینند بلکه همت خود را بر آن میگمارند که بیك وسیله ای محل آنرا تغییر بدهند بالجمله تمام اینکارها وتمایلاترا با علاقه وتوجه مخصوصی بخرج میدهند

اطفال مایلند که در آن واحد نسبت بتمام خصوصیات چیز هائی را که بنظر میآورند مطلع شوند وموجب اینکه تنها باین قسمت قناعت نکرده میخواهند نکات باطنی وروحی آن چیزرا نیز معلوم بدارند آنستکه چون حرکت و فعالیت بالاشتراك تمام اعضای خارجی بدنرا محکوم میگرداند لذا بسایرقوای حسی و ارادی و فکری او نیز سرایت کرده آنها را هم بحرکت میآورد و از همین نکته واضح میشود که حرکات بدنی طفل تأثیرات مهمی در وضعیات روحی و سجایای معنوی وی خواهد نمود پس باین ملاحظه باید آن حرکتها و فعالیتهای اطفالرا طوری ترتیب داد که بالاخره بیك حیات سعادتمند مدنی ، اخلاقی و اجتماعی داخل وانسانهای کامل بشوند .

تأثیر شرکت ملکات فعالیت دراطفال

چون اشتراك قوای بدنی حسی فکری ارادی برای تربیت طفل وساختن نسل آینده بزرگترین شرط اساس تربیت است لذا میگویند در تربیت فکری تنها استخدام قوای ظاهری از قبیل گوش تنها و یا چشم تنها یا دقت یا محاکمهٔ تنها کافی نیست بلکه باید تمام قوای ظاهره و حواس مشترکهٔ محاکمات وتمایلات فطریهٔ اورا بکار برد تا بتوان مزایای مطلوب را بوجود آورد

تشکیل دهندهٔ ملکات اولیه دراطفال

ملکات حسیه دراطفال بحد کمال ومنشأ سایر ملکات شمرده میشوند و از اینکه فعالیت اطفال در بدو امر بواسطهٔ بدن و حواس ظاهره تجلی می نماید لذا کثرت مشاهدهٔ مردمان ، حیوانات ، و اشیاء مختلف برای طفل از بزرگترین منابع سعادت بشمار میرود : چه انطباعات و تأثیراتیکه از مشاهدات گوناگون درحواس طفل باقی میماند مهمترین راهنمای او در حیات خواهد بود اگر فعالیت بدنی وحسی در اطفال موجود نباشد معقول

نیست که توسعه وانکشاف سایر ملکات را بشود تصور نمود: حاجت فطری طفل نه فقط در تقویت و نمو دادن عضلات و حواس و اطلاعات وی کار میکند بلکه آن اطلاعاترا پا بر جا و مستحکم نموده و در تمرکز دادن عوامل آنان کمك مینماید و لهذا ملاحظه میشود علاوه بر آنکه طفل اطلاعات حسیه را تحصیل مینماید عکس العملهای آنها را با وسایط و عوامل مختلفه دیگری از خود جلوه داده و بخارج نشر میدهد مثلا خود را حرکت میدهد ، دست و بازو را باز میکند ، جست و خیز میکند ، میدود، تقلید پرواز کبوترا مینماید، گریه میکند، رسم میکشد ، خویشتن را روی خاك میغلطاند، چوبها را میشکند، کاغذ ها و کتابها را پاره میکند تمام این تمایلات فطری و کلیهٔ این فعالیتها را دست آفرینش در نهاد وی ودیعه گذارده است تا بواسطهٔ آن تدریجاً قوهٔ ورود بکار زار حیاترا دارا شود ، از جای دیگر پس از فعالیت بدنی و حسی قوای حافظه و مخیلهٔ او بنای ظهور میگذارد قوهٔ محاکمهٔ طفل خیلی ساده و کم عمق ومخصوصاً ازحیث تجربه وتعمیم وعقل وسایر ملکات فکری ضعیف وازاین جهت کمتر میتواند حرکات خودرا برطبق موازین عقل بجای آرد بنابراین خانواده ومدرسه مکلفند باالتفات باین نکته برلغزشهای او خورده گیری ننموده عقل وی را بوسایل طبیعی وخالی از تکلفی نمو بدهند

تشکیل و تکامل ملکات فکری اطفال؟

تکامل وتشکیل ملکات فکری اطفال تابع نظام و رویه ایست که آنرا طبیعت وضع نموده : اگر بدن و حواس بواسطهٔ فعالیت خود مظهر یك انکشافاتی نشود بالطبع فاقد استعداد وقابلیت خود خواهد شد مثلا اگر چشم طفل را بکار نیندازیم بالنتیجه دقت وی نیز ظاهر نگشته وآدمی که فاقد ملکهٔ دقت باشد بالطبع سجیه حکم ومحاکمه هم نخواهدداشت

دماغیکه دارای قوهٔ محاکمه نباشد قوهٔ تجربه وتعمیم هم ندارد چنانچه این سرمایه‌ها موجود نشود عقل و ذکاوت هم موجود نخواهد شد و خلاصه ما اگر طالب داشتن جوانان کامل وعاقلی باشیم باید نظام تدریجی طبیعت را در تربیت آنها پیروی کنیم یك طفل که بازی ودویدن نداند دستها وچشمهارا بکار نیندازد وجود اوهم مظهر تکامل فکری نخواهد بود یك آدمیکه نتواند حسن وقبح اشیاء را تمیز داده و در مشاهدهٔ اضداد حکمیت نماید چنین آدمی ممکن نیست که بتواند یك محاکمهٔ سالم وخالی ازنقصی را تشکیل بدهد

تشکیل وتکامل ملکات حسیه‌دراطفال؟

نظامی راکه طبیعت برای ملکات فکری وضع کرده نه تنها مخصوص بدانها بلکه در ملکات حسی واخلاقی هم ظهور مینماید این ملکات در تکامل خود بعضی مقدم بربعضی دیگر میگردند مثلا تکامل ملکات حسی را قبل ازملکات فکری شروع میکند همچنانکه تمایلات نفسانی وحظ های شخصی قبل از تمایلات عمومی از قبیل حب وطن و محبت نوع بروز میکند این است روش وقانون فطری تکامل سجایای اطفال که طبیعی ولایتغیر است

تشکیل وتکامل قوای اخلاقی دراطفال

تکامل قوای اخلاقی نیز مانند قوای حسی است دراطفال اراده نیست وهمیشه اسیر عوامل طبیعی و خارجی هستند وکلیهٔ حرکات و افعال آنان عبارت ازعکس العملهای آن عوامل میباشد پیدایش اراده دراطفال بعد ازتشکیل وتکامل حسیات میآید بنابراین تاعموم ملکات مقدماتی بدنی وحسی نیاید و درجهٔ کمال ممکن را حائز نشود اراده نخواهد آمد. شخصی را فرض کنید : که درطفولیت بازی ودوندگی نکرده قلب او

قوی وفعال نبوده فکر وی جولان نداشته بدیهی است که چنین آدمی محروم از اراده است چه تربیت ونشو و نمای انسان مانند حیوان است یعنی اول حرکات‌را یاد گرفته سپس فعالیت وعمل میکنند همچنین اگر یك مدرسه ایرا فرض کنید که شاگردهای آن ازجست وخیز دویدن بازی ، سرود، موسیقی وتأثیرات‌خارجی محروم یاممنوع باشند بدیهی است دریك چنین مدرسه ای نمیشود برای شالوده های اخلاقی پایه‌ای تصور کرده وانتظار داشت که اطفال آن قدمی رو بجلو برداشته و بتوانند آدمهای تجربه‌کار وفعال بشوند .



فصل پنجم

عوامل تربیت

تربیت بدن - تربیت رانها - تربیت بازو ها- تربیت دستها وانگشتها- تربیت سینه وحنجره - تربیت حس لامسه- تربیت حس- عضلی - تربیت حس شامه - تربیت حس ذائقه - تربیت حس باصره تربیت حس سامعه -تربیت حس حافظه -تربیت دقت نظر - تربیت قوهٔ قضاوت (حکم) - تربیت قوهٔ محاکمه - تربیت قوهٔ مخیله - تربیت قوهٔ تجرید - تربیت قوهٔ تعمیم - تربیت عقل - تربیت حظ میلی - تربیت حس تجسس - تربیت قوهٔ فعالیت - تربیت سجیهٔ عزت نفس - آرزوی استقلال وحس آزادی -تربیت - حس تملك - تربیت حس رقابت - تربیت حس ناموس پرستی - تربیت حس تقلید- تربیت محبت خانواده - تربیت حس برادری تربیت حس وطن پرستی - تربیت حس خیرخواهی - تربیت میل بحقیقت - تربیت احساسات نیکو - تربیت حس فضیات - تربیت حس دینداری - تربیت حس اراده

تربیت کلی بدن؟ باید اطفال را درهوای پاکیزه تنفس داد وبنور آفتاب محظوظ گردانید باید غذاهای نظیف که بدرجهٔ نضج رسیده است تناول نمایند وبنظافت معتاد بشوند و باید دقت کرد که لباس آنها موافق اصول حفظ‌الصحه درست شده باشد باید عوامل خارجی ازقبیل سرما و گرمارا از وجودشان دفع نمود بازی ژیمناستیك اسپورت و سایر ورزشهای بدنیرا باید در بین آنها ترویج نمود وبالاختصار بایداطفالرا طوری بارآوریم که سالم ـ متین ـ چابك ـ و

با نشاط بشوند (برای مزید آگاهی بتمرینها و تعلیماتیکه مخصوص تربیت بدنی نوشته شده رجوع کنید)

تربیت رانها ؟ برای تربیت رانها بازیهائیکه محتاج دوندگی بشود یا بازیهائیکه ازقبیل فوتبال باشد خیلی نافع است همچنین عادت بدوچرخه سواری و اجرای مسابقه های مختلف خیلی دراین زمینه مفید وسودمند میباشد ژیمناستیك رانها را عادت بکار داده واز اینراه بهرهٔ مهمی درورزش حاصل میشود .

تربیت بازوها ؟ برای تربیت بازوها بهترین طریقه اشتغال بکار های زراعت زمین‌وادارهٔ مزرعه‌ها وباغها وباغچه هاست همچنین عملیات نجاری وآهنگری و بازی باسکت بال ومسابقه های کرجی بانی و حرکت دادن گردونهای دستی و ژیمناستیك برای تقویت و تربیت بازو نیزمتضمن فواید ذیقیمت وشایان اهمیت‌است (۱)

تربیت‌دستهاوانگشتها؟ درتربیت دستها و انگشتها کارهای یدی که از مقوا، کاغذ، چوب‌و گل‌درست‌بشود رسم ونقشه کشی وتجربه هائیکه شاگردان دردروس علم‌الاشیاء وعلوم‌طبیعی بکار میبرند خیلی مفید ومؤثر است

تربیت‌سینه‌وحنجره؟ درهوای آزاد دویدن، تنفس کردن ، گردش ، و صحرا نوردی نمودن ، سینه‌را باز عرصهٔ نور آفتاب گردانیدن باصدای‌بلند حرف زدن کنفرانس‌دادن قطعات‌موسیقی و سرود خواندن بتنفسهای ورزشی و بازیهای اسپورت معتاد شدن از بهترین عوامل تربیت سینه وحنجره است

(۱) درقسمت فنی پیشاهنگی کلیهٔ عملیات فوقرا میشود عملی نمود .

تربیت حس سامعه

باید در حفظ الصحهٔ گوش سعی کرد صدا های مختلف را باید باطفال شنوانید و گوش آنان را بتمیز آنها از یکدیگر آشنا نمود صداها و آوازهای طبیعی که درضمن صحرانوردی وچادر زنیهای مدرسه‌ای بگوش اطفال میرسد باید برای معلمین مورد استفاده در ترتیب سؤالات واقع شده و فرق وتفاوت آنهارا باطفال خود بیاموزند و باید بچه‌ها را عادت داد که صدای ماشینها را تقلید کرده و تفاوت واوصاف ممیزه ای که صداهای مختلف نسبت بهم دارند بآنها حالی نمود واز جمله چیزهائیکه ازلحاظ قوهٔ سامعه برای طفل لازمست آموختن فن موسیقی است اطفال را از سن دوازده‌ساله ببالا میشود به‌تعلیم ویولون وپیانو آشنا کرد و آنها که عمرشان از چهارده ببالا باشد میتوانند فیفر ، فلاوت وپاندو وسایر آلات موزیك را بنوازند

تربیت حافظه :-

برای تمرین قوهٔ حافظه دراولین وهله باید کوشش نمود که ذهن اطفال بفرا گرفتن معانی ومفهوم های دروس خود آشنا بشود و از اینرو نباید در تدریس تنها کلمات و الفاظ را وسیله قرار دهیم بلکه باید در فهماندن و خاطرنشان نمودن هردرسی بوسیلهٔ رسم وکارهای دستی و مشاهده وتدقیق و آزمایش و تجربهٔ یك‌شالودهای اساسی ونقشه های محو نشدنی را از آن درسهادر ذهن آنان جایگیر نمود اگر یك موضوعی را بواسطهٔ دست وچشم و گوش واحساس وهیجان قلبی بحافظهٔ طفل بسپاریم طبیعی است که‌دچار فراموشی نخواهد شد وهر قدر درس‌هارا شیرین ودلفریب ومهیج‌روح وحرکت دهندهٔ اعصاب و اعضای وجود قرار دهیم بهمان اندازه برای ازبر شدن آسان و بذهن نزدیك تر میگردد چه در این زمینه نه‌تنها قوهٔ

حافظه بلکه جمیع قوا مدد بحفظ خصوصیات آن کرده اند : از جمله چیز هائیکه برای تقویت حافظه و تثبیت محفوظات در ذهن بچه مفید و مؤثر است اینست که معلم مفاد درس تازهٔ امروز را بمطالب دروس سابق مربوط کرده وازهر موضوعی مطالب خاصی را استنتاج نموده و بذهن شاگرد بسپارد تابدین وسیله بتواند یك سلسله معلومات متسلسل و پیوسته بهم را بحافظه او ارزانی بخشد

تربیت حس دقت برای جلب و تحریك نظر دقت در اطفال بهترین وسائل این است که درسها و مباحث علمی یا اخلاقی را طوری برای آنها بیان کنیم که در قلبشان نوشته شود و آنانرا با تمام قوا برای شنیدن و فهمیدن آنها مستعد گرداند و نه باید قناعت بمطالب کتاب یا تقریرات معلم کرد بلکه باید چنان احساسی را در شاگرد ایجاد نمود که بخودی خود بتواندهرچیزیرا بعقل خویش بسنجد و بقدر امکان باید درسها را حسی کرده و آنها را بوسیلهٔ ادوات توضیح و تجربهٔ عملی و دقت و مشاهدهٔ خارجی نزدیك بذهن گردانید علوم طبیعی درتحریك حس دقت تأثیر مهمی را دارا وقوهٔ تتبع فکری را در دماغ اطفال حرکت میدهد در مسافرتهای پیشاهنگی باید بچیز هائیکه تصادف با نظر اطفال میکند اهمیت داده نظر دقت آنانرا نسبت بدان جلب نمود وازآن راه استفادهٔ خوبی برای تهییج حس دقت حاصل کرد

تربیت قوهٔ قضاوت برای تربیت و نمو دادن قوهٔ محاکمه و قضاوت در اطفال باید آنها را عادت داد که در تصدیق مسائل عجله نورزند و نیز در جواب سؤالهائیکه ازآنها مینمایند تعجیل ننمایند و باید شاگردانرا معتاد گردانید که بطور شفاهی یا کتبی بتوانند راجع بمسائل مختصر و قضایای ساده حکمیت نمایند درحکمیت

های مبهم وغیر معلومی که از اطفال بروز میکند نباید مسامحه نمود و باید از هر امریکه بتواند ذهن آنانرا بطور ساده ومستقیم عادی بقضاوت کند استفاده نمود ، از درسهای تاریخ . جغرافیا . علم الاشیاء و از مشاهداتیکه راجع بخواص یا اشکال چیز های مختلف میشود ممکن است برای قوهٔ قضاوت سرمایهٔ خوبی حاصل نمود درسهای تاریخ واخلاق یك قضاوتهای واضح و طبیعی و موافق منطقی را نسبت باحوال بشر و مالِ مختلفهٔ آن بطفل می بخشد واز ترتیب ربط حوادث بیکدیگر نیزممکن است دست طفل را بریك نتایج محسوس و مجسمی که بتواند حکم قطعی خودرا دربارهٔ آنها صادر کند بگذاریم . برای تأیید قوهٔ قضاوت اطفال باید همیشه سعی کرد که خودرا کور کورانه تابع اراده وفکر و پیرو تقریرات معلم قرار ندهند بلکه باید در آنها یکنوع استقلال فکری و حس انتقاد تولید و میدان مطالعه و تدقیق درمسائلی را که برآنها القا می شود برایشان بازنمود . اطفالی را که میخواهیم قوهٔ محاکمه پیدا کنند باید دررد یاقبول نظریه هائی که برآنها القا میشود آزاد بگذاریم که بعقیدهٔ شخصی خود در مسائلی که بنظر میآورند قضاوت کنند . برای تربیت حس قضاوت در اطفال ابتدا باید از قضاوت درامور ساده و عادی ومحسوسی شروع نمود بعداز آن تفاوت درمسائل مشکل ومخفی را از آنان انتظار داشت اگرطفلی درقضاوت خودخطا کندنباید اول اوراسر- زنش وعیب جوئی کردزیرااین حرکت موجب ضعف وشکست قوای روحی وعملیات فکری وی خواهد گردید وباید در این نوع موارد سعی کرد وعلت خطای در قضاوت‌را بشکلی که بجنبهٔ عالی جنابی طفل برنخورده واورا نسبت بفهم وادراك خودش مأیوس ننماید توضیح داده ونکات‌اساسی اشتباهرا با[illegible]د وخلاصه باید برای توسعه و تقویت قوهٔ قضاوت

طفل ازهر گونه حرکت و بازی و کاری که فکر وی را تکان بدهد استفاده نمود

تربیت قوهٔ محاکمه

برای تربیت قوهٔ محاکمه در اطفال باید بآنها مجالی داده شود که قضایای جاریه را مابین خود محاکمه کنند درضمن درسهای ریاضی طبیعی و زبان فرصتهای ذیقیمتی را میشود برای این منظور تحصیل نمود ومخصوصاً موقعیکه آنهارا بسیاحتهای خارج شهر یاده و برای مشاهدهٔ آثار طبیعی یا مؤسسات مدنی میبریم بهتر میتوانیم آنان را بمنظور مذکور آشنا و نزدیك گردانیم اگر بخواهیم اطفال‌را بتحصیل اخلاق و دنیاداری وحب ثروت وجاه طلبی ملی سوق داده در محاکمه اینگونه مطالب معتاد گردانیم باید نظر آنها را بوسیلهٔ قضاوت و فیلم های متحرك و مظاهر دیگری که مدنیت دیگران را نشان بدهد آشنا و عوامل اقتصادی و اجتماعی حاضر را برای آنها بیان کنیم وفکر آنها را عادت بدهیم که دراطراف این نوع مسائل سیر نماید سؤالاتیکه اطفال راجع بمشهودات حسی و احوال نفسانی خود از معلمین خویش می نمایند باید طوری جواب داده شود که برای قوهٔ محاکمهٔ آنها مساعد و مفید واقع گردد یعنی نباید جواب ناقص یا مبهم باشد از درس جغرافیا و صحرا نوردی عالم حادثات طبیعی کوهها رودها و طبایع و آثار حاصلهٔ ازوجود آنها محصولات و صنایع سکنه محلی هر نقطه ای میشود فوائد مهم برای تولید قوهٔ محاکمه تحصیل نمود و کاری کرد که اطفال بتوانند بخودی خود پیشرفتهای اقتصادیرا بشرایط طبیعی مربوط ساخته و اثر وجود اسباب و راه تولید مسببات و نتایج آنها را با فکر شخصی خویش ترتیب بدهند همچنین از تدریس تاریخ بواسطهٔ مشابهت وقایع تاریخی ومناسبات آنها با یکدیگر وبوسیلهٔ علل و موجبات قدیمهٔ حوادث و عوامل مخفی

یا محرمانه ای که باعث آنها شده ظهور ونتایج بروز یا وقوع و کیفیت
هرحادثه ایکه در ایجاد یك روح تکامل و یا انقراض یك بنای تمدن بشری
ذیدخل بوده و تأثیرات خوب یا بدی که بر اثر وجود آن تکامل یا
حدوث آن انقراض درمالك و ممالك همجوار دست داده یك زمینه های
فکری وسیعی را برای تربیت قوهٔ محاکمهٔ اطفال میشود مهیا کرد
دروس اخلاقی در این مورد نیز خالی از تأثیر نخواهد بود وقایع روز
مره ایکه الان یا بعد از این اتفاق میافتند اگر از لحاظ اجتماعی و
نظری تحلیل بشود برای کمك بقوهٔ محاکمه و استنباط نظریات حیاتی
سرمایه و منبع خوبیرا باطفال خواهد بخشید در تجزیه و ترکیبها وذکر
مثالهای دروس لغوی(۱) وهمینطور درموقع تدریس اصول ومعلومات مدنی
وتعلیم کلیات واستخراج نتایج عملی دروس طبیعی نیزمیشود حس محاکمه
را تقویت کرد. درسهای ریاضی را هم بایدبرای تأیید قوهٔ محاکمه فوق-
العاده مفید دانست مشروط بر اینکه بشکل محاکمه تدریس شود یعنی از
معلومات و مشاهدات کوچك و جزئی بقواعد و قوانین عمومی وکلی
منتقل بشویم وباید سعی کرد تا اطفال بتوانند بخودی خود قواعدکلی
را برحالات جزئی تطبیق نمایند حل مسائل هم طریقهٔ عملی خوبی از
برای منظور ماشمرده میشود ولی باید مواظب بود که مسائل مذکور
بشکل قالبی یعنی خالی از منطق وبدون توضیح فوائد عملی آنها بر-
شاگردان القا نشود تا باینواسطه دارای قوهٔ تطبیق احکام کلی برجزء و
عام برعمل بشوند

تربیت قوهٔ تخیل برای تربیت قوهٔ تخیل باید قبل ازهرچیز در
توسعهٔ دایرهٔ مشاهدات اطفال کوشش نمود و

(۱) اعم از اینکه زبان خودی یا بیگانه باشد .

خیلی چیزها را بآنان ارائه داد عواملیکه درتربیت قوهٔ حافظه بیان شد عموماً برای تربیت اینقوه نیز نافع است و مخصوصاً ازدرسهای رسم و کارهای دستی کمك خوبی دراین زمینه حاصل میگردد نمایشهائی که برای تربیت جنبهٔ اخلاقی اطفال بکار میرود در تحریك قوهٔ تخیل نیز کمك خواهد نمود واگر نمایشهای مزبور را تصویر وترسیم نموده بآنها نشان دهند البته اثر وفائدهٔ بیشتری خواهد داشت و نیز اگرمعلم بعضی حکایات یا وقایع خیالی را برای اطفال بیان کرده وآنانرا وادارد که حکایات مزبوره را بوسیلهٔ تصویر وترسیم بنمایانند ویااگرشاگردان را دعوت بکشیدن رسم اشیاء ولوازم مدرسه یا آنچه درخارج شهر از کوه رودخانه چشمه وسایر عوارض طبیعی موجود است بنماید بالطبع وسعت و عمق تخیل آنهـا زیاد خواهد گشت کشیدن شکل ساختمانها تصویر گاهها وبـاغچه ها ودریاچه ها و مناظر طبیعی دیگر نیز در توسعهٔ خیال مدد خواهد نمود و اساساً میتوان گفت عـادت بکشیدن خطوط برای شاگردان یك زمینهٔ ابتدائی صحیحی در تهیه عوامل قوهٔ متخیله میگردد قطعات هیجان‌آور و مسرت بخش نثر یا نظمی را که در درس قرائت باطفال بیاموزند یا آنانرا وادار بحفظ آنها نمایند و شنیدن سر- گذشتهای تاریخی که برحیات گذشتهٔهموطنانوسوانحی که برمملکت آنهارخ داده است نیزبنوبهٔ خود مزیدوسعتقوهٔتخیل خواهد گردید [1] تئاترهائی را که ازلحاظ اخلاق یا بازی دادن اطفال نمایش دهند بـاید بالباسهای مخصوص و وضعیتی بوده باشد که نه تنها قوهٔ تقلید را در آنها حرکت‌دهد بلکه حس تخیل وابداع آنها نیز بتواند ازاین‌رهگذر

---

(۱) مشروط براینکه یأس آور و کشنده حس امید اطفال نشود بلکه برای آنها تولید غرور ملی نموده و باعث سرور قلبی گردد

بهره مند شود بازیهائیکه مانند (بازی توپ قایم بازی ، بازی سرباز ، بازی‌صندلی دزد بازی وامثال اینهابوده باشد) نیز فائده طبیعی وسالمی را درتربیت‌قوهٔ تخیل خواهد بخشید کوه گردی وصحرانوردی شنیدن نغمات موسیقی وصدا های دلکش برای نمو دادن حس ابداع و تخیل نافع شناخته شده همین طور دیدن آثار عتیقه و تماشای شهرهای تاریخی و موزه خانه ها امداد شایسته ای باین مقصود خواهد کرد ولی ازجای دیگر باید مواظبت نمود که توسعهٔ قوهٔ متخیله سایر قوای‌فکریه را اسیر و محکوم خود نگردانیده یا بواسطهٔ بسط دامنهٔ تخیلات که (بالاخره منجر بتولید خرافات و اوهام میگردد) یك مانع بزرگی در مقابل آزادی و فعالیت فکری اطفال بوجود نیاید همچنانکه لازم است بشدت هرچه تمامتر ازآن وسواسهای خیالی که در ذهن سادهٔ اطفال تولید واهمه ومالیخولیا مینماید جاوگیری نمود

تربیت حس تجرید ازآنجا که ادراك مجردات برای اطفال یکی‌از مسائل غیرعادی بنظر میرسدلذا بایدابتداء معرفت وشناسائی مشخصات را برای‌آنها مقدم شمرد وسپس تدریجاً ذهن آنان را باشیاء مخفی وبعد مخفی‌تر نزدیك وآشنا گردانید درابتداء لازم‌است که اوصاف ظاهری اشیاء را مجرد کرده وآنها را درتحت یك نام و عنوان مخصوص قرارداد درتدریس قرائت نیز کلمات مجرد را تعریف وتوضیح داده واطفالرا عادت بدهند که معانی کلی وعمومی آنهارا درك نمایند همچنین دردرسهای دستور زبان وقواعد صرف ونحو احوال و اوصاف کلمات و تفاوت و تقسیم ازمنه را باید حالی کرده و باین وسیله قوهٔ ذکاوت‌آنهارا مجرد ساخت تابتوانند بتدریج مجردات‌را درك نمایند و نیز درس حساب باید ابتداء اعداد را بمشخصات آنها فهمانیده و بعد

نمود مثلا اگر باغچهٔ مدرسه را بقسمتهای کوچك کوچك تقسیم کرده و هر قسمت آنرا بیکی از شاگردان اختصاص بدهند و یا آنکه معلم در اثناء درس کار های بر جستهٔ آنها را اعلان کرده بگوید نقشه یا رسم یا فلان کارا حمد شایان قدر دانی است بالطبع کمك مؤثری در تقویت حس مالکیت او خواهد شد ولی درعین حال باید مواظب بود که این تعریف را بطوریکه موجب تحریك حسادت دیگران بشود اظهار نکنند ونیز برای تشویق اطفال بحس مالکیت ممکن است که آنهارا بتدوین و تنظیم يك نوع مجموعه ها (کلکسیون) هائیکه شامل نقشجات جغرافیا رسم و کارهای دستی عکسها گاهها و سنگ ریزه ها و بعضی مؤلفات بوده باشد تشویق نمایند

تربیت حس رقابت

اگر ذکاوت وهوش وفکر حکیمانهٔ مربی واستاد بتواند حس رقابت را طوری تربیت کند که منجر بحسد نگردد بدون شك وجود احساس مذکور برای پیشرفت سریع اطفال فوق العاده مفید و آنها را مظهر شاهکار ها ومبتکرات بزرگ خواهد نمود برای تحریك حس رقابت و تربیت آن درسهای رسم کار-های دستی وبازیها و گردشها وصحرا نوردی های اجتماعی خیلی خوب و مساعد است وهمچنین درحل مسائل حساب هندسه رسم و نقشه کشی و القای کنفرانسها در موضوعات مختلفه که از روی اصول مسابقه بوده باشد نیز میشود حس رقابت اطفالرا تربیت و تحریك نمود

تربیت حس ناموس پرستی

علاقهٔ بحس ناموس پرستی برای تعالی وپیشرفت انسان از لازمترین چیزها شمرده میشود و تجربه شده است که آدمهای باناموس عموماً سعادتمند و مرفه الحال زندگانی کرده واشخاص بی ناموس بدبخت و ضرب المثل حقارت هستند اگر بنا شود که انسان ناموس پرست نباشد از هرگونه

خیر مادی وشرف معنوی محروم خواهد ماند مردمان با ناموس درنظر عموم خاق وحتی اشخاصیکه بی ناموس باشند مورد تمجید و احترام هستند در موقعیکه میخواهند حرکات آدمهای بی ناموس‌را بیان کنند تمام قباحتها ومسؤلیت هارا بآنان نسبت میدهند ولی بر عکس وقتی که میخواهند ترجمهٔ حیات یك انسان باناموس را شرح بدهند او را منبع تمام شرافتها و بزرگواریها و سجایای عالی جنابانه معرفی مینمایند وبرای تشویق اطفال بفرا گرفتن این حس شریف باید همیشه‌از فداکاریهائیکه برای حفظ شرف و دین و یا وطن از بعضی رجال نامی بروز کرده است ستایش و تمجید نموده و ناموس پرستی را شرط لازم سعادت و موفقیت درحیات قرار داد .

تربیت حس تقلید برای تربیت حس تقلید اول چیزیکه لازم است آنستکه درحضور اطفال از عادات مضرواخلاقی که طفل را بفساد تشویق کند خود داری بشود مثلا سیگار کشیدن و ترشروئی وعربده واشتلم نمودن در حضور یك طفلی بالطبع حس تقلید سیگار کشی وعادت بد خوئیرا در مزاج وی تولید مینماید هیچوقت نباید حرکاتیکه از لحاظ ادب و اخلاق مذموم باشد بطفل ارائه نمود باید همیشه کارهای شایستهٔ دیگران ونمونه ها و امثال و فداکاریهای نوع پرورانهٔ بزرگانرا برای طفل نقل کرده واین نوع سجایا را در مقابل او بروز بدهیم و برعکس رفتار و اخلاق بد را همیشه مذمت کنیم و از برای اینکه سر مشق های پست در ملکات یك طفلی جایگیر نشود باید سرگذشت مردان نامی و افعال آنها را بطوری که مؤثر وجالب توجه باشد برای وی حکایت کنیم .

تربیت حس محبت خانواده

بزرگترین وسیلهٔ تربیت حس محبت خانوادهٔ اینستکه‌از احساساتیکه‌درضمن بازی، درس، گفتگو محاکمه وقضاوت در اطفال بروز مینماید تقویت بشود و مخصوصاً در موقعیکه شاگردان یک مصاحبه های اخلاقی با معلمین خود بنمایند در چنین اوقات باید فداکاریهای والدین را اهمیت دادهٔ ومقدس بودن مقام خانوادهٔ وبدبختی بچه‌هائیرا که از سایهٔ عطوفت خانوادهٔ وسعادت فامیل محرومند خاطر نشان اطفال بشود و نیز بواسطهٔ حکایتهای مختصرو نمایشها(تیاترهای) دلچسب وشیرینی که فوائد وجود خانوادهٔ را برای اطفال مجسم ساخته لذت زندگانی در پناهٔ والدین و خویشاوندان‌را بچشاند ممکن است که یك تبلیغات مؤثرتری درتشویق بحس فامیل پرستی بشود نمودو گذشته از اینکه بایدمعلم شاگردان‌خود را مهرپرور ودوستدار عائله تربیت کند مقتضی است خانوادهٔ هائیرا که از تربیت وتهذیب اطفال‌خود غافل باشند اندرز داده آنهارا بوسیلهٔ نصایح وپند های فاضلانهٔ خود بتربیت نسل خویش دعوت وتشویق بنماید .

تربیت‌حس‌برادری

برای‌تربیت این احساس شریف باید باتمام اطفال بحالت تساوی رفتار نمود و قدر دانی یا اظهار محبتی که نسبت بهوشیار ترین یاکارکن‌ترین شاگردان میشود باید به طوری باشد که موجب تحریك حس حسادت سایر رفقاو برادرانش نگردد و باید بآنها فهمانید که اشخاص بی عاطفه و کسانی که محبت و علاقه ببرادران و دوستان خود ندارند هیچ موقعیتی را در خانوادهٔ و مدرسه و بنی نوع خویش نخواهند داشت و باید آنها را عادت داد که بر لغزشهای برادران خود خوردهٔ گیری وباریك بینی ننمودهٔ وبسیاری خطاهای ایشانرا بمسامحه وعفو ونصیحت چشم پوشی کردهٔ آنها را ندیده

بگیرند چه بسا که در مدرسه دیده میشود اطفال از یکدیگر شکایات پی در پی بحضور معلمین خود میبرند البته معلمین باید شکایت کنندگانرا بطریق خوشی رد نمایند و اعتنا بحرفهای آنان نکنند ولی در عین حال باید اعتراف کرد که گاه میشود شکایتهای منطقی و موجهی نیز از آنها سرمیزند پس دراینگونه موارد خوبست که معلمین قضاوت و حکمیت را در امررا بنظر و وجدان خود مدعی وشاکی واگذار نمایند باید باطفال تذکر داد که هر یك از شما عین آزادی وحقوق و تمایلاتیرا که برای خود قائل هستید درحق برادر وهمقطار خود نیز قائل بشوید و نیز باید باطفال حالی نمود که اگر از حالا بیکدیگر بقاعدهٔ صفا و مودت رفتار کرده وحرکاتیرا که باعث تولید خصومت و غوغا و نزاع با یکدیگر است ترك کنید البته در بزرگی هم خواهید توانست که در سایهٔ این برادری و مهربانی استفاده های حیاتی نموده دستجات وجماعات کارکن وملت پرستی را تشکیل بدهید اگر احساسات وطنی را دراطفال تحریك کرده ومابین آنها دید وبازدید وگردش ومسافرت و معاشرترا جاری و معمول گردانیم بلا شك برای آینده همدارای یك جامعه هائی خواهیم شد که افرادآن نسبت بیکدیگر دوست ومهرپرور و در مقابل اجنبی مانند یك مشت آهنینی سخت و زمخت خواهند بود باید همواره حس کمك و تعاونرا در اطفال ایجاد نموده وطوری کرد که آنها یکدیگر را کمك کنند مثلا مریضها را عیادت و فقرای مدرسه و کلاس خود را از مالیهٔ خویش دستگیری بنمایند و حرکاتیکه از خود معلمین در اظهار این نوع سجایا بروز میکند بهترین مشوق آنها در پیروی و اقتباس اخلاق مذکوره است و برای تقویت حس اجتماعی اولی است که در مسافرتهای اجتماعی و

آنها را وادارند که اوصاف مجردهٔ آنها را استنباط کنند تا بتوانند فکر
خودرا مستقلا بکار انداخته قابلیت مخصوصی را درحساب ومحاسبه دارا
بشوند ازتدریس علم‌الاشیاء نیز میشود فوائد زیادیرا در اینراه حاصل
نمود و بالجمله هیچگاه نباید اطفال را با تعبیرات وبیانات و یا کلماتیکه
معانی آنها دور ازذهن آنان یا مجمل ومبهم باشد مواجه نمود وباید
شرح وتوضیحیرا که راجع بهر کلمه یا هر چیز دیگر برای اطفال داده
میشود خیلی طبیعی وباز و محسوس وبلکه اگر ممکن بشود مجسم و
مأنوس باشد

تربیت حس تعمیم در علوم طبیعی زمینهٔ وسیعی برای تربیت حس
تعمیم دیده میشود زیرا معلومات مزبوره باطفال
قوهٔ مقایسه وتدقیق اشیاء را داده ودر نتیجه نسبت باوصاف مشترکهٔ آن
اشیا وخصوصیات آنها معرفت حاصل خواهند نمود وبعلاوه قوهٔ تقسیم
وطبقه بندی آنهارا هم پیدا خواهند کرد

تربیت قوهٔ عقلیه بهترین وسیلهٔ تربیت قوهٔ عقلیه اینستکه روح قضاوت
ومحاکمه را دراطفال تقویت کنند وتجربه‌هائی
راکه ازحوادث و اشیاء خارجی تحصیل میگردد بآنها ارائه دهند باید
اطفالرا عادی نمود که ظهور وقایع وحدوث حادثاترا از روی تصادف
واتفاق تلقی نکرده بلکه بدانند که مانند علوم ریاضی درنتیجهٔ ترتیب
یك مقدمات علمی ومسامی بروز نموده است تا بتواند که عقل خود
را قوهٔ قضاوت داده قضایای متناقض وحرفهای بی‌منطق وفکرهای غلط
را باین واسطه تشخیص وخرافاترا نیز تمیز بدهد در سایهٔ علوم طبیعی
میشود عقل اطفالرا بقوانین کلی طبیعی آشنا کرده وعلل وعواملیرا که
موجد حادثات طبیعی یا مدیر عالم مادی و دنیای (کون وفساد) هستند

بآنها معرفی نمود همچنین برای نزدیکی آنها (بکمال عقل و غایت فکری) ممکن است ازدرسهای رسم ، کاردستی قرائت وحکایات منظومهٔ موسیقی وتعلیمات صنعتی فواید قابل توجهی را حاصل نمود و خلاصه از برای تربیت عقلی لازم است که همیشه نظر اطفالرا بسبب و علت و منطق وحکمت واصل ومنشاء هرچیزی توأم کرده وچیز هائیرا که در بقایا زوال آن تأثیردارد بآنها بشناسانیم

تربیت قوهٔ مدرکه احوال و معانی که بواسطهٔ آنها تفاوت و امتیاز انسان باحیوان ونباتات معلوم میشود همیشه نظر دقت مارا بخود جلب میکند علاوه براین مابین افراد انسان یك حدود ومشخصاتی هم موجوداست که درنتیجه ملاحظه میکنید هر کس بطرز علیحده ای فکر میکند یا بشکل خاصی افکار ونظریات خودرا میگوید ومینویسد و برای وقوع حوادث یك عالم مخصوصی را ذکر مینماید درهرحال برای تربیت قوهٔ مدرکه وروشن نمودن ملکهٔ ادراك وسائلی منظور گردیده‌وبهترین آنهادرسهای تحریری یاانشائی وتحلیل وتدقیق فکریست که درموضوعات مختلف بعمل آید

تربیت حس حظ ولذت برای اینکه بتوانیم اطفالرا همواره در حالت سرور وشادمانی نگاهداشته وکاری کنیم که‌از حیات خود راضی وممنون وبا حظ ولذت زندگانی نمایند قبل ازهرچیز باید محیط مادی مدرسه یعنی ساختمان. فضاء وروشنائی باغچه وضعیت داخلی وخارجی آرایش وظرافت وقشنگی اسباب و اثاثیهٔ مدرسه را مراعات ومنظور نظر قرارداد ونیز باید ملاحظه کنیم که دیسیپلین و نظام مدرسه طوری ترتیب داده شود که مانع آزادی وزرنگی و نشاط اطفال نگردد واصول تربیت‌وتدریس طوری باشد که آنهارا بمسرت

وشادکامی و کنجکاوی وادارنمایند برای این منظور ازبازیهای اجتماعی هم میتوان کمك خوبی حاصل نمود

تربیت حس کنجکاوی بهترین وسائل تربیت حس کنجکاوی و تدقیق دراطفال اینستکه ازبرای آنها درمدرسه موزه های خصوصی قشنگی ترتیب داده وگاه‌گاهی خود ایشانرا وادار به تشکیل آنها کنیم ونیزدرباغچه‌ها عده ای از حیواناترا پرورش ونگاه داری نمائیم تا ایشانرا بصفات وخصوصیات آنها متوجه گردانیم وچیزی که بیش از اینها میتواند برای تربیت حس کنجکاوی مؤثر واقع شود همانا سرگذشت جهانگرد ها و نمایش تابلو هـای دور نمای شهر ها وکارخانجات ومؤسسات و مظاهر تمدن دیگران و گردش و سیاحت دراطراف شهر و قصبه یا آبادی مدرسه است وباید دراین زمینه دقت کنیم که مبادا حس کنجکاوی‌اطفال‌را بیك اخلاقیکه آنانرا عیبجو یا تجسس کنندهٔ اسرار مردم گرداند سوق دهد

تربیت حس فعالیت بازی ژیمناستیك ورزش ومسافرتهای کوه گردی وصحرا نوردی وانس بمعیشت استقلالی وبالاخره چیز هـائیکه در اطفال حس کنجکاوی و حال شعف را تولید کند برای تربیت حس فعالیت خیلی مفید وسودمند محسوب میگردد: تربیت ایجاد حس فعالیت دراطفال اینستکه آنها را در کار ها و حرکاتیکه در مدرسه میکنند آزاد گذارده ونظم‌وانضباط‌مدرسه‌رابرآن‌شالوده‌بنا کنند.

تربیت خوی بزرگ منشی از هرچیزیکه بـاعث ضعف سجیهٔ بزرگ منشی در اطفال میشود باید اجتناب نمود وبرعکس هر چیزیکه ممکن است بواسطهٔ آن اطفالرا عزیز و بزرگ منش گردانید باید مقصد قرار داد حس تمایلات شخصی از

قبیل استقلال طلبی ، میل بآزادی میل بشنیدن خوش آمد گوئیها رقابت ناموس پرستی در تربیت حس بزرگ منشی وعزت نفس مفید شمرده شده است چه کسانیکه اهمیت بسجایای مذکورهٔ فوق نمیدهند و بهر نوع ضرر مادی یامعنوی که متوجه آنها یاخانواده‌شان میشود اعتنائی ندارند هیچ نتیجه ای از وجود آنها برای افراد و جامعه نمیشود تصور نمود ولی باید درعین حال مواظب بود که مبادا زیاد روی در تقویت حس بزرگ منشی منجر بتولید طبیعت کینه‌جوئی، حسد، منفعت پرستی، کبر وغرور بیمورد ونخوت خارج از نزاکتی گردد .

تربیت حس استقلال و آزادی طلبی

باید نظام مدرسه را طوری قرار داد که اطفال بتوانند تدریجاً بخودی خود قیام باداره‌ٔ خویش بنمایند و بطور ساده وبی تکلفی زندگانی کنند و نیز باید از هرچه ممکن است که از استقلال یا آزادی آنها در بازی و تفریح و گردش مؤثر واقع شود جلوگیری نمایند و نباید مجال داد یك طفلی وکیل مدافع طفل دیگر یا واسطهٔ شکایت و زبان حال منتظم غیر بشود در مدارس خصوصی اصول مبصری در کلاسها لغو و بجای آن یك قواعد صمیمی و تربیتی که مربیان را بر اطفال نظارت میدهد مقرر شده و یکی از وسائل این منظور اینست که شاگردانرا مکلف باجرای نظامات و کارهای مدرسی از قبیل تفتیش حضور وغیاب گشودن در و پنجره و رسیدگی بآتش بخاری و امثال اینها مینمایند زیرا باین واسطه تربیت استقلالی پیشرفت خوبی خواهد کرد .

تربیت حس مالکیت

از برای تربیت حس مالکیت از درسهای علم ـ الاشیاء وبازیها و گلکاریهای باغچهٔ مدرسه و گلها وکتابها و دفتر ها وهنر های یدی و رسم و نقاشی اطفال باید استفاده

صحرا گردی که محصلین مینمایند تمام کار ها را از قبیل حضور وغیاب رسیدگی و دارائی از لوازم و اسباب تقسیم آذوقه و ارزاقرا بعهدهٔ خودشان واگذار نمایند و لازم است که وظایف را هر هفته یا هرماه نسبت بموظفین تغییر بدهند تا باینوسیله بتوانند عموماً معنی مسئولیت را احساس کرده درکار های مختلف ابراز لیاقت نمایندکار کردن به اجتماع راحتی درکارهای نجاری وآهنگری وزراعت خود باید عملی کنند و از برای تأیید احساسات اجتماعی نیز لازم است آنهائیرا که در محاوره وصحبت حیثیت یکدیگر را اخلال و مراتب احترامرا درحق غیر منظور نمیدارند بیك اسلوب قاهرانه ای متنبه گردانید وحالی نمود که انسان نباید اصل ونسب یا مال وثروترا وسیله برای تکبر و عزت نفس خویش قرار دهد : خلاصه از کسانیکه نتوانند این نحو صفات و احساساترا درحق برادران وهموطنان خود بجا بیاورند باید بنام وطن و ملت اظهار تأسف نمود.

تربیت حس وطن پرستی

وجود حس وطن پرستی از برای موفقیت یك ملت اولین شرط اساسی شمرده میشود و برای نمو دادن این حس شریف باید طبایع اطفالیکه دریك مملکت سکنی دارند خواه مسلمان یاغیرمسلمان باشند بیکدیگر مربوط گردانید باید اطفال معتقد شوند که باکلیهٔ سکنه مملکت خود دارای روابط طبیعی و صاحب منافع مشترك هستند باید منافع مزبور را طوری بیان نمود که بتوانند آنها را بطور مجسم ومحسوس مشاهده نمایند برای تحریك حس وطن پرستی دراطفال ازتاریخ گذشتهٔ اجداد وفداکاریهائی که درراه وطن واستقلال وعظمت آن نموده‌اند یادداشتها وکنفرانس هائی داده شود لازم است که درسهای تاریخ . جغرافیا

معلومات مدنی واخلاقی را طوری تدریس نمود که وطن را در نظر اطفال بزرگ وبا عظمت ومحبوب نماید و گردشهای تربیتی ونمایش های آثار تاریخی نیاکان و مشاهدهٔ عتیقجات و صنایع مستظرفهٔ وطنی همچنین کتیبه های تاریخی که شرف و افتخار پدران را یادآور شود برای تربیت حس وطن پرستی فواید بی انتهائی دارد ونیز خواندن و شنیدن ـ داستانهائیکه شجاعتهای حیرت آور گذشتگان‌را حکایت وترنم بسرود های هیجان‌آمیز وروح پروریکه خون مایت‌را در قالب معصوم نونهالان و جسم با طراوت جوانان بجوش بیاورد باعث ایجاد شور و حرارت روح وطن پرستی خواهد گردید بایداطفال‌را طوری تربیت کرد که اهمیت فوق‌العاده بکار های نظامی وشغل زراعت دهند درعین حال صنعت وتجارت‌را دوست بدارند خلاصه باید اطفال خود را بقدری قوی ودنیا پرست تربیت کنیم که بتوانند ضعف کنونیرا برطرف سازند وظیفهٔ مربیان وطن پرست اینستکه روح سربازیرا دردلهای اولاد خود پرورش وقدرت و عظمت قشونرا شریفترین ایده‌آل آنها قرار دهند مللی که خواهان تفوق سپاه خود هستند هنگام صباح اطفال خود را بتمرینهای نظامی و کارهائیکه آنهارا فداکار ونسبت بخود بی پروانماید وادار مینمایند وهمچنین صاحبمنصبان قشون را مستوجب محبت واحترام فرزندان خودمیشمارند آداب معاشرت‌را بااصول نظامی تطبیق، بیرق رسمی مملکت را تعظیم و آنرا در تعطیلهای رسمی بر بام مدرسه میافرازند ورزشها و بازیهای نظامی نیز در مدارس دیگران مورد تقدیر واهمیت است شاگردان درهوای آزاد سیاحتها و گردشها مینمایند در ضمن این گردشها نقاط زیبا و آثار برجستهٔ وطن خود را خندان میبینند سرودهائیکه موجب هیجان حس وطن پروری و باحرکت دست

و بازو خوانده میشود میسرایند این سرود ها اطفال‌را بحب خدمات نظامی سوق میدهد وبالاخره کار بجائی میرسد که حاضر بجانفشانی درراه وطن میگردند در مجامعیکه افراد عاجز وضعیف یافت بشود لازم است که حس تمالك را در آنها تحریك نمود واز وقایع حاضره و جنگهای عالم برای اصلاح زندگانی اقتصادی آنها استفاده نمود علل و اسرار تفوق تجارتی سایر ملل را برای آنها شرح داده وحس منفعت پرستی ورقابت را در نهادشان حرکت داد معلم میتواند بوسیلهٔ این روشها و تلقینها احساسات مؤثری در اولاد خود ایجاد کرده و از همین رهگذر برای ملت خود یك سرمایهٔ گرانبهائی تحصیل بنماید .

تربیت حس خیرخواهی

باید اطفالرا طوری تربیت کرد که دوستدار نوع خود بوده خویشتن‌راعقلاوحساً شریك نفع و ضرر ملت خود بدانند وهمواره مساعدت از دوستانرا وظیفهٔ خود شمرده و از انجام هر نوع وظایف انسانی لذت ببرند باید اطفال‌را عادت داد که‌در موقع اجتماعات وتفریحها نسبت بیکدیگر مهربان بوده برادران کوچك خودرارعایت‌ومعاونت بنمایند ونیز برای پرورش حس خیرخواهی مناسب است که فضایل و مناقب مردمان خیر خواه را برای اطفال تعریف کرده آنانرا باحترام وتقلید کار های خیر خواهانه ایشان وادار کنند .

تربیت حس حقیقت‌خواهی

باید از یکطرف اطفالرا دوستدار صدق و راستی و از جای دیگر آنها را بضدیت با دروغ‌ونفرت از دروغگوئی عادت‌داد وبرای اینکه سجیهٔ راستگوئی را شعار خود کنند لازم است‌آنانرا طرفدار حقیقت قرارداده بکردار ورفتارصحیح معتاد گردانیم اطوار و افعال کسانیرا که در پرتو صداقت خود حائز

مراتب قدردانی واحترام نوع خویش شده‌اند بیان و بآنها حالی کنیم که دروغگوئی برای انسان یکنوع زبردستی و مهارتی محسوب نمیشود بلکه بعکس این عادت ناپسندیده را بواسطهٔ ضعف عقل ومزاج بجا میآورد و شخص دروغگو عاجز و ناتوان است باید مواظب بود که مبادا اطفالرا بکارهائی که فوق طاقت واستعداد یا برخلاف میل و طبیعتشان باشد وادار نمایند زیرا یکی از موجبات عمدهٔ دروغگوئی همین است که طفل‌را بآنچه نتواند یا میل ندارد تکلیف نمایند - باید اطفالی‌را که بدروغ ویا کارهای زشت خود اعتراف مینمایند تحسین و قدردانی کرد و برای ترك عادت دروغ باید باطفال خاطرنشان نمود که راستی وصداقت‌ازصفات عادی اجدادما بوده وباین صفت درعالم‌معروف شده‌اند وبالاخره برای حقیقت‌خواه ساختن اطفال بهتر آنستکه حقایق را تدریجاً مثل سایر دروس بآنها بیاموزند و آنان را بمطالعه و تتبع وادار نمایند

تربیت اراده برای اینکه شاگردان درزندگانی فردای خود بتوانند بدون کمك دیگران خودرا اداره نمایند باید یك تربیت آزاد و یك نظم وانتظام مطابق وجدانیرا در مدارس بوجود آورد واز هرگونه مراقبت وفشاریکه حرکات آنها را محدود میسازد خود داری نمود در مواردی که تأدیب اطفال لازم میگردد خوب است که اولا بوجدان‌خودآنها مراجعه‌شود برای اینکه جوانان دارای بدنهای کاری ونیرومند گردند لازم است دستورات ورزش بدنی را درفرصتهای مناسبی بجای آرند مخصوصاً توپ بازی ومسابقهٔ طناب یاپرش وبالا وپائین‌شدن از کوهها که قوهٔ عزم‌وجسارت وثبات‌را تولید

مینماید گذشته از آن باید همه روزه و بطور دائمی بدرسهای موسیقی خصوصاً آهنگهای مارش و گروهانی اهمیت مخصوصی داده روح جسارت ادبی را درجوانان بدرجه‌ای تقویت نمود که برای اظهارمقصد یا افعال خویش شرم ومحجوبیت‌را مانع خود نساخته بتوانند که درموقع لزوم بدون واهمه نطقها و کنفرانسها القاءنمایند ونیز باید آنهارا بگردش هائیکه ساعتها بلکه روزهای متوالی دوام داشته باشد وادار ساخت واز کارهای اجتماعی مانند خندق ساختن زمین کندن‌واراضی بلندراتسطیح نمودن‌درخت کاشتن ودرخت بریدن برای تولید قوهٔ اراده استعانت باید جست و شاگردانرا بکارها ودرسهائیکه قوهٔ اعتماد بنفس را ایجاد می‌نماید سوق باید داد ٠مربیان وآموزگاران فاضل وعلاقه‌مند برای آنکه قوهٔ اعتمادبنفس‌را درفرزندان خود تولید وتقویت‌نمایند ازکلیه دروسی که بآنها میآموزند استفاده نموده آنانرا طوری تربیت میکنند که در آتیه بتوانند مردان صحیح و کارکن و متکی بخود گردیده و از این رهگذر ذیقیمت ترین سرمایه را برای زندگانی آیندهٔ جامعهٔ خویش تهیه نمایند برای تأمین منظورفوق باید درضمن درسها تجارب وتکالیفی که ترقیات محصلین را جسماً بآنها نشان میدهد بکار برد مثلا درس نقاشی هنریدی علم‌الاشیاء جغرافیا هندسه انشاء را باید بشکل تجربه ای و حسی بشاگردان آموخت وتجربیات وتدقیقات و نتایج دروس فوق را بوسیلهٔ تابلوها وکلکسیونهای عکسی باید بمعرض نمایش درآورد باید شاگردانرا معتاد کرد که دراجرای مقصود خود همواره تصمیم قطعی اتخاذ کنند وهرچه‌را میخواهند عملی کنند قبل ازوقت ملاحظه وتأمل نمایند و نیز آنانرا بضرر اتخاذ تصمیمات غیر عملی و غیر قابل اجرا

آگاه سازند وهیچگاه خودرا درمقابل آنان دچار تردید و بیقراری نشان ندهند وقرارداد ها وحرفهائی که زده میشود در موعد و ساعت مقرر خود اجرا نمایند باید محیط مدرسه را ازیأس وعطالت. خالی و منزه ساخت وهر چیزیکه ازآن ناامیدی، بیچارگی بدبختی و « لشی » حادث بشود محو ونابود گردانید و آنچه که درمدرسه موجب کسالت وبیحالی ومنافی فعالیت وثبات‌وپایداری وشجاعت است اعم ازاینکه‌مادی یامعنوی مربوط‌بوجودمعلم یامدیریا فراش باشد ازاله نمود وشاگردان را ازقهوه خانه ورستورانهائیکه منبع مسکنت وبیکاری است دور نمایند وهر گاه شرایط مادی و صحی مدرسه مساعد باشد بقدر ممکن تماس شاگردانرا با مردم خارجی کم نموده وآنها را بیشتر در مدرسه نگاه دارند و برای استفادهٔ از فعالیت محیط باید شاگردانرا بتمیز ترین و فعال ترین محلات شهر جهت گردش وسیاحت برد و مدارس را از جا هائی مانند قبرستان وغیره که کشندهٔ حس فعالیت میشود دور وآنهارا درنقاط خارج شهر در دامن باعصمت وزندهٔ طبیعت باید بنا نمود کار های فعالیت بخش و دشوار را باید بالخاصه طوری قرارداد که جذاب ومحرك شوق اطفال بوده باشد مثلا برای اینکه شاگردانرا در مزارع وبیابانها برای تحمل مشکلات بدنی آماده سازیم خوب است از مسابقه ها و رقابت ها استفاده نموده و آنهـا را بدوانیم و واداریم که بنقطه ای هجوم آرند یا ازدرختهای کوهستانی بالاروند باید برای شاگردان از خدمات دلیرانه ومناقب وطن‌پروران بزرگ که برای سعادت و رفاه ملت خود فداکاری کرده اند سخن راند راجع بفداکاری و شجاعت ایشان (پیس)ها وتیاترها وسرگذشتها ترتیب داده وشاگردانرا بنمایش

دادن آنها تشویق کرد وباید شاگردانرا واداشت که رومانهای تاریخی واخلاقی که سجیهٔ شجاعت، شهامت وفداکاری‌را دروجودشان تزریق کند بخوانند باید بشاگردان علماء مهندسینی که سطح زمین راشکافته وموجب ایجاد وتوسعهٔ تمدن عالم شده اند معرفی کرده وآنهارا وادار نمود که عزم وکوشش دائمی ایشانرا قدردانی وستایش نمایند همچنین باید مشارالیهم را مظهر اقدام، عزم و جسارت قرار داد باید بجوان ها اطمینان داد که اگر بخواهند میتوانند اشخاص باعزم باثبات دلیر بشوند باید شاگردانراچه ازحیث دروس چه ازحیث آزادی بخیال خود گذارد وبرای بکارانداختن قوهٔ جسارت وجرأت آنها باید ازهر فرصتی استفاده کرد ودر این فرصتها شاگردان با پشت کار وشجاع‌را قدردانی نموده سایرین را به پیروی ایشان تشویق کرد ونیز باید از چیزهائیکه درقوهٔ محاکمه و خیال اثر مینماید استفاده نمود و باطفال فهمانید که بسیاری ازاقدامها وشجاعتها درنتیجهٔ تعقل ومحاکمه صحیح و قابل اجرا بنظر خواهد آمد وباید بسیاری از ترسهارا بوسیلهٔ محاکمه وتفکر بی‌منطق جلوه داد وقوهٔ خیال وحافظهٔ آنانرا طوری با خیالهای نورانی روشن نمود که بیکاری وترس‌را حقیر شمرند باید شاگردانرا بفکر جسارت شجاعت عزم وتشبث و سعادتهائی که باعث درستکاری و کامیابی می‌شود انداخت همچنین ازتأثیر حسیات براراده باید استفاده جست لذا باید در شاگردان سجیهٔ عزت نفس واعتماد بنفس میل بتقلید حس محبت خانواده وطن پرستی وبرادری وفداکاریرا که عبارت ازتمایلات شخصی واجتماعی هستند وهمچنین حسیات نجیبانه مانند فضیلت پروری و زیبا پرستی را در آنها تحریك نموده بآنها حالی کنند که اراده در نتیجهٔ خواستن کار کردن بدست میآید واشخاص ترسو و بی تشبث میتوانند

درپرتو عزم وامیدواری خود اشخاص جسور و کارآمد بشوند وراجع باین قسمت آنچه‌را ازوقایع وحوادث حقیقی که اطمینان آنهارا ممکن است پابرجا نماید بیان وخاطرنشان گردانید وبالاخره چون (ژون‌ده‌وی) فیلسوف بزرگ تربیت را عبارت از پرورش اراده دانسته است بنا بر این مهمترین وظیفهٔ مربیان وآموزگاران اینستکه تمام قوای خودرا برای تولید آن دراطفال صرف کنند

تربیت حس قشنگ پسندی

باید حس قشنگ پسندیرا در اطفال پرورش داد و آنها را از چیزهائیکه بی تناسب و غیر مطبوع وچرك وپلید باشد متنفر ساخت باید بچه هارا برنگهای زیبا ونمونه‌های ظریف آشنا کرد بایدساختمان‌مدرسه‌رادر محلی که ازهرطرف بازوهوا گیر باشد بنانمود ولازم است که فضای مدرسه دارای باغچه‌ای باشد که شامل گلهای رنگارنگ وسبزی‌جات قشنگ ودرختهای سایه دار گردد بشرطیکه وجود آن درختها اطفال را برای دوندگی وآمد وشدمزاحم نگردد کلاسهای درس بایدعموماً با تصاویر ونقشه های زیبا وگلدانها وگلهای با طراوت زینت داده شود علاوه بر آن لازم است اطفال‌را با جمال طبیعت از قبیل کوهها تپه ها حیوانها گیاهها واشجار آشنا نمود و آنها را آزاد ساخت که بتوانند سیاحتها و گردشهای فرح بخش درصحرا های خارج شهر یاقصبهٔ خود بنمایند ونیز لازم است که بوسیلهٔ بردن اطفال بزیارت و تماشای مسجد ها وسقا خانه وچشمه ها و کتیبه ها آنهارا بحس قشنگ پسندی عادت داد وظرافتها و ریزه کاریهائی راکه در اینگونه اماکن بعمل آمده است خاطرنشان آنان گردانید و برای آنکه صوت خوش و آهنگ

دلکش را احساس کنند و از شنیدن نغمه های مطبوع لذت ببرند باید درسهای سرود وموسیقی را بآنان تعلیم کرد و بواسطهٔ درس ورزش و ژیمناستیك ممکن است که بدنهای اطفالرا با تناسب و قشنگ نمود و نیز ازدرسهای قرائت، سرود، کنفرانس، تآترهای تربیتی وتاریخی و اخلاقی که متضمن نکات بدیع واشیاء زیبا وظریف باشد درجلب اطفال حس قشنگ پسندی استفادهٔ شایانی کرد همچنانکه درسهای رسم وهنرهای یدی نیزسلیقهٔ ظرافت دوستی را بکودکان تزریق مینمایددروس علم الاشیاء جغرافیا طبقات الارض نیز حس زیبا پسندیرا تقویت می نماید نباتات زیبا و حیوانات ظریفیکه بچه ها درعالم طبیعت مشاهده میکنند عموماً موجب تحریك وتشویق آنان بقشنگی مآبی وجمال ورونق و زیبائی جهان وعظمت وقدرت مبدع وآفریننده آنها میگردد

تربیت حس فضیلت و وظیفه شناسی

برای پرورش حس فضیلت دراطفال بهتر اینستکه اولا خود معلم وظیفه شناس بوده وکسانیرا که در انجام تکالیف خود مواظبت کرده و نسبت بضعیف مهربان ودرحق نوع خود خیرخواه وفداکار هستند ستایش و تعریف نماید درتقویت ونمودادن حس فضیلت ازدرسهای قرائت سرود وتآترهای خصوصی که درمدرسه داده شود استفادهٔ خوبی میشود کرد

تربیت حس دینی

باید دانست که تربیت دینی نه تنها عبارت از این است که دماغ اطفالرا بیك مشت الفاظ بغرنج که معانی آنها باتصورات ساده ایشان ملایم نیست پرنمایند بلکه برای تربیت حس دین پروری بهتراینستکه یك نوع مباحث ودلائل ساده که تصورش برای اطفال آسان وقطعی بنظر آید با عبارتهای صریح و واضحی بیان بشود وباید یك جای پاکیزه وروشنی راکه بالنسبه ظریف وهوا گیر باشد

در مدارس بجهت عبادت و نماز و القای نطقها و کنفرانسهای مذهبی و ذکر احادیث شریفه وقواعد مقدسهٔ اخلاق اسلامی اختصاص بدهیم باید اذان وقرآنرا باصداهای خوش والحنهای دلکش بسامعهٔ اطفال برسانیم نباید اطفالرا باقوهٔ قهریه وادار بعبادت و رفتن بمساجد نمود بلکه باید دیانت را چنان در نظر آنها شریف و برای زندگانی دنیا ضروری و لازم جلوه دهند که بخودی خودشان اعمال دینیه را بجا آرند یعنی باید وجوب عبادت را با منطق ملایم وصحیح از کوچکی بدانها حالی نمود باید کسانیرا که در ترقی و توسعهٔ اسلام فداکاری و کوشش نمودند باطفال معرفی کرد ومخصوصاً ذات رسالت پناهی حضرت پیغمبر(ص)را بایدبیش ازهمه درخور تعظیم واحترام قرارداد باید مقررات وقواعد اخلاقی و مدنی وحیاتی آئین اسلام را برای اطفال شرح دادواز برکات اجتماعی که پیروان آن میتوانند در سایهٔ متابعت احکام آن حاصل نمایند صحبت کرد باید خرافات و مجعولاتی را که بدلخواه جهال یا مغرضین داخل دیانت شده است ازدیانت تفکیک کرد وذهن کودکانرا ازغلبهٔ اوهام و اباطیل وبلای تعصبهای جاهلانه خالی نمود وبالاخره باید حقیقت مقدسه (لا اکراه فی الدین قد تبین الرشد من الغی) را باطفال فهمانید

فصل ششم

نظام وانتظام

اهمیت نظام - انتظام تابع وجود معلم است-صفات اساسی معلم محبت امید صبر و ثبات عزم وقرار وقار حیثیت درایت وهوشیاری آشنائی بمزاج ومعرفة النفس

اهمیت نظام وانتظام

اهمیت وجود نظم‌را برای یك مدرسه بقدراهمیت غذا برای یك ذی حیاتی شمرده اند باینمعنی که اگر زمامداران‌مدرسه نتوانند درقلمروخویش عامل انتظام‌را حکمفرما نمایند در نتیجـهٔ آن مدرسه فاقد حسن اداره شده و حیاتش محکوم بزوال خواهد گشت یك مدیر یا معلمی هرقدر خوش نیت و فاضل و دانشمند باشد اگر نظریات وی مورد اطاعت شاگردان واقع نشود و تکالیفی که میدهد رفتار نکنند و بتدریساتی که میکند اعتماد ننمایند بالطبع مقصود اصلی از وجود مـدرسه حاصل نخواهد گشت لذا لازم است که مدیر و معلم برای حفظ موجودیت خود و حیات مدرسهٔ خویش نظام و انتظام را فوق‌العاده اهمیت‌داده وخودشان قبل ازسایرین معتاد باجرای قواعد آن شوند یعنی حرکات خود را طوری قراردهند که آثار بی-انتظامی ازآنها دیده نشود

نظام وانتظام تابع وجودمعلم است

اولین وآخرین عامل تأمین نظام هر مدرسه ای همانا وجود معلم است یعنی هراندازه معلم بتواند سجایای خودرا تربیت وعادی بنظام نماید بهمان درجه موفق باجرای نظام درمحیط مدرسهٔ خود خواهد گشت

معلم باید بچه‌گی را دوست بدارد

معلم باید بچه گی را دوست بدارد تابتواند موفقیت لازمه را در انجام وظیفه حاصل کند معلم وقتی میتواند بچه گی را دوست بدارد که خودرا بانظر اطفال سنجیده احتیاجاتی را که در خور بچه گی یك طفل است تشخیص بدهد تاطریقهٔ عملی داشتن تربیت وقوی ساختن قوهٔ استعداد وانکشاف طفل را بدست آرد و کسیکه چنین اقتداری نداشته باشد نمیتواند خود را محبوب شاگرد وفرزند خود ساخته ودر نتیجه نمیتواند که معلم یا معامه بشود معلمی که بچه گی را دوست بدارد خود را محبوب بچه ها خواهد نمود وتکالیف خودرا هم بجا خواهد آورد ومعلمی که بچه گی را دوست ندارد واز لوازم آن جلو گیری نماید همیشه وجود خودرا دریك دائرهٔ تنگی ازفشار وسختی خواهد یافت وشاگردان خویش‌را دریك قید اسارت کامل و بتمام معنائی خواهد انداخت چه بزرگترین کار ومشغولیت چنین معلمی اینست که بچه ها را مکدر کند و آزار بدهد مجازات نماید تاحرف او را بشنوند ودیسیپلین مدرسه را اطاعت نمایند اطفال هم درمقابل همچه معلمی سعی خواهند کرد که تا ممکن است خودرا ازمدرسه دور کرده و اگر ممکن نشود بیمهری معلم را بعدم اطاعت ازمقررات و بی اعتنائی بوظایف خود تلافی نمایند و در نتیجه یك بغض ونفرت و سوء ظن بیموردی بین طرفین ایجاد خواهد گشت و خلاصه معلمی که نتواند خود را محبوب شاگردان بنماید همه روزه بامشکلات و نتایج وخیمی که بدست خود تهیه نموده است مواجه وقدرت روحی ومعنوی خودرا تدریجاً ازدست خواهد داد علاوه برآن اخلاقیکه بقوهٔ قهریه وتهدید و کتك دراطفال موجود کنند هیچگونه

قیمتی را درعالم تربیت نخواهد داشت زیرا دوام وبقای آنها تا وقتی است که آنقوه وتهدید و کتك باقی باشد

معلم باید امیدوار باشد

کسیکه در دنیا رشتهٔ سعی را از دست نـدهد امیدوار شمرده میشود کسانی که فاقدحس امید باشند فاقد سعی وغیرت وپشت کار خواهند بود اطفالرا نمیشود دقیق و مقید قرارداد مکرر دیده میشود که ازیك طفل عین همان خطائیرا که امروز مرتکب شده است فردا هم سرمیزند باین مناسبت معلم دلگیر و ملول میگردد دراینمورد هیچ چیز نمیتواند ملال ودلگیری معلمرا جز قوهٔ امید او رفع نماید یعنی این امید واری ویرا وا میدارد که از راههای متعدد وچارههای گوناگون درمقام اصلاح خطای شاگردان خود برآمده وبمرور ایام خلق خوب وخوی مطلوبرا درمزاجشان طبیعت ثانوی گرداند

معلم باید صبور باشد

از جمله صفات دیگریکه لازمهٔ معلم میباشد صبر است اطفال عموماً باملاحظه وبا عقل نیستند بلکه بسیاری از آنها دیده میشوند که شرور تنبل حقه باز، کودن، دروغگو لاقید وبیملاحظه هستند این حرکات واطوار عادة قابل تحمل نیست ولی معلم باحالت اعتدال وضبط نفسی که بخرج میدهد میتواند بتدریج موفق باصلاح مفاسد اخلاقی شده و حقیقت آدمیت را در وجود طفل تکوین نماید لکن اگر معلم بخواهد با جدت وشدت رفتار کرده واز هر پیش آمدی مأیوس گشته و باندك ناملایمی بی تاب بشود بطور قطع هیچگونه موفقیتی را از منظور تربیتی خود حاصل نخواهد نمود زیرا کسیکه ازعهدهٔ ضبط نفس خود بر نیامده واز ادارهٔ شخص خویش عاجز باشد درادارهٔ غیر بطریق اولی عاجزتر وناتوانتر خواهد گردید و بالاخره اگرمعلم باحوصله وصبور باشد میتواند که هر نوع

عادت زشتی را ازطبع شاگردان خود زایل کند واگر نه خود وآنها را همیشه دچار کرده و با وجود این هیچگونه نفوذ وتأثیری را پیدا نخواهد کرد

معلم باید باعزم باشد

یکی ازلازمترین صفات معلم عزم است چون اطفال عموماً ضعیف‌الاراده هستند لهذا ادارهٔ آنها اگر ازروی عزم ورویه باشد برای معلم آسان خواهد بود برای انجام هرامری اولا عزم قطعی لازم است معلمی که مقاصد و اوامر خودرا نافذو قطعی الاجرا بنماید بایددراصدار امرواتخاذ تصمیمات خود بی تردید و متزلزل باشد معلم باعزم میتواند موجد نظام صحیح بشود ولی معلم بیعزم و متلون المزاج نظام را مختل کرده و هر روز برای خود مشکلات تازه ایرا تولید خواهد کرد

معلم قبل ازاینکه بخواهد یك نظریه وتصمیمی را اتخاذ کند باید دراطراف آن ملاحظات لازمه‌را بکار برد مثلا اگر بخواهد بگوید که :ـ (من فلان کار را فردا بموقع اجرا خواهم گذاشت ویافلان قضیه را فلان‌طور باید انجام بدهم) لازم است منظور خود را موازنه بنماید که اگر چنانچه مخالف مصلحت یاغیر قابل اجرا باشد اظهاری نکرده وبواسطهٔ عدم اجرای آن خودرا ضعیف وعاجز وبیکاره نشان نداده و اطفال‌را نسبت بتصمیمات آتیهٔ خویش بی‌عقیده و بی اعتنا ننماید فرض کنیم که شاگردی‌مرتکب‌خطای‌عمدی گردد که‌قابل هیچگونه احتمال‌و تأویلی نشود در اینصورت معلم چه باید بکند باید خطای عمدرا بشکل خطای سهو تلقی کرده و اصلا بروی آن نیاورد که من میدانم تو این تقصیر را متعمداً بجا آورده ای وهرگاه بخواهد برای او مجازاتی قائل بشود اولا درجه اقتدار خودرا نسبت بطفل ومیزان تحمل طفل‌را نسبت

بمجازات بسنجد سپس متصدی اجرای آن بشود واگر مانعی درمقابل اجرای آن دید اصلا نباید ازمجازات اسمی برده وبواسطهٔ عجز دراجرای آن موقعیت خودرا ضعیف و کوچك نشان دهد

معلم باید باوقار باشد

معلم باید درداخل وخارج مدرسه وقار و حیثیت خودرا در نظر شاگردان خویش حفظ نماید ؛ با اشخاصیکه فاقد حیثیت و شرف باشند آمیزش نکند وحرفهائیکه دور ازتربیت و نزاکت است بزبان نیاورد و مواظبت کند که مبادا درطرزراه رفتن لباس پوشیدن خوردن آشامیدن ونشستن خود چیزیکه باعث تمسخر یا دلیل سبك مغزی و لاقیدی است از او ظاهرشود معلمی که نتواند وقار وحیثیت خودرا درنظر شاگردان خویش حفظ نماید بالطبع کمتر موفق میشود که آنانرا بتمکین و اطاعت کامل از اوامر خود وادارد اینرا هم نباید فراموش کرد که معلم باید وقار و حیثیت خودرا طبیعی وموافق ذوق قرار دهد چه اگر بخواهد از راه تکبر وبخودبندی وخشونت بیمورد خویشتن‌را با حیثیت و موقر جلوه بدهد شکی نیست که خودرا آلت تمسخر واستهزاء ومنفور شاگردان ورفقای خویش خواهد ساخت و خلاصه معلم باید یك رویه ایرا برای حفظ وقار خود پیش گیرد که درعین‌اینکه بنظر محترم وبزرگ میآید بتواند برای خویش محبوبیت خاصی را درست کند وبالاخره طوری کند که اطفال در مقابل خود مجالی برای شوخی وخود سری وبی تکلیفی نیابند

معلم باید هوشیار باشد

هوشیاری ودرایت نیزازجمله صفاتی است که هر معلمی ناگزیر ازداشتن آنهاست لزوم هوشیاری نسبت بمعلم مثل لزوم روغن است برای ماشین

پس معلم بی درایت مثل ماشین بی روغن است معلم هوشیار را اگر مأمور تنظیم واداره پست ترین وبی نظم ترین مدرسه ای قراردهند می تواندبواسطهٔ هوشیاری خود اختلال امور آنمدرسه را بتدریج در کمتر وقتی رفع ومقام آنرا درانظار عزیز وآبرومند نماید وخلاصه ببرکت هوش خود ممکن است بدون استعانت بغیر مقاصد مهمی را پیشرفت وترویج بدهد یکی از چیز های دیگری که لازمهٔ هوشیاری معلم است اینست که موقع شناس بوده هر کاری را در وقت مقتضی بجا بیاورد بواسطهٔ عدم تشخیص مقتضیات موقعیت ومقام خودرا درنظر اطفال ساقط ننماید مثلا چنانچه یکی از شاگردانرا که از خارج مدرسه بواسطهٔ زد وخورد با دیگری باحالت عصبانی بمدرسه آمده فوراً مدعی او نگردیده وبواسطهٔ بازخواست وتهدید خود خشم طفل را متهیج نکند بلکه باید دراینموقع مواظب شود که آنطفل را درنصیحت بکلماتیکه موجب هیجان یامجازاتی که فوق طاقت واسباب هیاهوی او میگردد جاو گیری نکند چه علاوه براینکه نقض غرض میگردد وطفل را نسبت بخویش کینه جومیگرداند ممکن است که ازحال طبیعی خارج ونسبت بمعلم خود زبان درازی و هرزه درائی نماید

انتظام تابع شرایط چندی است

صفات ذاتی معلم میتواند نصف انتظامات مدرسه را عهده دار بشود ونصف دیگر آنهارا که عهده دار نیست عبارت از کلاس ، مدرسه ، لوازم کلاس میباشد راحت وآرام نشستن طفل بسته باین است که بدن او از هرحیث راحت باشد چه اگر بدن او راحت نباشد یعنی ویرا تا یك مدت زیادی دریك حال نگاه دارند واورا در اطاقیکه در موقع تابستان خیلی گرم ودر فصل زمستان سرد ویا ازحیث روشنائی وتاریکی فاقد حد اعتدال

باشد بنشانند نیمکت یا میز آنها زیاد بلند یا خیلی کوتاه بوده طوری باشد که نتوانند تکیه کنند مثل اینستکه موجبات بی نظمی را فراهم آورده وآنانرا بعدم انتظام وادار کرده باشند علاوه براین شکی نیست که این شاگردان بطور کلی سست همت و بیکاره وبواسطهٔ عدم الفت و انس بمدرسه اوقات حضوررا هم رعایت نمیکنند

کلاسها باید تمیز ومرتب بوده باشد

کلاس کثیف و بی ترتیب بچهای کثیف وبی‌تربیت‌را تربیت نمیکند بنابراین باید مقررات‌ذیل را راجع بکلاس رعایت نمود: - کلاس‌را باید هرروزه با جاروبهای تر یاپارچه های نمدار جاروب وپاك نمود و گرد میز ونیمکت وشیشه هارا باید گرفت وباید کف اطاقرا شست وشوداد شیشه های اطاق باید از شدت نظافت درخشنده و براق باشند و برای گذاشتن چترها وبارانیهاو پالتوهاو کلاهاوظروف نهارخوری‌اطفال باید اطاق مخصوص تدارك نمود ونیز برای سه‌پایه‌های نقاشی وسیاه تخته و کتابها و لوحه های درس آنها باید جای معینی را تهیه کرد هم‌چنین باید سه پایه ها با میخهای اولادار یا بی‌اولا برای آویختن نقشه ها و تابلوهایشان بردیوار گرفته شود ونیز بجهت انداختن کاغذ پاره و باطله سبدهای مخصوصی قرارداد و نیز لازم است باطفال حالی کرد که قلمهای خودرا زیاده ازحد درمرکب فرو نبرند و برزمین تکان ندهند باید ازاسم نویسی ویادگار نویسی روی دیوارها ومیزها آنانرا ممنوع داشت ویگانه وسیله برای بازداشتن آنها ازکار های مزبور اینستکه آنانرابیکار نگذارند باید دریچه‌ها وطاقچه های کلاس را باگلدانهای گوناگون وجعبه های صنوبر زینت داد باید بآنها آموخت که این‌نوع گلها و گلدانها را بمدرسه بیاورند و باطفالیکه در محافظت گلدانها دقت

وتوجه مینمایند باید جایزهٔ تمیزی وخوش سلیقگی داده شود وخلاصه مدرسه را باید بحدی پاکیزه و تمیز وزیبا و با طراوت نگاه داشت که وجود آن مایهٔ افتخار ومباهات محصلین گشته آنجارا محل مقدسی شناخته ازصمیم قلب دوست بدارند

باید درمساعی خود تقسیم اعمال نمود

هر کاریرا باید در وقت معینی بجا آورد درسها را باید درساعات مخصوص تدریس کرد جدول اوقات حضور را باید جزء بجزء و دقیقه بدقیقه تعقیب نمود وباید ازبرای موقع اجتماعی وآزادی وتنفس وطرز رفت وآمد، برخاستن ونشستن ودرس خواندن محصلین نظامنامه‌های خارجی ترتیب داده و برای قلم وکاغذ و مداد وکتاب دستور های ثابتی باید نوشت هیچیك ازحرکاتی راکه ممکن است در داخل مدرسه واقع شود نباید بسکوت گذرانید و یا بتصادف ومیل بچه ها واگذار کرد اگر مدرسه واطفال با این رویه اداره شود بدیهی است که درآن واحد نظم وانتظام مدرسه حکمفرما ومعنی قیمت وقت را باطفال حالی نموده است

معلم باید آگاه باشد

معلم باید آگاه باشد یعنی درکارهای خود آثار بصیرت نشان بدهد مثلا بعضی اطفال کتاب ندارند یاکاغذ کم دارند یاکاغذ ندارند وتازمانی که این نواقص تکمیل بشود تمام کلاس بیکار خواهد ماند و مجال مناسبی برای هیاهو وهمهمه دست خواهد داد حتی الامکان باید ازتقسیم یك اطاق بدو کلاس احترازنمود زیرا تجربه شده است این اقدام باعث بی نظمی هردو کلاس وضرر های دیگری میگردد معلمین باید قبل‌از درسهای کتبی دقت نمایند بکاغذ ها قلمها دواتها همچنین پیش ازدرس رسم (نقاشی) نیز باید بقلم مداد ها و مداد پاك کن ها ودفتر ها وکاغذ

های محصلین دقت نمود نواقص آنهارا باید برطرف کرد خلاصه معلم باید درهر درسی لوازم خود وشاگردان خودراحاضر یادردسترس خود واطفال بگذارد

تعلیمات عمومی قواعد اصلی و اساسی نظام و انتظام را چنانکه گذشت بیان کردیم و اینك پاره ای تعلیمات که بموجب آنهامیتوان از کیفیت اجراوتطبیق قواعد مذکوره آگاه گردید ذیلا مینگاریم

ـ۱ـ باید معلم جای خودرا طوری قرار دهد یا بطوری بنشیند یا بایستد که بتواند بدون اشکال شاگردان خودرا به‌بیند

ـ۲ـ معلم باید خودرا بزود دیدن عادت بدهد یك معلم کارآزموده میتواند که بخوبی وبا سرعت فرق میانهٔ یك طفل وظیفه شناس کارکن ویك بچهٔ اهمال کاریکه برای فرار ازوظیفه اوقات خودرا صرف کارهای بی ربط میکند بگذارد

ـ۳ـ معلم باید زود بشنود و صدا هارا ازیکدیگر تمیز بدهد مثلا وقتی که پای تخته ایستاده مشغول حل مسئله یا نوشتن چیز دیگر است اگردرآخر کلاس صدای‌همهمه یاحرکات ناهنجاری بشنود بایدفوری مطلع وبجا آورندهٔ آنرا تمیز بدهد که اطفال یقین کنند که معلم از پشت سرهم میتواند خطاهای آنانرا درك نماید

ـ٤ـ معلم باید کوچك‌تر وساده ترین بی نظمیها را بانظر اهمیت تلقی کند زیرا هر قدر اصول انضباط جامع و منظم باشد بهمان قدر احتیاج بحرکات ناهنجاریکه درتأدیب اطفال ازمعلم سرمیزند کمترمی گردد با یك نگاه تند ممکن است که از حرکت خارج از نزاکت یك طفلی جلوگیری نمود وبا گذاشتن یك انگشت بردهن یا کتاب یا

لوح دستی میشود که صورت یك اخطاری‌را درنظر وی مجسم ساخت و اگر فرضاً معلم این وسایل را برای رفع یك بی نظمی وخاموش نمودن یك همهمه‌ای کافی نیابد میتواند بوسیلهٔ یك‌سؤالی که‌مثلا بگوید«احمد آقا فلان چیز چه شد» مقصد خودرا حاصل نماید

-۵- آزادی که باطفال داده میشود باید . اده قطعی ومختصر بوده و زود فهمیده شود مثلا وقتیکه میخواهد بگوید « حسن آقا خواهشمندم بایستید یابنشینید» تمام کلاس‌را مخاطب نساخته ونگوید بایستید یابنشینید

-٦- باید فرمانیکه بطفل میدهد عین آنرا بار دیگر تکرار نکنند یك معلمی که اوامر خودرا پی درپی وبتکرار القا میکند ازاین است که نتوانسته است کاری کند که شاگردان‌را باطاعت فرمان نخستین خود عادی گرداند

-۷- نباید اوامری که معلم میدهد بایکدیگر متضاد باشند معلمیکه اوامر مختلف و گوناگون بدهد یا مابین اوامر اوتناسب نباشد هیچگاه اراده اش بموقع اجرا گذارده نخواهد شد

-۸- قبل‌ازاینکه یك امری کاملا بموقع اجرا درآید نباید بصادر نمودن امرجدیدی مبادرت شود چرا که این حرکت حالت تردیدمعلم را باطفال نشان داده ودیگر سریع‌الاطاعه نخواهند بود

-۹- باید همیشه معلم بر خود اعتماد کند یعنی یقین بداند که هرچه بشاگردان خود میگوید اطاعت خواهند کرد وهیچگونه تخلف و سرپیچی ازاوامروی نخواهند نمود معلمی که‌احتمال‌می دهد شاگردانش اوامر ویرا اطاعت نکنند یا بیکی از حرفهای او بی اعتنائی نمایند باید خودرا بیچاره وعاجز بشمارد

-۱۰- هیچگاه نباید معلم شاگردان خودرا تهدید نماید که مثلا

«چنین و چنان خواهم کرد و این طور شمارا مجازات خواهم نمود» و اگر هرآینه وضعیت و چگونگی احوال یك وقتی هم مقتضی وعید و تهدید گشت اولا حدود تهدید و طرز مجازاتیرا که میخواهد بوسیلهٔ آن از تخلف کنندگان جلوگیری بنماید درفکر خود موازنه و برآوردی کرده وبعد آنرا اعلان نماید وچنانکه اعلان نمود باید در اجرای آن جدیت کامل بخرج داده و کاری نکند که اطفال ضعف اراده ویا قلت جسارت وانحلال سلطه ونفوذ ویرا احساس نمایند

ـ۱۱ـ معلم نباید همیشه باصدای بلند تکلم کند بلکه باید کلماترا آهسته و بیك اسلوبی بیان نماید که صدای او بگوش اطفال مطبوع و خوش آیند واقع شود معلمی که همیشه داد و فریاد کرده و مطالب و قضایای عادی را با نعره وآواز بلند بیان کند اگر بخواهد در مواقع فوق‌العاده امر ونهی شدیداللهجه یا «تشری» بزند بی وسیله خواهدماند برای اینکه او شدت وحدت درتکلم را درموقع عادی بکار برده است به علاوه معلم باید شاگردانیرا که ثقل سامعه یاضعف چشم دارند رعایت کرده درموقع تدریس آنها را درقسمتهای جلوی کلاس بنشاند

ـ۱۲ـ معلم نباید با شاگردان شوخی ومسخرگی نماید چه این حرکت طبعاً موافق مذاق تربیت نموده واز این گذشته چه بسا که بدو نتیجهٔ غیر مطلوب یعنی جوابهای خالی ازنزاکت کودکانهٔ اطفال و یا نفرت و کراهت آنها نسبت بمعلمین منجر گردد علاوه بر آن معلم شوخی کن هیبت ومنزلت خودرا درنظر اطفال ساقط وضایع میگرداند

ـ۱۳ـ فرمانیکه برای نشاندن یك طفلی بجای خود ویا برای وادار نمودن او بسعی و عمل از طرف معلم صادر میشود اگر کافی و سریع نباشد بالطبع عملی شدن آنهارا هم نباید منتظر بشود وامریکه برای اطاعت

اطفال سزاواری وصلاحیت داشته باشد هیچگـاه معلم دچار زحمت اجرای آن نخواهد شد

- ١٤ - معلم باید چیز هائی را کـه سبب ظهور بی انتظامی در اطفال میگردد برطرف سازد باید اطفالی را که ازفرصتهای بیکاری برای شیطنت استفاده کرده‌و موجب تضییع وقت‌خود و دیگران میشوند مشغول کار کرد وباید کار هائی که‌از برای مشغولیت آنها داده میشود موافق ذوق وتمایل‌خود آنها باشد دراثنای‌درس اگرلازم شود که‌بشاگردان یك چیزی نشان بدهند آنهائی را که در قسمتهای عقب قرار گرفته اند ممکن است اجازه دهند برای دیدن آن چیز بایستند و پس از دیدن دوباره بجای خود بنشینند

-١٥- باصطلاح فن تربیت انتظام بمؤدب وساکت و آرام نشستن اطفال تعبیر نشده زیرا بدیهی است طفل کارکن البته حرکت وسکون وصدا وهیاهوئی دارد واین معنی هیچوقت بربی نظمی دلالت نخواهد کرد اطفال‌تنبل وبیعرضه وبیکاره‌آرام‌وبی‌صدا هستند کلاس بی حرکت وجنبش مقبرهٔ اموات متحرك است بنابراین باید اطفال‌را آزادنمود تا یك مقداریکه ازحدود طبیعی خارج نـگردد و صورت انتظام را برهم نزنند حرکت وجنبش داشته باشند

-١٦- وقتیکه معلم به بیند چند نفر طفل نزدیك هم نشسته هیاهو وجنجال مینمایند باید فوری ایشان را ازهم جدا بنماید

-١٧- اگر معلمی دفعتاً یك کـلاسی را منقلب وبی‌نظم یابدولی موجب و مسبب را نشناسد مطلب را ندیده فرض نموده داخل کلاس شود وچون امروز مسؤلیتی رخ نداد بنا براین طفلیکه موجد آن بی نظمی است باز جرأت کرده روز دیگر بالطبیعه اخلاق دیروزی خودرا

ظاهر میکند آنوقت باید بلا تأمل ویرا مجازات داده و نگذارد که فرصت از دست برود چه اگر فرصت را تضییع کرده و در جلوگیری طفل اهمال نمود ممکن است که کار بجائی برسد که ضررش بیش از فایده‌اش بشود

ـ۱۸ـ فرمانهای اجتماعی که باطفال داده میشود نیز خدمت شایسته‌ای بتقویت ونظم وانتظام خواهد نمود مثلا اگر در اثنای درس بقدر دوسه دقیقه معلم شاگردانرا باحرکات بدنی وتنفسی فرمان بدهد هم عضلات آنان را قوی کرده و هم قوای اطفال را بوسیلهٔ یك حرکات ساده ای اعاده داده است

ـ۱۹ـ بمقتضای آخرین طرز و اسلوب تربیتی جدید اطفال را نباید زحمت زیاد داد ونباید آنها را بی تاب وبی حوصله نمود بلکه باید آنهارا در ضمن یك حدودی که نظامات و قوانین و آداب تربیت مدرسه وتحصیل درآن مراعات شده باشد آزاد ساخت چه تجربه شده است که فشار زیاد باعث انفجار میگردد



فصل هفتم

« فرق میان انضباط و انتظام »

« غایت و منظور انضباط چیست »

اهمیت نظامات وشرایط آنها ـ باید دراوامر صادره عمومیت باشد - اوامر را باید بخوبی فهمانید - فرمان هائیکه میدهیم باید طبیعی ومعقول باشد - باید فرمان های مذکور قابل اجرا باشد باید فرمان هارا پس از ابلاغ بموقع اجرا گذاشت - فرمان‌ها باید کوچك ومختصر باشد - نخستین دستور معلم را اراده‌وی تشکیل میدهد - اراده چگونه تشکیل میشود - عادت حافظ اراده است — عادتها باافعال وحرکات تشکیل می‌یابد - اطفال را بایدبر استگوئی عادت‌داد - معلم باید راستگو باشد - بچهای دروغگوی را نباید مجازات شدید کرد - نباید باطفال گفت دروغگو هستید - پرسشهائی که برای جواب دروغ مجالی درست کند نباید ازطفل نمود - اطفال را باید واداشت که غلطهای تکالیف خودرا بخودی خود اصلاح نماید - بانهائیکه تردستی در رونویسی و کوپیه مطالب دارند نباید میدان داد - باید فضائل ومناقب آدم‌های راستگو را باطفال حالی نمود - باید اطفال را عادت داد که قیمت وقت خودرا بشناسند و آنهارا عادت داد که دیر بمدرسه نیایند - اطفال را باید بنظافت و پاکی عادت داد وسائطی که برای تحصیل غایت ونتیجهٔ انضباط بکار میرود، رقابت، محذور های رقابت- تمجید و ستایش و سرزنش - کیفر و پاداش پاداش وتعریف آن وحدود آن - حس نیك بینی - حس وظیفه‌شناسی

فرق میان انضباط و انتظام

سجیه و اخلاق مخصوصاً درسایهٔ انضباط تشکیل ونمو میکند انتظام تابع انضباط است جائیکه انضباط نباشد انتظام نیست غالباً دیده میشود که تفاوت مابین انضباط وانتظام راگم میکنند وحال اینکه این دواصل با یکدیگر

متفاوت و فرق کلی دارند غایت ومنظور اصلی از انتظام این است که نسبت بفرمانهائیکه داده میشود اطاعت سریع بعمل آید وغایت و منظور از انضباط این است که نسبت بفرمانها و وجود آنها احتیاجی باقی نماند انتظام عبارت از اصول اوامر و نواهی قوانین دولتی است (بایدچنین شود یانباید چنان شود) لکن انضباط عبارت از قواعد واصول حکومت شخصی است یعنی انسانها بخودیخود خویشتن را اداره نمایند و محتاج بقوهٔ مجریهٔمافوق خودنشوند انتظام بیك طفلی میگوید« تو بایدچنین بکنی یاچنان نکنی» ولی انضباط بوی میفهماند که چگونه زمام خودرا بدست بگیرد که بتواند بگوید «من چنین میخواهم وچنان خواهم کردیانخواهم کرد».

غایت و منظور از انضباط چیست؟

اطفال کوچك حس اخلاقی ندارند یعنی نمیتوانند که مابین راست ودروغ فرقی قائل بشوند آنها را باید براستی واداشته واز دروغ باز داشت در هر کاری که اطفال خرد سال میکنند یا نمیکنند درتحت تأثیر بیم وامید وعوامل دیگر محیط میباشدولی آدمهائیکه خوب تربیت یافته باشند هیچگاه تابع عوامل خارجی ومحیط نشده حق وباطل را در ترازوی عقل خود سنجیده هرچه میکنند بواسطهٔ راهنمائی خود ووجدان میباشد آنهااگر راست بگویند یاراستی را بجا آورند نه از برای اینست که مأمور باین امر شده اند و همچنین اگر دروغ نگویند نه از برای اینست که از دروغ گفتن ممنوع هستند بلکه چون راستی را موافق حق ودروغ را نتیجهٔ باطل شناخته اند لذا راستی را پیشهٔ خود ساخته واز دروغ احتراز جسته اند اگر فرض کنید که قوانین اجتماعی هم تغییر بنماید یعنی بخواهند حق را جایگزین باطل قراردهند باز می بینید آنهاخط حرکت خود را تغییر نداده وبر همان رویه ایکه بر اساس آن تربیت شده اند

سیر مینمایند زیرا این نوع مردم برای خود با دیگران یك مسلکی را تعقیب میکنند که طبیعت ثانوی آنهاشده وقابل تغییر نیست اینست غایت و منظور اصلی ما از انضباط حقیقی ـ اطفال بی اخلاق یعنی آنهائی که هنوز برای راستی مزیتی و برای دروغ منقصتی نفهمیده اند در سایهٔ تربیت صحیح می توانند ازهمان طبقه مردمانی بشوند که راستی رامحض راستی بجا آورده وبرای قباحتی که در دروغ می بینند از ارتکاب آن پرهیز بنمایند وبالاخره در آنها یك سجیه و ماکه وخلقی تکوین شود کهاصلا ارادهٔ باطل را نتوانند وبرای وصول بیك چنین غایت و منظوری بایداطفال را طوری تربیت کرد که خویشتن را براه راستی متوجه کنند و بعبارة اخری خودآمرو ناهی خویش بشوند وباید آنهارا طوری ارشاد و راهنمائی نمود که بخودی خود بتوانند حلقه های زنجیری که عقل و منطق آنان را باعقل و منطق دیگران بسته است شکسته بالاخره ملکهٔ عزت نفس، معرفت نفس وضبط نفس درنهادشان موجود و تکوین گردد معنی عزت، نفس اینست که انسان مقام خود را تشخیص داده خویشتن را رعایت نماید معرفت نفس یعنی خویش را بشناسد و اهمیت خود را تقدیر نماید ضبط نفس یعنی دارای قوهای شود که در سایهٔ ان بآنچه لازم است اقدام و از انچه شایسته نیست احتراز بجوید

اهمیت نظامات و شرایط آنها

برای اینکه یك شخصی را بخودی خود تابع اوامر ونواهی قرار بدهیم و برای اینکه در وجود او قوه اي که ویرا قادر بر ارادهٔ خویش بنماید تولید کنیم لازم است چنین شخصی را از اوان خردسالی بر اطاعت اوامر و نواهی تربیت و عادت بدهیم آنانکه میتوانند در ادارهٔ شخصی خود مظهر یك موفقیتی بشوند بدون شك این موفقیت را دراثر پیروی

خود از اوامر عمومی و قوانین موضوعه حاصل نموده اند اطفالیکه از کوچکی عادت باطاعت نظامات بنمایند شکی نیست که در کمال سهولت عادت باطاعت از قوانین مملکتی و مقررات احکام الهی خواهند نمود حال که قیمت واهمیت نظامنامه ها و اصول اداری مدارس معلوم گردید باید دید که چه قسم نظامات شایستهٔ اطاعت بوده و شرایط آنها از چه قرار می باشد .

اوامر باید دارای جنبهٔ عمومی باشد

اوامر باید جنبهٔ عمومی داشته باشد تأثیر و فعالیتی که اوامر عمومی در تشکیل سجایای اخلاقی بخرج میدهد خیلی بیش از تأثیر و فعالیتی است که از اوامر خصوصی میشود حاصل نمود مثلا بجای اینکه بمناسبت یك واقعه‌ای معلم بخواهد بشاگرد خود بگوید در این قضیه راست بگو باید بگوید « حقیقت را بگو » راستش را بگو زیرا در فرض اول مثل اینکه معلم از شاگرد خود تقاضا کرده است که تنها دراین قضیه راست بگوید در جاهای دیگر دروغ گفتن او خلاف نیست ولی از امر ثانی مستفاد میشود که همیشه باید راست گفت ونباید حقیقت را پنهان کرد

باید اوامر را بخوبی فهمانید

اوامر را باید بخوبی فهمانید چه اوامریکه نتوان آنهارا بمأمورین زیردست فهمانید بالطبیعه بمورد اجرا هم گذارده نشده واگر بشود بیروح و بلادوام خواهد بود بنابراین اوامریکه مراد از آنها معلوم نباشد ممکن نیست که از بی اطاعتی وتکرار مصون و داخل درحکم عادت وملکه بشوند

فرمانهائیکه میدهیم بایدطبیعی ومعقول باشد

فرمانهائیکه معلم میدهد باید معقول بوده باشد معقولیت اوامر را نه‌تنها باید نسبت بحرکات و اطوار اختصاص دادبا که باید در تکالیف درسی هم این

قاعده رعایت شود چه اوامریکه فوق طاقت و دور از ذهن باشد عاطل مانده وشاگردان درعدم اجرای آن ذیحق خواهند بود

فرمانهای مذکور باید قابل اجرا باشد

فرمانهای مذکور باید قابل اطاعت وممکن الاجرا باشد یعنی هر امریکه بطفل میدهند باید آن را بطور کلی وبدون استثنا اطاعت و بجا آورد از اینرو باید اوامر را قبل از صدور سنجید وهر امریکه در آن شك و تردیدی تصور شود یا تصادف آن را بایك مانعی ملاحظه نمایند اصلا ابلاغ و اخطار ننمایند

فرمانهارا باید پس از ابلاغ بموقع اجرا گذاشت

یعنی فرمانها را پس از ابلاغ نباید تغییر داد و از هر حرکتی که بر خلاف مداول اوامر صادره باشد باید جلوگیری نمود در مورد صدور هیچ خطائی معلم نباید بگوید « این بار گذشت به‌بینیم اینمرتبه چه خواهی کرد تصور مکن بعداز این اگر خطا کردی مثل سابق قابل مسامحه و گذشت باشد » خلاصه فرمانهائیکه در اجرای آنها تعلل و مسامحه شود رشتهٔ انتظامات را مختل کرده برعکس اسباب ضعف ومحکومیت قطعی خواهد شد

فرمانها باید کوچك و مختصر باشد

اگر مواد قوانین زیاد و پر تعداد بشود طبعاً در ذهن اطفال محفوظ نخواهد ماند فرمانهائی که مفهوم و مطلوب نباشد دراطاعت آنها نیزمسامحه خواهد شد و از این گذشته نباید وقت شاگردان را به ازبر نمودن فرمانها اشغال کرد بلکه باید علاوه بر کوچك و مختصر بودن اوامر باطفال وقت داد که آنهارا فهمیده وعادت باطاعت آنها پیدا کنند

یگانه دستور معلم چه خواهد بود ؟

یگانه دستور معلم باید اجرای اوامری باشد که در نتیجهٔ عملی شدن آنها سجیهٔ انضباط در نهاد اطفال پدیدار گردد کلیهٔ قوانین مدرسه و عموم نظامات را باید برای حصول نتیجهٔ مذکوره فوق « ایجاد عادت انضباط » تعقیب نمود

اهمیت عادت

عادت در تشکیل اراده خیلی کمك مینماید اگر چه هر کسی بفراخور حال خود میتواند خطا و صواب و راستی و کجی را درك نماید ولی در اوامر الهی احکام بسیاری یافت میشود که با وجودیکه حکم ومصالح آنها بر پیروان پوشیده نیست معهذا کاملا بموقع اجرا نرسیده ودرهر حال باید دانست که سجایا واخلاق فقط بوسیلهٔ نصیحت وصحبت و امثال آن در نفوس بشر تشکیل نمی یابد ویگانه عامل اصلی سجایا عبارت از افعال و حرکات ذاتی اراده و طرز ادراك وتکرار حرکات میباشد

عادت از موجبات اراده است

همینطور که وجود قوهٔ حافظه از برای معلومات لازم است همچنین وجود عادت برای تکوین اراده نیز لازم است پس عادت از موجبات اراده است انسان یك دسته معلومات را در ذهن خود ذخیره نموده ودرهنگام احتیاج آنها را بمیدان عمل میآورد همچنین وقتیکه ارادهٔ انجام یك عمل یا اقدام بیك کاری داشته باشد به تصمیم‌ها و قرارداد هائیکه در هر واقعه بجا آورده است رجوع کرده و اراده‌ای که با یکی از تصمیم ها و قرار های سابق سنخیت و مشابهت داشته باشد ابراز خواهد نمود در اطفال اراده نیست بنابراین باید فوق العاده دقت شود که بوسیلهٔ اصول انضباط این قوه درآنها تکوین گردد عادت ضبط نفس، عزم وتصمیم وانتظام خیلی

دراین قسمت یعنی ایجاد قوهٔ اراده مدخلیت خواهد داشت باید هوسها وآرزو هائیکه از اطفال سرمیزند تابع انضباط نمود و کیفیتی را که در اجرای آنها لازم است باید باطفال آموخت تا بالاخره قوهٔ اراده آنان بیك نسق ویك نواخت بشود همچنین باید اطفالرا ازوجههٔ انضباطی باتخاذ ملکهٔ عزم و تصمیم عادت داد راجع بکارهای مختصهٔ باطفال هیچ نظریه‌ای را نباید پیش گرفت وبلکه باید آنهارا آزاد ساخت که برای ادارهٔ امور ووسائل مربوطهٔ بخویش هرقسم نقشه‌ای را که مفید وعملی بدانند اجرا کنند وبالاخره مادامیکه ملکهٔ عادت در اثر تکرار حرکات و افعال حاصل میشود لازم است که معلمین هم بنوبهٔ خود مسئولیت خویش را تشخیص داده و اطفال را بتکرار حرکات و اطوار مستحسن ومرغوب معتاد کرده واز این رهگذر عادات ستوده وزیبا را در شاگردان و اولاد خود پرورش بدهند

عادتها باافعال و حرکات تشکیل می یابد

هیچ نوع فضیلتی را بصرف دیدن وبلکه تحسین وتمجید نمیشود حاصل نمود بلکه یگانه وسیلهٔ اکتساب وتحصیل هر فضیلتی دراین است که انسان آنرا بطور مکرر درمکرر بجا آورد، همچنین ایجاد هرعادتی که در اطفال مطلوب شود باید برطبق همان قاعده یعنی تکرار بوده باشد

باید اطفال را براستگوئی عادت داد

چیزیکه بیش از تمام سجایا اطفال را بپافشاری و اصرار در پیشرفت مقاصد خودشان وا میدارد همانا سجیهٔ راستی وعادت درست کرداری است

همانقدر که هوا و آب برای حفظ حیات مادی لازم است بهمان درجه راستی ودرست کرداری هم برای نگاهداری حیات اخلاقی لازم میباشد اشخاصی که بنامردی ونادرستی معرفی میشوند در حقیقت سببی بجز

ابتلای آنان بعادت دروغ ندارد جسارت و شجاعت حقیقی هیچگاه با
دروغ گوئی انس‌وامتزاج نمی‌یابد دروغ گو همیشه حقیرو ترسو میباشد

معلم باید راستگو باشد

هرمعامی که بخواهد شاگردان خودرا‌راستگو بار آورد اول لازم است که خودرا باین صفت متصف کند وآن معلمیکه وقار وحیثیت خودرا
مراعات نکند حرفها و مطالب بی لزوم را باطفال بگوید بدون شك
خویشتن را هدف تمسخر وریشخند آنان قرار میدهد و باید دانست که
معلم نه‌تنها باید مقید شود که قضایای دروغ وغیر واقع را ذکر نکند
بلکه باید مواظب شود که آنچه را میگوید نیز بجا آرد مثلا اگر یك
طفلی را تهدید بمجازات نمود یا باو گفت اگرفلان کاررا کردی یا
نکردی تأدیب خواهی شد حقیقة در زمینهٔ بروز خطا باید بهرقسمی باشد
اورا تأدیب کنند زیرا این نکته یعنی و عدو وعید نمودن و برطبق آن
عمل نکردن باعث‌لاقیدی وسستی ایمان وعقیدهٔ شاگردان نسبت براستی
و اهمیت آن خواهد گردید واز این گذشته تدریجاً عادت راست گوئی
ودر نفس معلم ضعیف وتقیید بآن را غیر لازم خواهد شمرد بنابراین‌معلم
باید همواره گفته های خود را تعقیب کرده وهرچه میگوید برطبق‌آن
عمل بنماید مدیرانیکه با حرفهای پر زرق وبرق وحالت دوروئی رفتار
کرده ودر مقابل مأمورین رسمی خود را باهمت و کارکن نشان دهند
و با اشخاصیکه بدیدن مدرسه میآیند در نهایت درجه تواضع و کوچك
نفسی‌رفتار نمایند ودر موقعیکه مفتشین وزارت معارف بمدرسه میآیند در
اداره وانتظام‌امور مدرسه چابك وزبر دست ودر اوقات دیگر ازپی‌راحت
وتن پروری و کارهای شخصی خود رفته یادرانجام تکالیف خوداهمال
میکنند وظیفه ناشناس وریاکار هستنداین‌نوع مدیرهاسزاوارزمامداری

نبوده وحق اولویت را در ادارهٔ امور مدرسه نباید داشته باشند

اطفال دروغگو را نباید مجازات سخت داد

علت اصلی از دروغ همانا خوف از کیفر و مجازات میباشد وقتی که اطفال مصدر یك خطائی میگردند بامید نجات خود متوسل بدروغ میشوند بهر اندازه درجهٔ مجازات سخت باشد بهمان نسبت احتیاجشان بدروغ بیشتر میگردد پس برای جلوگیری از نتایج غیر مطلوب مجازات باید حتی الامکان از درجهٔ سختی و شدت آن کاسته شود اگر اطفال بدانند که بوسیلهٔ دروغ نمیتوانند موفقیت در نجات خود حاصل کنند یعنی بدانند که معلم را نمیشود با حرفهای خوش صورت و راست نمای خود اغفال نمود بالطبیعه موجبی هم برای دروغ گفتن ندیده واز این رو تدریجاً حس تمایل بدروغ درمزاج آنان ضعیف و بالاخره رو بزوال خواهد رفت

نباید باطفال گفته شود دروغ میگوئید

معلم تادلیل قطعی برای اثبات دروغ گفتن طفل نداشته باشد نباید بطفل بگوید که تو دروغ می گوئی و هرگاه دلیل او موجه باشد آنوقت نیز بطور کلی بطفل بگوید که تو دروغ گو هستی بلکه باید بگوید که تو درفلان قضیه مخصوص دروغ گفته ای بااظهار اطمینان نشان دادن اعتماد خود برصحت گفته های یك طفلی میتوان اورا براستگوئی وشرافت نفس عادت داد چه اطمینان اعتماد اخلاقی اساس موفقیتهای فردی و عمومی است

سؤالهائیکه باعث جوابهای دروغ میشود نباید از اطفال نمود

معلمی که معلوم کرد شاگردوی مرتکب فلان قباحت یافلان تقصیر گردیده است نبایدطوری ازاو بازخواست کند که راه دروغ رابرای طفل باز نماید مثلا اگر یك بچه ای بر خلاف

اخطار مدرسه بساحل دریا یادریاچه بیرون شهر رفته باشد ومعلم بخواهد از او سؤال کند که دیروز فلان جا رفتی کی همراه تو بود باید سؤال را باین ترتیب براو القا نماید « بگو به بینم در کنار دریا یادریاچه یاخارج شهر چند ساعت ماندی ؟ غیراز خودت که بود ؟ » چرا که طفل در مقابل این نوع سؤال راهی برای سرپیچی و فرار از ذکر حقیقت نمییابد ولی اگر از اول پرسیده شود « امروز چه کار کردی ؟» «فلان هم با تو بود» ممکن است از کیفیت سؤال مجال دروغ را در مقابل خود یافته وبجوابهای غیر واقع متوسل وباین وسیله طریق دروغ گوئی را در مقابل طفل باز نماید در صورتیکه اطفال را باین نوع گفتار هائی که راه دروغ و اغفال را نشان بدهد مواجه گردانند بالطبع قوهٔ حاضر جوابی برای دروغ را پیدا کرده و اصول پشت هم اندازی را تدریجاً فرا خواهند گرفت

اطفال را باید وادار کرد که غلطهای دیکته وتکالیف خود رابخودی خوداصلاح نمایند ؟ -» اطفال خیلی کوچك هنوز حس شرافت ذاتی پیدا نکرده اند از این رو نمیشود آنهارا وادار باصلاح غلطها و اشتباهات خودشان نمود ولی آنهائیکه سنشان بالنسبه زیادتر و در حدود یازده یادوازده سال باشد باید مکلف شوند که بادست خود خطاها و غلطهای خودرا اصلاح نمایند وبرای اینکه اطفال بزرگ خودشان مازم باصلاح غلطهای خود بشوند لازم است معلم غلطها را روی سیاه تخته نوشته و آنها را شفاهاً بیان وتکرار کرده و اطفال را مکلف کند که الفاظ غلط خود را در دفتر های خود از روی نوشتهٔ او صحیح بنویسند علاوه بر این خود معلم نیز در طرز اصلاح و سایر کار های کتبی آنهارا نظارت نماید واین یکی از وسائل مؤثر و عملی برای ایجاد حس « حیثیت

طلبی » وشرافتمآبی در طبیعت اطفال خواهد بود معهذا معلم نباید از ملاحظهٔ کوچکترین اشتباهات غفلت کند بلکه لازم است همهٔ تکالیف شاگردان خود را با کمال دقت از نظر خود بگذراند

باطفالیکه ممکن است تکالیف خود را کپیه کنند نباید میدان داد

مسئلهٔ کوپی و رونویس دروس وتکالیف یکی از طرق غیر مستقیم دروغ گوئی و فساد اخلاق اطفال میباشد بنا براین باید معلم همیشه از این نوع تقلبها قویاً جلو گیری بنماید وبهر وسیله‌ای که اطفال را از این عمل ناشایسته مانع میشود توسل جوید و در طرز نشستن آنها دقت لازمه‌را بخرج‌دهد وباید دانست اطفالیکه ترتیب کپی را بدیگران یاد میدهند درنظر قانون ونظام تربیت مدرسه مقصر تر از آنهائی هستند که دروس خود را کپیه نموده اند چه اینها قطع نظر از اینکه راهنمای تقلب و دروغ غیر مستقیم شده اند کاری کرده اند که استعداد طبیعی طفل بحالت‌خود باقی مانده و هوش وحرکات‌وی‌صرف حرکات ناشایسته گردد باید باطفال حالی نمود که خطائی‌را که ایشان مرتکب میشوند دو قسم است یك قسم آنست که اورا نزد مردم خجل و شرمسار مینماید وقسم دیگر آنست که ویرا درنظر خود و وجدان خود شرمنده میدارد و این نوع کار های تقلبی را هرگز نباید بجای آورد زیرا اگر ظاهرشود باعث خجالت درنظر غیر واگر مخفی بماند سبب شرمندگی پیش خود میگردد (۱)

(۱) قل انما حرم ربی‌الفواحش ماظهر منهاومابطن والاثم والبغی بغیرالحق : میفرمایدکه بگو خدای من تمام حرکات ناشایسته را اعم از اینکه آشکار یا پنهان وگناه ویا سر کشی بحکومت و دولت باشد منع فرموده است (یستحبون من‌الناس ولا یستحبون من‌الله و حرمهم) کار های بد خود را از مردم مخفی میکنند ولی‌ازخدا که همیشه باآنهاست‌مخفی نمیدارند البرماسکنت الیه النفس واطمئن الیه القلب والاثم

باید مناقب و اوصاف اشخاص راستگو را برای اطفال نقل نمود؟

باید اطفال را از مناقب و فضائلی که رجال و اشخاص راست گو دارا بوده اند واقف واز آن موقعیت های سخت ودشواری که برای راستگو های عالم یاوطن پیش آمده ودر همان حال باز هم محض خلاص خود پناه بدروغ نبرده‌اند آنان‌را آگاه‌ساخت ترجمهٔ حیات وشرح احوال این نوع ذوات اگر از برای اطفال نقل شود ودرضمن نقل وتعریف صفت راستگوئی آنان را مدح وثناو آفرین بنمایند بالطبع حس خوش آمد خواهی دراطفال بحرکت آمده وآنها را مانند همان اشخاص مذکور راست گو وجسور وطرفدار صفت شهامت ومردانگی ودشمن دروغ میگرداند خصوصاً اگر مشاهده کنند که حقیقة بواسطهٔ اتصاف براستگوئی وپرهیز ازدروغ مورد تمجید وقدردانی واحترام واطمینان و اعتماد معلم شده‌اند

دروغگوئی دراطفال

اگر یك طفلی دروغ بگوید نباید فوراً او را دروغگو شمرد اطفال تاسن پنجسالگی نمیتوانند فرق راست‌را ازدروغ بگذارند بنابراین نه‌راست میگویند ونه دروغ طفل قبل‌از اینکه حرف زدن‌را یاد بگیرد کوشش بتکلم میکند در چنین موقعی فکراطفال مانند پرنده های کوچك‌ارزان وهیچ آرامی ندارد در این هنگام هنوز نتوانسته‌اند که مثل آدم های بزرگ فرق مابین (باه یانه) را بگذارند در این وقت است که میل بتکلم در کودکان تحریك یافته و بلند بلند حرف میزنند تا از طرز صحبت و آهنگ صوت خود محظوظ بشوند وچه بسا اتفاق میافتد که

مالم تسکن‌الیه النفس ولم یطمئن الیه القلب) ثواب آن چیزیست که نفس را قانع و قلب را مطمئن و خشنود گرداند وگناه آن چیزیستکه نفس را پریشان وقلب را حسرت زده و ملول گرداند

طفل فقط برای اینکه خود صدای خود را بشنود یك سلسله الفاظ و کلمات بی‌معنی را تکرار مینماید ، تصوراتی که اطفال خردسال دارند بحدی حقیقی است که هیچ تفاوتی را درذهن نمیتوانند مابین اشیاء واقعی و خیالی بگذارند ویکی ازحالات مختصهٔ بآنها اینست که همیشه سعی دارند اشیائی را که با یکدیگر مخالفت دارند یك شکل نشان داده و کوشش دارند که آنچه را آرزو میکنند میسر گردد و بالمره نمیتوانند که فوراً مابین مطالب خود ازحیث امکان یاعدم آن بگذارند یابفهمند در این صورت اگر بخواهیم حکم بر دروغ گوئی یك بچه‌ای بکنیم لازم است که‌این قبیل ملاحظات نظر دقت مارا جلب نماید

باید قیمت وقت را باطفال حالی کرد

یکی از فضایل اخلاقی درخشلق انسان اینست که قیمت وقت را فهمیده و عادت کند که هر کاری را در وقت خود بجا آورد وبنا براین لازم است که اولاد خود را از کودکی از اهمیت وقیمت مادی یامعنوی وقت آگاه کرده آنان را عادت دهیم که وقت هر کار و هر چیز را شناخته وآنچه را میکنند در وقت مخصوص خودش بوده باشد و برای عملی کردن این مرام نخستین چیزیکه لازم است اینست که اولا خود معلم مواظبت از وقت کرده تمام اوقات و ساعات دروس و حضور در مدرسه را بنقطه مراعات و اجرا نماید چه معلمی که نتواند این حالت را نشان داده وقیمت و احترام وقت را بطور عملی باولاد خود سر مشق بدهد باید یقین داشته باشد که آنهاهم هیچ وقت اهمیت وقت‌را درك نخواهند کرد

باید اطفال را عادت داد که دیر بمدرسه نیایند

یکی دیگر از عواملیکه در ایجاد حس (وقت شناسی) اطفال اثر و نتیجهٔ محسوس دارد اینست که آنها را عادت دهند که بوقت معین بمدرسه و سر کار خود حاضر شوند و بدیهی است که دیر آمدن اطفال بمدرسه غالباً یا بواسطهٔ مسامحه کاری و بی اعتنائی خانوادهٔ آنها و یا بواسطهٔ خودشان است درصورت فرض اول معلم باید بوسیلهٔ مکاتبه یا ملاقات باولی طفل مضرتها و خسارتهائیرا که ممکن است برای یك طفلی در نتیجهٔ تأخیر وی از حضور در وقت معین بمدرسه دست دهد باو خاطر نشان کرده و مثلا باو بگوید اگر فرض کنیم فرزند شما روزی پنجدقیقه (که هیچ بنظر نمیرسد) بمدرسه حاضر نشود درهفته ازچندین درس محروم و درظرف یکسال بقدر صد روز از تحصیل عقب خواهد بود و خلاصه نظر اولیای اطفال را باینگونه خسارات معنوی جلب کرده و آنچه ممکن است امثله و شواهد برای مجسم کردن خسارات مادی دیر آمدن طفل ذکر نمایند و اگر در صورت فرض ثانی معلوم شد که علت دیر آمدن یك طفلی همانا لاقیدی و تنبلی یا بازی گوشی خود اوست باید علاج بترك این عادت را طوری قرار بدهد که هرقدر دیر آمده باشد دو برابر آن مدت ویرا بدیر مرخص شدن مجازات نمایند و اگر با این ترتیب علاج نشد او را مأمور کنند با برادران و همشاگردهائی که در همسایگی او هستند بمدرسه بیاید و یك نوع مشوقات و کارهای جالبی را درساعات اول تدریس قرار بدهند مثلا پروگرام را طوری تنظیم نمایند که دروس شوق آورنده و جالب خوشحالی ساعات اول تدریس قرار گیرد و نام اطفالیرا که بوقت میآیند یادداشت کرده هرماه بطور اعلان برای سایرین بخوانند و فوائد بوقت آمدن آنها را شرح دهند و حس رقابت زود آمدنرا مابین کلاسهای

متعدد مدرسه تولید کنند وباینواسطه شاگردان هر کلاسی را وادارند که خود آنها برادرانشان را بزود آمدن یا بوقت رسیدن وادار نمایند برای پیشرفت این نوع مقاصد ممکن است که مثلامعلم بگوید هر کلاسی که تا یکماه مواظبت بوقت خود بنماید حق خواهد داشت که ازطرف مدرسه یك «بیرق» افتخاردریافت نماید واسم اطفالیکه دیر بمدرسه میآیند یادداشت کرده وهرهفته دربین عموم کلاسها اعلان نماید

باید نظافت راازعادات اطفال قرارداد

نظافت وپاکیزگی با قیمت ترین عادتی است در بشر و باید بهر وسیله باشد این عادت ستوده را در اطفال عملی کرده و جزء مزاج آنها قرارداد

پیغمبر حکیم و بزرگوار ما بزرگترین دستور های حکیمانه را در موضوع نظافت فرموده وبمعنی «النظافة من الایمان» آن را از شرایط ایمان و بمضمون «الطهور شطر من الایمان» (۱) پاکیزگی را جزئی ازایمان قرار داده پاکیزگی ونظافت یك نوع بزرگ منشی و صفای باطن و شرافت نفسی را در انسان تولید میکند ولی بر عکس چرکی و کثافت و پلیدی باعث پستی و حقارت نفس و بی اعتنائی انسان در ارتکاب منهیات میگردد

برای حصول این مقصد یعنی جاری نمودن (حس نظافت خواهی) در اطفال باید اولا خانوادههای آنها همواره مواظبت کنند که بدن و منزل و اسباب و اثاثیهٔ منزل ومختصات اطفال خودرا تمیز نگاه دارند

ثانیاً آنکه شخص معلم هم سعی بنظافت و پاکیزگی اندام خود کرده و کوشش کند که علاوه برخودش آنچه که درمدرسه ازقبیل در دیوار حیاط آب مشروب کلاس میز نیمکت نقشه باغچه حوض مستراح

(۱) ان الله جمیل یحب الجمال نظیف یحب النظافه نیز وارد شده است

و چیز های دیگری که بنظر شاگردان میرسد تمیز و پاکیزه بماند برای تشویق بپاکیزگی باید معلم اطفال پاکرا آفرین و تحسین گوید و اطفال چرك و کثیف را (بشرطی که در خلوت باشد) سرزنش و ملامت کند وهیکل و قیافهٔ خودرا برای آنها بهترین ودرخشنده‌ترین سرمشق نظافت قرار بدهد و خلاصه باید پاکیزگی را برای خود یك حس شخصی و وظیفهٔ ارادی و اختیاری بنمایاند

باید ازحس رقابت اطفال استفاده نمود یکی از عوامل مفید و مؤثر برای ایجاد حس ترقی و تعالی در اطفال وجود رقابت می باشد چون نفع و ضرر مادی چندان مورد توجه اطفال واقع نمیشود لذا بهتر آنست که ایجاد حس مسابقه در کارهای علمی ادبی، اخلاقی و عملیات فنی و ورزش بدنی حس رقابت دربین آنها تولید گردد و آنهائی راکه در کار ها و تکالیف مدرسی بر برادران خود پیش دستی و پیشقدمی می کنند با الفاظ شیرین‌وعبارت های دلچسب و روح پرور باید تشویق وتشجیع کرد نشانهای مباهات و علایم افتخار برای آنها ترتیب داد اطفال ساعی و غیور و کار کن را در سر صف و میز نیمکت اول کلاس باید قرار داد و بالاختصار برای تولید یك همچو رقابت شریف و سودمندی لازم است معلم‌بتمام وسائل ساده وبی‌ضرری که درحصول مقصود خود مؤثر ومفید به‌بیند متوسل گردد

محذورات رقابت؟ آن رقابتی که از حیث فکر و اخلاق و بدن انسان را تربیت وترقی‌داده، بسعی وعمل وادار کند عبارت است از یك عادت فرخنده وحس شریف وفقط چیزیکه

هست باید دقت نمود که رقابت مزبور تدریجاً موجب تولید حس جاه طلبی وبلند پروازی دراطفال نشود چه این معنی باعث خود خواهی وغرور گردیده بجائی میرسد که دیگران با نظر کینه جوئی و بد خواهی و حسادت درو نگاه کنند ودر صدد باشند که بهر وسیله ای بشود ویرا صدمه زده و از مقامیکه دارد ساقط گردانند پس از برای استفاده از « حس رقابت » لازم است طوری رفتار شود که برای تولید محذورات مذکوره مجالی باقی نمانده وعکس مطلوب را حاصل ننماید معلم نباید اطفال باهوش را زیاده از حد مورد توجه خود قرار داده و یا پاداش آنهائیکه در مسابقه های مدرسی گوی سبقت بربایند از چیزهای مادی قرار بدهد بلکه دراین موارد باید بهمان مدح وتعریف تنها اکتفا کرده وهمان شرف و افتخار معنوی را برای پاداش طفل کافی بشمارد

تعریف وتمجید موجب مسرت وتکدیر وتوبیخ باعث تاثر میگردد ومعلم باید از هردوی آنها استفاده نماید

انسان بطور کلی مدح وتعریف خود را دوست داشته و از سرزنش و تنقیدیکه نسبت بوی واقع شود خشنود نمیگردد هر انسانیکه دارای چنین حسی باشد بزرگ منش وصاحب عزت نفس شمرده میشود ولازمهٔ اشخاصی که متصف باین صفت میشوند آنست که از حرکات و اطواریکه در نتیجه موجب تقبیح و بد گوئی آنها می گردد دوری نموده و همیشه خود را مصدر کار های خوب و مظهر اعمال و خصال پسندیده بنمایند بنابراین در تربیت اطفال ممکن است که بطور خوشی از این حس استفاده نمود فقط لازم است دقت کرد که مدح وتعریف یا سرزنش وتوبیخ در مورد خود واقع نشود تابلا اثر و بدون نتیجه نگردد چه اگر معلم موقع را نشناخته تعریف یا مذمت را در جاهای غیر لازم ویامکرر وزیاد بکار برد شکی نیست

که قیمت عمل این دو عامل را ضایع و از دست داده است مذمت و توبیخ وقتی مناسب یالازم میشود که دیگر نصیحت و موعظه برای یك طفل مؤثر نباشد و باید دانست که ملکات اخلاقی و شخصیت و حتی قیافه و احوال ظاهری معلم در پیشرفت نصیحت یا مؤثر بودن سرزنش وتوبیخ مدخلیت کاملی را دارا است و هرگاه سرزنش و توبیخ یك معلمی عادلانه نباشد معلم مزبور درنظر آنطفل سرزنش شده ودر نظر سایر اطفال متجاوز وغیر عادل و نامحبوب قلم میرود و همچنین مدح و تعریفی هم که زیاد و مکرر گفته شود اهمیتش در نظر آن طفل ممدوح و سایر اطفال ضعیف خواهد گردید چه یکی از لوازم صفات معلم هوشیار موقع شناسی است یعنی بعبارة اخری بتواند با این وسیله هر کاری را بمورد انجام داده وانجام وظیفه را با کار فوق‌العاده دیگری نکند زیرا طفلیکه اداء وظیفهٔ خود را نمود نباید مورد تعریف معلم واقع شود چرا که قیام بتکلیف خود نموده و کاری بیش از آنچه از وی خواسته بودیم نکرده است مثل او مثل یك مستخدم یا مأموری است که سروقت معین اداری برسر کارخود حاضر وآنچه‌ازاوخواسته‌اند انجام‌دهد پس انطفلی سزاوار تعریف وشایستهٔ مدح وتمجید است که‌از حیث علم‌یاعمل بتواند خودرا مظهر یك‌نوع نمایشهای فوق‌العاده‌ای بنماید بقسمی که‌همشاگردان اورا سزاوار تمجید ویقین کنند که‌اواین‌قدردانی واحترام را نه تنها برای ادای وظیفه حاصل نموده است واگر خودشان مایل باحراز چنین مزیتی باشند ناچار باید سعی کنند که از وظیفه گذشته یك بزرگتری را بجا آورند وچنانکه معلم بخواهد یك طفلی را بمناسبت خطائیکه از او بروز کرده مذمت و نکوهش کند بایداولا

علت خطای او را ملاحظه کرده و به‌بیند که آیا خطای مزبور ازروی سهو یا عدم اختیار بوده یا آنکه اساساً خطای عمد بوده‌است چهاز برای خطای سهو نباید یك طفلی را توبیخ کرد و فقط بنصیحتی که اورا هوشیار و متنبه کنند که دیگر مظهر چنین حرکتی نشود باید اکتفا نمود و از جمله نکاتیکه تذکر آن نیز لازم‌است اینست که اگر مدح و ثنا بطور عمومی اداشود بیش‌ازحد انتظارمفیدولی در صورتی که بطور خصوصی و شخصی باشد ضرر های زیادی را تولید خواهد نمود مثلا اگر یك‌معلمی کلاس خودرا مخاطب کرده گفت « امروز خوب‌درس های خودتان را حاضر کردید » این‌مسئله گذشته از اینکه شاگردهای زرنگ وکار کن را ممنون میکند اطفال تنبل‌را هم تشویق بکارخواهد نمود که کاری کنند که شاید بطور عایحده هم مورد تقدیر معلم‌خود بشوندولی اگر برعکس بواسطهٔدوسه‌نفر تنبل‌معلم‌عصبانی شده‌وتمام کلاس را مخاطب کرد . گفت که « من در عمر خود یك همچه کلاس تنبلی را ندیده‌ام » این‌خطاب بالطبع باعث دماغ سوختگی محصلین کار کن شده و اطفال تنبل را هم خوشوقت میکند از اینکه تنها خودشان‌مورد ملامت و توبیخ واقع نشده اند وباین مناسبت اصلا خودرا بمطالعه‌وسعی در انجام تکلیف زحمت نخواهند داد

بایداز اصول پاداش و سزا استفاده نمود دیسیپلین و انضباط عبارت از این است که هیئت عمومی شاگردان مدرسه همواره بکارهای مفید مشغول بوده و بترك عادات ناستوده و اظهار فعالیت و تحصیل سجایای فاضله سوق داده شوند و برای دوام و بقای دیسیپلین منتظم و حسن اداره هیچ عاملی به از وجود پاداش و سزا

تصور نمیرود حال باید دید که حقیقت آن پاداش وسزائی که لازمهٔ دیسیپلین و انتظام میشود چیست : لذا میگوئیم نظر بقواعد اساسی هام تربیت مقصود از پاداش آنست که در پرتو آن یك حس مسرت وامتنان وغرض از سزا آنست که بواسطهٔ آن یك حال حزن و تأثری در شخص پاداش یافته وسزا دیده ایجاد گردد باید افراد یك محیطی را که بخواهیم تحت دیسیپلین و نظام معقولی اداره نمائیم بطوری اداره شوند که نتیجهٔ حسن اعمال خودرا سرور و امتنان و نتیجهٔ سوء اعمال خویش را تألم و شرمساری خویش بدانند (۱) همچنین شاگردان یك مدرسه باید طوری تربیت بشوند که پاداش را نتیجهٔ اعمال نیکوی خود و سزا را ثمرهٔ کار های بد خویش بشمارند (۲) و بدینواسطه عملیات خودرا بر اساس شرف و فضیلت استوار کرده و از حرکات بدیکه منتهی بنتایج ناپسند وتألم خیز گردد احتراز جویند و بعداز بیان مقدمهٔ فوق مناسب میشماریم که مختصراً اشاره ای باصل پاداش و سزا و مراتب و شرایط هریك از آنها نموده واین فصل را خاتمه دهیم

پاداش :- پاداش دارای مراتب چندی است وسادهترین یعنی مفید و نافع ترین مراتب آن آنست که طفل مستحق پاداش را درقسمت های اول صف جلویابر نیمکت وپشت میز اول کلاس بنشانند ویاباوسائلی ازقبیل اوراق وبایتهای افتخار که هیچ نوع قیمت مادی را حائز نباشد اورا پاداش دهند معهذا در پاداش یك مضراتی است که هیچوقت نباید از نظر مربیان بگذرد چرا که ممکن است از یك طرف حس دشمنی و حسادت سایر برادران و رفقای طفل پاداش یافته

---

(۱) من عمل صالحاً فلنفسه ومن أساء فعليها

(۲) فمن يعمل مثقال ذرة خيراً يره ومن يعمل مثقال ذرة شراً يره

رانسبت بوی تحریك کرده و ازجای دیگر فلسفه وعلت پاداش رافراموش کرده وتمام فضایل و کارهای پسندیدهٔ خود را نه‌از لحاظ وظیفهٔ تربیت و انسانیت و حب فضیلت بلکه از نظر خود پسندی وخوش آمد شنوی وجاه طلبی های پوچ بجاآورد. علاوه براین بعضی ازمعلمین شاید تأثیر پاداش را در تکوین اخلاق نسنجیده باشند لذا بمحض اینکه یکی از شاگردان خود را هوشیار وخوش قریحه بیابند وی‌را پاداش میدهند در صورتیکه خوش فهمی وقریحه ازخصایصی است که‌در بعضی ازاطفال قوی ودر بعضی ضعیف میباشد و نباید آنرا وسیلهٔ استحقاق پاداش قرارداد و نباید دانست یگانه چیزیکه باعث پاداش یك طفلی میگردد همانا اعمال و حرکاتی است که نسبت بهرا خور حال خود در حفظ دیسیپلین و احترام قوانین و اطاعت از نظام و انضباط عمومی بجا آورده یاهمت و حسن کفایتی است که برای پیشرفت و ارتقای پایهٔ علمی و فنی خود در مدرسه ومابین همسران خویش نشان میدهد پس معلوم شد که پاداش را نباید بطفلی که صاحب هوش سرشار باشد ارزانی داشت و حال کسیکه یك طفلی را بواسطهٔ هوش او مستحق پاداش بیابد مثل کسی است که طفلی را بواسطهٔ حسن صورت یااعتدال قامت و لطافت اندام پاداش بخشد چه تمام آنها ازحیث اینکه ذاتی وطبیعی هستند درحکم واحد شمرده‌میشوند

درپاداش رعایت حد اعتدال لازم است ؟

پاداش را نباید طوری قرار داد که فایدهٔ حقیقی آن از بین برود و موجب خود پسندی و طمع ورزی پاداش یافته گردد بعبارة‌اخری پاداش دهنده باید پاداش خودرا طوری ترتیب دهد که موافق اعتدال وبیش ازاندازهٔ استحقاق نباشد ولازم است که همیشه نسبت مابین نوع حرکات ونوع پاداش «مکافات» محفوظ باشد

نباید پاداش را مادی وجسمانی قرار داد

مکافات و پاداش اگر جسمانی یعنی از نوع تنقلات و مواد خوردنی باشد بیش از هر چیز اخلاق پاداش یافته را پست و منحط کرده ویك ذوق جسمانی را در مزاج طفل پدیدار خواهد کرد وهوش و اخلاق اورا بیکدیگر مربوط نموده وبالاخره خوی طمع ورزی و عادت دون همتی در نهاد وی پدیدار خواهد شد و حتی در بازیهای پیشاهنگی و کار های ورزشی نباید چیز های خوردنی یا آشامیدنی را وسیلهٔ پاداش قرار داد مثلا نباید گفت که اگر فلان بازیرا با انتظام بجا آورید یادرمسابقهٔ دویدن گوی سبقت‌را ببرید فلان چیز خوردنی یا آشامیدنی را خواهید گرفت

پاداش را باید شخصی نمود

پاداش باید شخصی بوده و اضافی نباشد یعنی وقتیکه یك طفلی را میخواهیم مورد پاداش خود قرار دهیم باید لااقل بدانیم که آنطفل یك یا پانزده روز است که نسبت بحال سابق خود از حیث درس و اخلاق تفاوت کرده‌است چه نباید احساس کند که‌ما این پاداش‌را برای تفوقی که بر سایرین دارد باو عطا میکنیم زیرا در اینصورت پاداش موجب نقض غرض ما گردیده وحس خود پسندی‌را در مزاج طفل پاداش یافته تولید مینماید پس باید ملتفت بود که‌مبادا خیال کند که من‌چون درس یا تکلیف خود را به از فلانکس درست کرده ام از این جهت آقای معلم بمن پاداش داده است

پاداش باید پاداش حقیقی باشد

یعنی پاداش نباید دارای جنبهٔ ملاطفت و مجاملهٔ کاری بوده بلکه لازم است طفل پاداش یافته و سایرین بدانند که‌تحصیل پاداش کارآسانی نبوده

و باید در سایهٔ حسن اخلاق ، صحت عمل ، رعایت دقت ، احترام واطاعت کامل از قانون و دیسیپلین مدرسه و کارهای فوق العادهٔ دیگر آن را تحصیل نمود

پاداش را باید بندرت داد

پاداشها باید نادر الوقوع باشد چه اگر زیاد و پی درپی تقدیم گردد اثر وقیمت واقعی خودرا از دست خواهد داد و دیگر منظور اصلی حاصل نمیشود اینراهم نا گفته نگذاریم که باتشویقهای زبانی ممکن است طفل را وادار بکار نموده او را پاره ای محذورات که در اثر پاداشها دست میدهد نیفکنیم

اگر ممکن باشد اصلا پاداش داده نمود بهتر است ؟

برای پاداش دوقسم ضرر احتمالی تصور کرده اند اولا گاه می شود که بدون لزوم داده شود ثانیاً اگر هم از روی لزوم داده شود ممکن است در مزاج طفل پاداش یافته تولید غرور و خود پسندی و تفوق برغیر نموده و عزم ومتانت او را بجسارت و خود خواهی منقلب بنماید

سزا :

چون ممکن نیست نوع بشررا بپاداش تنها اداره نمود از اینرو ناچاریم که در مقابل پاداش سزائی را قائل شویم ولی باید دانست سزا و مجازاتیکه در مدارس اجرامیشود طوری نباشد که در نتیجه سلامت وصحت اطفال را تهدید بنماید و نیز نباید فراموش کنیم که سزا و جزائیکه بواسطهٔ الم جسمانی و کتک در بارهٔ طفل مجری شود قطع نظر از اینکه نتیجهٔ مطلوب را حاصل نخواهد کرد آن بچه را از مرتبهٔ انسانیت بوادی حیوانیت سوق خواهد داد و بعبارهٔ اخری شرافت نفس او معدوم گشته و بعد ها دیگر برای شرف و احترام نفس خویش وقعی نخواهد گذاشت شاگردان مدارس ابتدائی

که مستوجب سزا و مجازات میشوند باید بطور خیلی ساده و بوسائلی که زحمت و الم مزاجی و بدنی نسبت بآنها وارد نسازد تنبیه بشوند مثلا معلم موقتاً نگاه محبت و التفات بآنان نکند یا از بازی و تنفس محروم بشوند یا اگر جای آنها در کلاس میز اول باشد بآخر منتقل نماید و یا در کار های شعف آور و مسرت بخش دیگران ویرا شرکت ندهد یا او را دیرتر از برادران خود مرخص نماید و خلاصه طرز سزا و مجازات اطفال مدارس ابتدائی باید از این قبیل باشد و اگر چنانچه اجراآت فوق الذکر در حق یك بچه ای مؤثر نگردید دراینحال باید او را باخراج موقتی ویا دائمی تنبیه نمود (۱)

سزا و تنبیه را باید اجرا نمود

جهت اصلی و نقطهٔ نظر اساسی از تنبیه طفل دو چیز است : - ۱ - انکه خود طفل مجازات دیده دیگر مرتکب خلاف نشود - ۲ - سایر اطفال از مجازات او عبرت گرفته و خطای اورا که منتهی بچنین نتیجهٔ ناگواری گردید مرتکب نشوند وچون برای حصول دومنظور فوق هیچ وسیله‌ای مؤثر تر از اجرا وعملی کردن مجازات مقرره نیست از اینرو لازم است که اولیای امور تربیت بمجرد آنکه خطائی مشاهده کنند بواسطهٔ سزا وتنبیه از تکرار ان جلوگیری بنمایند والا بزودی شاگردان از عفو و اغماض معلم سوء استفاده کرده و نظام مدرسه را مختل واصول هرج ومرج را که بالطبع آنها موافق تر ومناسب تر است رواج خواهند داد

(۱) بنابر قانون معارفی طفلیکه ازمدرسه‌ای اخراج بشود بایددرهیچ مدرسهٔ دیگر پذیرفته نشود و لذا مجازات اخراج (طرد) را شدید ترین مراتب سزا و تنبیه شمرده اند

سزا و تنبیه را باید سریعاً اجرا نمود

یعنی نباید بگذارند که مابین زمان خطا و موقع تنبیه مدت مدیدی بگذرد چه انسان عادتاً بعواقبی که طول مدت لازم داشته باشد اهمیت نمیدهد و بیش از هر چیز سرعت و اجرای مجازات او را از تکرار خطا جلو گیری می نماید

باید درموضوع سزا و تنبیه مرتبهٔ اعتدال را ملاحظه کرد

البته مجازات را باید بطور سریع و مؤثری اجرا نمود لکن باید مواظبت کرد که از حد اعتدال تجاوز نکند همچنین درحالت غضب وحدت نباید یك طفلی را تأدیب نمایند بلکه باید غرض حقیقی اصلاح اخلاق آنطفل باشد چه اگر هرآینه در حین اجرای مجازات این حال ظاهر گردید مقصد اصلی ضایع و بعلاوه یك حس نفرت و عداوتی در قلب طفل نسبت بمربی خود تولید خواهد گشت

تاطفل سزاوار تنبیه (مجازات) نشود نباید اوراتنبیه نمود

اگر خواسته باشیم یك طفلی را مجازات کنیم باید اولا بدانیم که اومرتکب فلان خطا بوده وقصد شیطنت درارتکاب خطای مزبور داشته چه ممکن است خطائی بطور غیر ارادی ازطفل صادر گردد لذا در اینحال باید از تنبیه او خود داری کرده و سرآنخطا را کشف کرد پس اگر معلوم شد که نیت سوئی نداشته باید بهمان اخطار تنها اکتفا نمود واز او تعهد گرفت که دیگر نظایر آن خطارا بجا نیاورد مثلا اگریك طفلی کتاب خود را کثیف نمود یاشیشهٔ دریچهٔ اطاق را شکسته یا دیر بمدرسه آمده یا آنکه دروغی را گفته باشد نباید خود اورا مجازات کنند بلکه اول باید دید که چرا کتاب خود را کثیف

کرده یا شیشه را شکسته یا دیر بمدرسه آمده و یا دروغ گفته است وبعد ازآنکه محقق شد که هیچ علتی جز بداخلاقی او نداشته البته بدون تأخیر باید مجازات اورا جاری نمود

در سزا و مجازات تنوع لازم است

ممکن است که دوطفل درآن واحد یا دراوقات مختلف مرتکب خلاف معینی بشوند ولی باوجود این مقتضی نباشد که هردوی آنهارا بیك نسق تأدیب نمایند چراکه ملاحظه میکنیم یك طفلی بواسطهٔ یك نگاه تند چنان دچار واهمه ورعب میشود که گوئی شدید ترین سیاستهارا نسبت باو نموده اند در صورتیکه یك طفل دیگر ابداً اعتنائی بآن نگاه تند نکرده واین نوع تهدیدات‌را تمسخر مینماید وبرای تأدیب اوجزتوسل بمجازات سخت چارهٔ دیگری متصور نباشد و چون منظور اصلی از مجازات وسزا قبل از هرچیز اصلاح وتهذیب اخلاق میباشد ازاین رو لازم است که باهرشکل مجازاتی که مرام تربیتی را تأمین نمایدقناعت کرده وبیش ازحد انتظار ولزوم اطفال‌را نیازاریم

سزا ومجازات باید مؤثر ومفید باشند

مثلا اگر طفلی دیکته خودرا بد یامغلوط بنویسد باید اورا مکلف کنند که دوباره آنرا نوشته غلطهایش تصحیح و بد خطی آن بخوش خطی بدل شود وخلاصه باید باین ترتیب مجازات را مفید ومؤثرقرار داد یعنی درمقابل زحمتیکه بروجود طفل دراثر مجازات وارد میشود نتیجه‌ای حاصل گردد چه ممکن است هرگاه معلم برای تنبیه یك طفلی را مکلف بنوشتن جمله های بی ربط وغیر مألوف بنماید درآن حال گذشته ازاذیت‌طفل اثرعملی هم برای مجازات حاصل نشده است

باید مجازات وسزا معقول ومتناسب با تقصیر باشد

درهنگام تعیین مجازات واجرای آن معلم باید درجه‌تقصیر طفل وسن‌واستعداد مزاجی وسوابق اخلاقی او را ملاحظه کند و هر سیاستی را که برای تأدیب طفل قائل میشود باید بازیادی یاکمی تقصیر وی متناسب باشد مثلا برای یك خلاف جزئی که از یك محصلی بروز میکند نباید او را مجبور بنوشتن یك حکایت چند صفحه‌ای یا استنساخ یك قصیدهٔ بلندبالا یا مأمور بصرف افعال ومشتقات زیاد نمود چه مسلم است که این نوع تنبیه لازمهٔ تقصیر های مهم و اجرای آن درتأدیبهای جزئی بی ربط وبیمعنی است

سزا ومجازات رابابد بندرت اجرا نمود

مجازات را باید خیلی بندرت اجرا نمود و نباید آنرا ازمسائل عادی و متعارفی جلوه داد اگر تأدیب ومجازات را درمدرسه متداول و متعارف کنیم مثل اینستکه بی نظمی را ترویج نمائیم معلم باید همیشه ذوق و عشق اطفالرا بعادات وسجایای نیکو متوجه کرده واخلاق آنانرا تعدیل وتصحیح نماید واگر باین قبیل وسائل نتواند منظور خود را در جلوـ گیری ازقصور وتقصیر شاگردان خویش حاصل نماید درآنوقت می تواند که بمجازات وتأدیب آنها متوسل شود

باید ازحس تقلید اطفال استفاده‌نمود

برای آنکه بتوان عادات و سجایای نیکو را در نهاد اطفال متمکن کردباید اولا وقبل ازهرچیز یك حرکت وجریان اخلاقی درآنها تولید نمود و هرقدر که جریان مذکور مستند باخلاق و حرکات شخصی طفل بوده باشد همان اندازه درجهٔ انحطاط وپستی او زیاد میگردد بنا براین بهترین وسیله برای تهذیب و ترقی عادات اطفال همانا عادات خوبی

است که از والدین یا معلم خود کسب مینمایند چه کلیهٔ اخلاق فاضله و صفات پسندیده از همین مبدأ و بهمین طریق تشکیل می یابد وچون بثبوت رسیده است که اطفال خردسال (مخصوصاً در سن شش هفت سالگی) خود شخصیات خویش را بیش از دیگران ملاحظه ودر حرکات وافعالی که میکنند اصلا راحت وفایدهٔ خودرا ملاحظه ندارند از این روهیچگاه نباید از امثال آنها انتظارداشت که بخودی خود مصدر کارهای شایسته بشوند وتجربه شده است که دراینوقت ازعمر هوش ونظر آنان متوجه حرکات والدین و معلمینشان میگردد پس در همچه صورتی والدین و معلم باید همیشه خودرا مظهر انسانیت وتدین و راستگوئی و حب وطن و ملت پروری وطرفداری مظلوم قرارداده وازاظهارهر عادت ناپسند که ممکن است سرمشق اطفالشان بشود احتراز جویند

باید از حس وظیفه شناسی اطفال استفاده نمود

وظیفه شناسی دراطفال بزرگترین وسیله‌ای برای ایجاد نظام تربیتی کامل ودیسیپلین عالی شمرده شده حس وظیفه شناسی در حقیقت عبارت از اذعان قانونی است وکسانیکه بطبیعت حال خود دارای چنین حسی باشند بدون احتیاج بامر تکالیف خود را اجرا کرده بخودی خود میتوانند که خط مشی وتکلیف لازم خودشان را تعیین نمایند مهمترین چیزیکه میتواند درایجاد ملکات فاضله وتولید حس وظیفه شناسی اطفال مؤثر واقع شود اینستکه از برای آنها احوال رجال بزرگیکه باین صفات متصف بوده‌اند نقل نمایند وبنابراین معلم میتواند از اشخاصیکه درخانوادهٔ طفل یادهکده وقصبه وشهر یامملکت او بوده وبرکت وظیفه شناسی خود بزرگ و نامور شده اند شواهد وامثال بسیار ذکر نماید وحس تقلید ازحرکات واطوار آنانرا درآنها تربیت کند نمایشهای تاریخی وتاریخهای تمثیلی برای اینمقصود نافع وفوق العاده جالب نظر میگردد

فصل هشتم

حفظ الصحه

معلم باید از قواعد حفظ الصحه آگاه باشد. - معلم باید با قوانین حفظ الصحهٔ فامیلی خانواده هارا ارشاد نماید :- معلم باید در حوزهٔ مدرسهٔ خود حکم یك طبیب را داشته باشد :- مدارس باید شرایط حفظ الصحه را واجد باشد :- محل مدرسه چگونه بایدباشد وضعیت مدرسه باید چه قسم باشد : تقسیمات داخلی یك مدرسه ای چه نوع است : مؤسسات ولوازم مدرسه چگونه باید جلوه گر بشود: مدرسه بطور کلی محتاج باغچه است : اصول ادارهٔ مدرسه باید موافق قوانین حفظ الصحه باشد : - باید کلاس های درس نورگیر باشد باید کلاسها یك حرارت معتدلی داشته باشد - صف بندی میز و نیمکتهای کلاس باید موافق حفظ الصحه باشد : - باید نسبت بپاکی و پاکیزگی اطفال توجه نمود :— باید معلم اطفال را بنظافت لباسهای خودشان متوجه گرداند : - معلم باید اطفال را بچیز هائیکه میخورند و میاشامند متوجه گرداند : نسبت بوضعیت آنها باید دقت کند : باید اطفال از وقت تنفس خود استفاده نمایند: نباید اطفال را بیش از طاقتشان وادار بکار کرد : نباید ملکات فکری آنهارا تحت فشار گذاشت : حرکت وجنبش برای اطفال از واجبات ضروریه است : دستورهای صحی مهمترین نصایح ازبرای شاگردان است

باید معلم ازقواعد حفظ الصحه آگاه باشد

معلمینی که تربیت وتعلیم اولاد مملکت را عهده دار شده اند باید از قواعد حفظ الصحه باخبر باشند انسان مرکب از روح وبدن است : اگر بدن سالم نباشدروح ویابا تعبیر واصطلاح تربیتی (ملکهٔ ذکاء) اوهم سالم نخواهد بود چه حیات فکری تابع حیات بدنی

وفعالیت آن بدون این متصور نیست بنا براین باید تدریجاً درتقویت و تأمین صحت بدن کوشش نمود تا بتواند مرام مطلوب مارا درتربیت و تعلیم نشان بدهد انسان برای اینکه نسبت بخود وخانواده وجامعهٔ خودو بلکه نوع بشر بتواند مفید و سودمند واقع شود باید تربیت شود و حصول این تربیت برای اوجز بواسطهٔ مزاج صحیح وبدن سالم ممکن نیست پس از هرنقطهٔ نظر که تصورشود انسان باید دارای تربیت بوده وبرای حصول آن قبل ازهرچیز درتندرستی بدن وصحت مزاج خود بکوشد ونکته ای که لازم است معلم را بآن خاطرنشان نمود اینستکه او نه تنها مکلف بتدریس اطفال وبا سواد نمودن آنهاست بلکه درعین حال باید بداند که یك‌وظیفهٔ دیگری که عبارت ازتربیت یك‌نسل خون گرم وفعال باشد نیز عهده دار شده است

معلم باید باقوانین حفظ‌الصحه خانواده هارا آشنا گرداند؟

چون معلم‌را تربیت کننده یك‌نسل فعال وجانانه ای برای جامعه و مملکت میشمارند ازاینرو باید بداند که‌او نه‌فقط درمدرسه‌بلکه‌درهمه‌جالازم‌است خود را مسئول انجام چنان وظیفه ای شمرده و کاری کند که تعلیمات و دستورات صحی او را در هرجا و مخصوصاً درخانه بموقع اجرا بگذارند ودر ماکولات وملبوسات‌خودکاملاتابع اوامر ونواهی معلمین خودبوده باشند وبرای اینکه منظور فوق ازراه دیگری عملی بشودلازم‌است که‌معلم درهر فرصت‌مناسبی اولیای اطفال‌را دیده وراجع بچگونگی اداره وتربیت آنها درخانه با ایشان صحبت‌نماید وگاهی از اولیای شاگردان مدرسهٔ خوددعوت کرده‌درباب‌حفظ‌الصحه ولزوم حفظ وتعمیم آن نطق و کنفرانس بدهد

باید معلم درحوزهٔ ماموریت خودوظیفهٔ یك راهنمای حفظ الصحه‌را تعهد نماید

تنها چیزیکه ممکن است در حیات اطفال تأثیر کند خانه ومدرسه نیست بلکه آن محله وناحیه وقریه‌وقصبه ایکه محیط نشو و نمای آنها شمرده میشود نیز درچگونگی تربیت حیاتی آنها ذی دخل است بنا براین باید محیط خارجی طفل هم از لحاظ حفظ‌الصحه رعایت شود وچون ادارهٔ صحی مملکتی ما آنقدر وسعت نگرفته است که حتی دهات وقصبات را شامل بشود از اینرو لازم است که معلم همیشه مسائل کلی حفظ‌الصحهٔ حوزهٔ مأموریت خود را اعم از اینکه در محله یاده یا دهکده بوده باشد مورد رعایت قرار داده اهالی ساده و دهاتی هارا بلزوم اجرای قوانین مهمهٔ حفظ‌الصحه ازقبیل نظافت بدن‌و لباس پاکیزگی آب‌وخوراك‌و کوچهاومعابرخودشان آشنا‌بنماید پس‌لازم است که معلومات مختصری راجع بپرستاری ومداوای مقدماتی مریض داشته باشد تادرنقاطیکه طبیب نباشد بتواند از یك طفل مریضی تاقبل ازرسیدن طبیب‌توجه‌ونگهداری بنماید

بایدساختمان مدرسه باشرایط حفظ‌الصحه موافقت داشته باشد

مهم ترین چیزیکه بتواند صحت اطفال را در مدرسه حفظ کند اینست که محل آن موافق شرایطحفظ‌الصحه ساخته وچنانچه معلمین‌شرایط مزبوره را در ساختمان یك مدرسه ای موجود نیابند در عوض لازم است اهالی محل آنمدرسه ومقامات رسمی‌مملکت را بلزوم تغییر بنای آنمدرسه یا تبدیل آن متنبه و آگاه دارند و در موقعیکه‌بنابشود برای یك‌مدرسه‌ای احداث عمارت نمایند باید معلمین حاضر ودستورهای لازم خویش‌را به‌بنا حالی کنند صحی بودن ساختمان یك مدرسه تابع موقعیت محل وضعیت بنا اثاثیه ولوازم نیز میباشد

زمینیکه محل مدرسه است چگونه باید باشد

بنا و ساختمان مدرسه باید در زمینهای مرتفع و جاهائیکه دور از رطوبت و مردابها و آبهای راکد باشد بناشود میکروب هائیکه ازاثروجود مردابها تولید میشود فوق‌العاده برای سلامت اطفال مضر است ازاینرو زمینهای شن زار که دور از رطوبت باشد برای این نوع ساختمان ها خیلی مناسب است فضای مدرسه باید وسیع و محتوی باغچه و میدان کوچکی باشد که‌برای تفریح و گردش وبازی وجست وخیزشا گردان مخصوصاً اطفال خردسال بکاربرود وسطح حیاط مدرسه را باید سمنت کاری یاقیر اندود یا آجر فرش کرد وبالاخره بعدازدقت‌لازمی که‌باید در انتخاب زمین و چگونگی ساختمان مدارس نمود لازم است مسئلهٔ روشنائی وهوا گیری مدرسه و کلاسهای آنرا ازشرایط مهمه قرارداد

وضعیت مدرسه چگونه باید باشد

باید عمارت مدرسه و کلاسها ومحل تنفس آنرا طوری بنا کرد که نور آفتاب در وقت صبح و هنگام عصر در کمال سهولت آنها را فراگیرد چون یگانه دشمن بی امان میکروبهای موذی و عفونی آفتاب است‌از اینرو باید سعی کرد که حتی‌الامکان نور خورشید بیشتر در ودیوار و فضای‌انرا زیارت نماید وباید باوجود این دقت کرد که درزمستان سرد ودر تابستان خیلی گرم نشود و درها وپنجره های اطاق و عمارات در معرض جریان کوران های بارانی ورطوبتی واقع نشود

تقسیمات داخلی یك مدرسه‌ای چگونه است

آن مدرسه ایکه بر طبق شرایط صحی تعمیر و بنا میشود لازم است که موافق قواعد و اصول فنی تقسیم بشود و قبل از همه باید ملتفت بود که‌مساحت و وسعت عمارت مدرسه طوری باشد

که هر طفلی بتواند باندازهٔ (۱۲) متر از زمین آنجا بهره مند شود یعنی اگر عدهٔ اطفال را (۱۰۰) نفر فرض کنیم باید مساحت سطحی عمارت مدرسه بالغ بر ۱۲۰۰ متر گردد واما از لحاظ تقسیمات داخلی باید برحسب ترتیب ذیل مدرسه را تقسیم نمود

اول ـ باید یك اطاقی رافقط برای پالتوها وشال گردنها و کلاههای شاگردان و البسه زیادی آنها تخصیص داد و اگر اطاق نباشد اکتفا براهرو (گالاری) هم میشود کرد

دوم ـ یك فضائیکه برای ورزش و حرکات بدنی و کار هـای بدنی مساعد باشد لازم است

سوم ـ باید یك اطاق‌را برای هنر های یدی قرار داد

چهارم ـ اطاق باندازهٔ کلاسهای مقتضی داشته باشد

پنجم ـ فضائیکه مخصوص تنفس باشد نهایت لزوم را داراست

ششم ـ وجود یك باغچهٔ مخصوص

هفتم ـ مستراح های متعدد

هشتم ـ اطاق مخصوص معلمین

نهم ـ اطاق مخصوص معاونهای معلمین

دهم ـ نماز خانه و مسجد خصوصی نیز اقتضا دارد ودرمدارسی که بیش‌ازشش کلاس داشته‌باشد باید جاهای‌ذیل ضمیمه‌شود ـ۱ـ اطاق مخصوص دربان ـ۲ـ اطاق انتظار مخصوص خانواد ها و اولیای اطفال ـ۳ـ اطاق جداگانهٔ مخصوص‌مدیر ـ٤ـ دائرهٔ مخصوص رسم وبالاخره معلمین باید در موقع احداث ساختمان های جدید مدارس تقسیمات فوق را مرعی داشته وبعلاوه اهالی را تشویق کنند که این نوع نقشه ها را بموقع اجرا بگذارند

لوازم ضروری ساختمانهای مدارس

شرایط و کیفیت زمین مدرسه را در بحث های پیش بیان کردیم که باید در جاهای غیر مرطوبی و اراضی سخت یاشن زار بوده باشد حال لازم است که خاطر نشان کنیم که اساس و شالودهٔ بنا های مدارس را باید بوسیلهٔ قیر یا بعضی مواد معدنی دیگر از تأثیر ونفوذ رطوبت حفظ نمود وبرای اینکه سطح سالون و کف اطاقهای مدرسه از سرایت رطوبت زمین مصون بماند اولی آنست که بواسطهٔ احداث زیر زمینهای وسیع مخزنهای بزرگی برای جریان هوا احداث گردد و باید دقت نمود که سنگ وآجری که درشالودهٔ بنا ودیوار های عمارت بکار میرود خشك وعاری از رطوبت باشد ومابین هرچند طبقهٔ آجری که در بنای دیوار چیده میشود باید لائی هائی از چوب وتخته گذارده شود آجر هائیکه بطور کامل پخته نشده باشند نباید در بنای اساس عمارت بکار روند چه این قسم آجر رطوبت و آب زمین را جذب کرده وباعث خرابی پی و دیوار و نمناکی عمارت میگردد استعمال خشت خام تازه فوق العاده برای احداث ابنیه مضر و باعث خسارت مالی و جانی میگردد چه این قسم خشت خام دیوار را بمثابهٔ یك مخزن رطوبتی بزرگی خواهد نمود دیوار هائیکه از قلوه سنگ ساخته شود باید باندازه (۳۵) ودیوار هائی که از سنگهای عادی بنا میشود باید بقطر (۴۵) سانتیمتر بوده باشد و در نقاط سرد سیر محض اینکه تراکم برف که در سطح بامها موجب شدت وقوت سرما نشود لازم است سقفهارا بطرز شیروانی ترتیب داده سقف پوش بامهارا نباید از لوحهای سرب یاآهن سفید اختیار کرد برای اینکه این دوفلز در زمستان خیلی سرد ودر تابستان خیلی سوزنده وگرم میشود پس خوبست که از آجر یاسنگ گرافیت (همان سنگی است که

لوحه های سیاه اطفال را از آن میسازند) ساخته شود و اگر ممکن باشد بـا رنگهای ضد رطوبی آنها را رنـگ نمایند و همچنین رنگ نمودن ستونها درو دیوار و پنجره علاوه بر اینکه موجب رفع رطوبت میگردد صفا و جلوهٔ ساختمان‌را زیاد میگرداند . مشروط بر اینکه ساده و ظریف باشد

منظرهٔ خارجی مدرسه چگونه باید باشد - باید شکل ومنظرهٔ خارجی ساختمان مدرسه از حیث تناسب الوان زیبا وقشنگ درعین‌حال ساده ظریف بی شعشعه و جالب نظر و دلچسب باشد

بدیهی است که شکوه وجلال عمارت چنین مدرسه‌ای در انظار بیش از شکوه وجلال یك‌مدرسهٔبزرگ وبدی‌بنظرمیرسدوبرای اینکه وضعیت آمد وشد اطفال درنظر مردم نفرت آور نباشد خوبست که مدرسه به آنها امر کند هنگام‌مرخصی یاحضور بمدرسه دو بدو و بحالت ردیف و ستون های نظامی حرکت کنند

سلیقه و ذوق معلمین نیز تأثیر مخصوصی در قشنگی و دلربائی مدرسه مینماید باین معنی که طوری کنند که مدرسه وحیاطواطراف و جوانب آن پاکیزه و لوازم و ادواتش زیبا تابلوی مدرسه خوش‌خط و خوش نما و بر پشت بام یاقسمت سردرب آن بیرق محبوب‌ایران درایام جمعه و روز های عید وتعطیل نصب گردد ویك باغچهٔ کوچکی کـه مشتمل بر درختهای گوناگون و برای تطبیق بعضی درسهای فلاحتی بکار آید درحیاط مدرسه احداث گردد واما دیوار های داخلی مدرسه را باید با قطعه ها و خطوط درشت وبرجسته ایکه شامل جملهٔ مبارکهٔ (بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم) وجمله هائی که‌مشوق خداپرستی حب وطن و شاه پرستی و علم و معارف و نوع پروری حیوان دوستی را در

دلهای صاف و سادهٔ اطفال تزریق نماید زینت داده شود و بدیهی است که الصاق صورت نباتات و اشکال حیوانات و نقشه های رنگارنگ جغرافیائی بردیوار های مدرسه و قالی وقالیچه‌های قشنگ در رونق و صفای عمارت وحسن منظرهٔ داخلی مدرسه خیلی مفید ومؤثرخواهد گردید وبرای اینکه اطفال بتوانند براحتی واردمدرسه‌شده ویاازآنجا خارج شوند باید وضعیت درب مدرسه و پلکانهای آنجا رعایت شود و اگر درجاو مدرسه یك‌جاوخان موجود باشد باید ازبرای رفت وآمد شاگردان از داخل بخارج و یا از خارج بداخل از درب جلوخان تادرب عمارت‌را یك‌جادهٔ محکم ازقیر یاسمنت احداث کرد که درموسم زمستان و ایام بارندگی عبور ومرور اطفال دشوار نباشد ومخصوصاًدر نقاط بارانی تأسیس این نوع جاده هـای کوچك (براه روها) خیلی ضرورت دارد

بطورکلی هرمدرسه محتاج باغچه است

هرقدر که یك مدرسه برای تدریس شاگردان خود محتاج بکلاس است هماتقدر هم آنمدرسه بوجود باغچه احتیاج‌داردوبقدریکه برای‌اطفال در مدرسه درس لازم است بهمان اندازه هم بازی وحرکات بدنی برای آنها لازم است علاوه براین احداث باغچه در مدرسه نه‌فقط از لحاظ تفریح و بازی برای اطفال مفید است بلکه برای اینست که آنهابتوانند درسهای زراعتی خود را عملا درآن باغچه تطبیق کرده و بتوانند یك نمونه های کوچك وجزئی ازقبیل بعضی گاهها وسبزیجات را بدست‌خود در آنجاکاشته و تربیت کنند و اصول کود دادن ، آبیاری ، نشا کردن قلمه زدن‌را بچشم خود دیده و با آنچه از کتاب یا تقریر معلم شنیده اند مطابق نمایند باید فضای باغچه را باقسام متعدده قسمت نموده و از

برای هر صنفی از نباتات و هر قسمی از درختها یك قسمت خاصی را معین کرد و بلکه اگر بشود هریك از اطفال یکنوع گیاه یا یك قطعه از باغچه‌را خودشان اداره نمایند درباغچه‌های مدارس باید طرزتربیت و حفظ‌الصحه حیوانات اهلی از قبیل مرغ خانگی گوسفند گوساله را باطفال آموخت وبایداصول نگاهداری زنبورعسل وطریق گرفتن‌عسل را بآنهاتعلیم‌نمودخلاصه مدرسه‌ایکه درآن یك‌چنین‌باغچه‌ای که‌هم برای تفریح اطفال وهم از برای تطبیق عملیات زراعتی مفید باشد موجود نشود مدرسه‌نیست بلکه قتلگاه‌است وآن قسمتیکه در مدرسه‌اختصاص ببازی داشته باشد باید هواگیرآن کافی وانعکاس نور و روشنائی درآن زیاد و آزاد باشد

باید اصول اداره مدرسه‌موافق شرایط صحی باشد

باید مدرسه را از هرجهت با شرایط و اصول حفظ‌الصحه اداره نمود وقبل‌از هرچیز لازم‌است که با قوانین فنی آنجا را پاکیزه ونظیف نگاه داشته برای اینکه بوی مستراحها بمشام نرسدیا جریان باد رایحهٔ مکروه آنرا باطراف منتشر نکند باید مستراحها را در جاهای دور دست ودر محلی که در کوران باد واقع نشوند احداث نمود باید روزی یك‌مرتبه مستراحهارا باآب زیاد و سرشار شست‌وشو داد و هرروز مقداری آهك در آنها ریخت وباآسید فنیك وموادیگر آنها را ضد عفونی نمود

باید مدرسه‌را هرروزه جاروب نمود ولی باید دانست که‌مدرسه جاروب نمودن عبارت ازاین نیست که گرد و خاك را از این نقطه بآن نقطه حرکت دهند یعنی مثلا زمین‌را جاروب نموده‌وباگرد وخاك درو دیوار را آلوده‌وکثیف بنمایند جاروب کردن بردوقسم است‌اگرزمین

کلاس یا مدرسه از چوب و تخته فرش شده باشد باید مقداری آب مطلق را بایك ماده ضد عفونی از قبیل (کره‌زیل) و خاك اره نجاری وخورده چوب مخلوط کرده وسپس آنرا برروی زمین بپاشند وبعداز آن باجاروب مخصوصی بروبند بطوری که خاك روبهٔ آنجاهم درضمن اینکار روفته شود بعداز آن زباله ها را باخاك انداز بزباله دان ریخته و در گوشهٔ باغچه بریزند ونسبت موادیکه در مخلوط فوق‌الذکر بیان‌شد از قرار ذیل‌است(٦) لیتر آب(۳)لیتر کره‌ذیل(۲۵ر۰)لیتر خاك‌آرد واگر کف اطاق یاآن فضائیکه باید جاروب شود از مشمع یاکاشی یاچینی باشد در اینحال باید آنجارا با آب زیادی که باکره ذیل یا مواد ضد عفونی دیگر ممزوج کرده باشند شست‌وشوداد بعدازآن آبهارا جاروب زده وسپس باید با پارچه های ناشور ضخیم زمین را خشك‌نمود وبعداز آن باید هرروز یکمرتبه ویا روزی دومرتبه آنجارا شست‌وشو بدهند نیمکتهای سنگین ونیز نیمکتهای اطفال و صندلیها ومیز های معلمین را نیز باید باناشور ضخیمی که قدری ترشده باشد پاك کرده و گرد وغبار را زدود و گرد وغبار در وپنجره ودیوار هائی را که رنگ شده باشد نیز باید بوسیلهٔ همان پارچهٔ ناشور تر شده پاك نمود ولااقل هفته‌ای یك مرتبه باید اینکار را کرد و در وقتیکه امراض مسریه بروز میکند باید روزی دو مرتبه از بالا گرفته تا پائین مدرسه را بطوریکه ذکر شد شست وشو وتنظیف کرد و در و دیوار و پنجره را با پارچه های تر پاك نمود و اگر احیاناً یکی از شاگرد ها در مدرسه مبتلا بمرض مسری گردید باید فوراً بطبیب بادیه محل یا طبیب خصوصی راپورت داد تا بطور فنی مدرسه را تطهیر (ضد عفونی) کنند و اگر طبیب نباشد مدرسه در تحت نظر مدیر باین طور تطهیر شود اولا باید با آبیکه مادهٔ

(گرد ذیل) بنسبت ده درصد در آن حل شده باشد تمام مدرسه‌را شست وشو داد و ثانیاً باید دوروز محض تبدیل هوای فاسد مدرسه بهوای پاکیزه وجدید آنجارا تعطیل نمود اگر شبههٔ مرض دریك طفلی بروز نماید باید جای نشستن و گردش اورا بطوریکه گذشت تطهیر کرد وحتی اگر مقتضی شود قلم، دوات، کتاب و سایر خورده ریز های او را بترتیب مذکور پاك نمایند و باید در هر حال از تنظیف و ضد عفونی کردن مستراحها غفلت نکرده و دیوار های آنهارا باهم بامحلول (کره ذیل) شست وشو داد و ستونهای مدرسه را هم باید باآهکی که بنسبت ۱۰ در ۱۰۰ بوده وبامادهٔ آسید سولفوریك مخلوط شده باشد ضد عفونی گردانید

باید کلاسهای درس موافق شرایط حفظ الصحه باشد.

باید کلاس ها طوري باشد که برای فرا گرفتن هوا ونور مساعد واقع شود بدیهی است که‌اقامت طولانی در محلی عادتاً هوای آنجارا فاسد کرده وتولید یك بوی مکروهی در فضای آن‌مینماید و مسلماً بلکه بطریق‌اولی اجتماع یك عده اطفال دریك مساحت‌محدود و مسقفی بیشتر وزودتر باعث فساد و خرابی آنجا خواهد گردید بنا براین همیشه مدیران‌ومعلمین‌مدارس این‌نکته‌راخوب‌ست‌درنظر گیرند که شاگردان و اولاد آنها بواسطهٔ سمیت هوائی که از اثر گاز و رطوبت تنفسهای‌زفیری خودشان فاسد گردیده است مسموم‌نشده وصحت مزاجی آنها منحرف نشود قانون حفظ‌الصحه مدرسی میگوید چون اطفال بیش از آدمهای بزرگ باستنشاق هوای پاکیزه و خالص محتاج هستند از این جهت باید هر طفلی بتواند بقدر یك متر و نیم از مساحت سطحی کلاس خود بهره مند شود وباید مابین کف اطاق وسقف آن باندازه چهار الی چهار متر و نیم فاصله موجود باشد دریچه ها و پنجره های

کلاس باید از پهلوی اطفال و مخصوصاً پهلوی چپ آنها باز بشود
ویا آنکه میز ها طوری گذارده شود که نور از سمت چپ در منعکس
بشود پنجره هائیکه رو بروی اطفال واقع میشود باید بسته شود و اگر
لازم شود که هوای اطاق تجدید گردد باز آن پنجره هائیکه پشت سر
آنها واقع‌میشود ضرر ندارد واگر یك‌اطاقی از دوطرف یعنی ازراست
وچپ پنجره داشته‌باشد باید طوری کرد که‌نور پنجره‌های راست کمتر
و ضعیف‌تر از پنجره های چپ بوده باشد عرض کلاس ها باید بیش‌از
نصف طول آنها نبوده و نهایت درجهٔ‌طول آنها از هشت تاده‌متربیشتر
نشود دیوارهای کلاس‌ها اگر بارنگ مفرح‌ساده‌و کم رنگی رنگ
بشود خوب است وبهتر اینست که آبی آسمانی باشد ونیزاگر ممکن
شود که سطح کلاس را با‌مشمع یا زیرمیزهای اطفال را باچینی یاکاشی
فرش‌نمایند خیلی بهتر خواهد شد اگر در گرفتن وروفتن گرد وخاك
گوشه ها و کناره ها و دیوارها بی‌اعتنائی شود بالطبع همیشه گرد آلود
ومجمع کثافت و خاك خواهد بود عدد شاگردان کلاس نباید که عادتاً
از ۳۰ نفر تجاوز کند چه‌قطع نظر ازلحاظ حفظ‌الصحه اداره وتدریس
آنها خیلی مشکل خواهد شد و درحال ناچاری واضطرارمیشود تا ۵۰
نفر شاگرد را در یك کلاس قبول نمود ولی بمجردیکه شمارهٔ آنها
از آن مقدار تجاوز کرد باید بلا تأمل در صدد احداث شعبه یا کلاس
دیگری برآمد باید در مدرسه برای اینکه شاگردان اسباب زیادی از
قبیل پالتو . بارانی ، چتر ، گیاлш ، سفرهٔ خود را بگذارند یك جای
مخصوصی‌را تعیین نمود و در این گوشه باید باندازهٔ ضرورت میخ و
دیوارکوب قرار داد همچنین باید درراه‌روها از برای شست وشوی
مختصر دست وصورت شیر آبهای کوچك تهیه نموده واگر درداخل

مدرسه از برای لوازم اطفال جای مخصوصی را نشود تخصیص داد
با میخ و دیوارکوب هائی که بر دیوار های دالان و مدخل مدرسه
کوبیده میشود ممکن است رفع حاجت نمود ودر هر حال یکی از
مهمترین چیز هائیکه وجود آن در مدرسه بسیار لازم و ضروری است
آب سرشار و فراوان است که تمام اطفال بسهولت بتوانند درشست‌وشو
و تطهیر خود استعمال بنمایند و پلکانها یا راههائیکه از کلاسها بحیاط
وصل میشود باید متعدد ومنحصر بفرد نباشد

باید کلاسهای درس پرنور باشد

کلاس های درس باید بشکلی بنا یااختیار بشود
که از برای فراگرفتن روشنائی وانعکاس نور
برای اطفال صلاحیت داشته باشد وصبح و عصر
آفتاب مستقیماً داخل آنها گردد تا باینواسطه میکروبهای آنها تلف‌و
معدوم شود علاوه براین بعضی اطفال که‌چشمهای آنها نزدیك‌بین است
بمناسبت ضعف چشم خود محتاج نورکافی هستند وقات روشنائی باعث
خستگی شدید وزحمت فوق‌العاده وخطر چشمهای آنهاخواهد گردید

باید هوای کلاسها پاکیزه باشد

وضعیت و وسعت کلاس را بیان کردیم اکنون
لازم است خاطرنشان کنیم کـه باید وسعت آنها
باندازه‌ای باشد که بتواند وجود هوای پاکیزه
را برای اطفال تأمین نماید و پس از تمام شدن درس در موقع تنفس
باید درها و پنجره ها را باز نمود تا هوای آنها تجدید بشود و اگـر
بعضی کلاس ها دارای منافذی باشند که ازسمت‌بالا یعنی ازطرف‌سقف
باز بشود این قسم منافذرا باید درتابستان نوعاً باز گذاشت ودرزمستان
هم تا اندازه‌ای که‌برای تجدید هوا لازم باشد آنهاراباز وبعداز حصول
مقصود به‌بندند

باید کلاس ها را بیکدرجه معتدلی گرم نگاه داشت

باید در زمستان کلاس ها را بیك درجهٔ معتدلی گرم نگاه داشت ویگانه وسیلهٔ این مقصود بخاری است و بخاریهای چینی بهتر از بخاریهای آهنی است در جاهائیکه بخاری نباشد با اجاق و منقل میشود اکتفا کرد ولی باید درجهٔ حرارت بالاتر از ۱۷ وپائین تر از۱۶ نباشد چه اگر حرارت بیش از این مقدار بشود اطفال در موقع تنفس و خارج شدن از اطاق و گردش در باغچه و حیاط بسرما خوردگی و کسالت دچار خواهند گردید برای تعیین درجهٔ حرارت، هر مدرسه‌ای باید میزان الحرارهٔ متعدد داشته باشد .

میز اطفال باید موافق شرایط حفظ الصحه باشد

نخستین چیزیکه در مدرسه نظر انسان را جلب مینماید میز های اطفال است و اتفاقاً میز هائی که تابحال در کلاس های مدارس ما معمول است بطور کلی باقوانین صحی مغایر است در پشت میز هائیکه بااصول صحی درست شده باشند اطفال راست ومستقیم می نشینند در حال نشستن رانهای آنها کج وخم نمیگردد هر میزی باید بدو نفر اگر بهتر خواسته باشیم بیك نفر شاگرد اختصاص داشته باشد برای اینکه این قسم میز از سریان امراض بهتر جلوگیری کرده و ازین گذشته برای تنظیف وتطهیر هم آسان تراست باید میزهاعموماً برنگهای طبیعی خوب و باروغن ورنی رنگ و صیقلی بشود جلوه دادن میزها خیلی آسان وممکن است اینکاررا بعهدهٔ خود شاگردان واگذار نمود باید مابین نشیمن اطفال وصفحهٔ میزچنان فاصله ای موجود باشد که ازلحاظ حفظ الصحه مضر نبوده ومابین نیمکت ومیز اطفال نباید اینقدر فاصله

طولانی باشد که درموقع خواندن یانوشتن خودرا زیاد تا کنند ووضعیت قشنگ وبلشکوه خودرا خراب بنمایند واین رویه علاوه برضررمذکور یك ضرر دیگری که دارداینست که بهاستخوان بندی آنان صدمه میزند وچه بسا که تدریجاً دچار صدمات سخت تر می گرداند

معلم باید بپاکی و پاکیزگی اطفال مواظبت داشته باشد

یکی از مهمترین وظایف معلمین مواظبت از پاکی وپاکیزگی اطفال است وبایدروزی دومرتبه صبح و عصرشاگردان خودرا ازلحاظ پاکی وپاکیزگی تحت معاینهٔ مخصوص خود بگذارند ورسیدگی بنظافت ولباس و بدن یعنی صورت، سر، گردن، دست وپا گوش اطفال بنمایند وهرگاه یکی از اطفال را در حالت چرکی و کثافت ملاحظه کنند باید اورا تحقیر کرده وبکلاس درس قبول ننمایند مگر بعد از آنکه خودرا کاملا پاکیزه کند برای اینکه عادت پاکیزگی را معلم درشاگرد خود بمثابهٔ طبیعت ثانوی کرده باشد باید اولا نظافت لباس و بدن خودرا قبل ازهمه مواظبت کرده و اورا تحت دقت کامل قرارداده وآنچه ممکن است در اینخصوص سخت گیری بنماید وهروقت معلم در مقابل خود فرصتی ازبرای دعوت وتشویق بپاکیزگی بهبیند نبایدآنرا از دست بدهد باید از مسامات بدن که بادگیر های وجود انسان هستند صحبت کرده و باطفال حالی کند چرك شدن بدن موجب بسته شدن آنها ونرسیدن هوا بخلال آنها وهمین باعث کسالت وناخوشی خواهد گردید و گاه گاهی لازماست اطفال‌را آگاه دارد که اگر موی سر خودرا میگذارند بیش ازاندازه بلند شود باید ازطرف معلم بآنها حالی شود که این عادت مضررا که جلوگیری از تنفس آزاد مسامات مینماید ترك کنند و از این گذشته پارهٔ اوقات بعضی کنفرانسها راجع

بنتایج وخیمهٔ چرکی و کثافت از لحاظ زندگانی فردی واجتماعی برای اطفال داده و برخی عکسها و تمثیلها که مضرت کثافت و ناپاکیرا در نظرشان مجسم کند بآنها ارائه دهند .

باید معلم نسبت بلباس اطفال توجه داشته باشد

باید همیشه اطفالرا دعوت کند که لباسهای خود را پاکیزه وتمیز نگاهداری کرده و باولیای آنها حالی کند که بمقتضای فصل لباس تابستانی و زمستانی آنهارا مرتب نمایند اطفالرا باید عادت بدهد که لباسهای ساده و کم خرج ولی درعین حال نظیف را بر لباسهای گران و پرقیمت ترجیح داده وهمیشه پدران واولیای خودرا وادار کنند که پارچه های وطنی برای لباسشان ابتیاع بنمایند باید منافع استعمال پارچه های وطنی را باطفال حالی نمود و در آنها یك حسی را ایجاد کرد که بواسطهٔ آن استعمال پارچه های زبر و پرخشونت وطنی را بر پارچه های لطیف و ارزان وقشنگ خارجه ترجیح بدهند و نکته ایکه بیش ازهرچیز باید مورد رعایت معلم باشد موضوع اتحاد لباس شاگردان و متحدالشکل نمودن آنهاست وقتیکه اطفال میخواهند داخل کلاس بشوند اگرهر آینه پالتو یاعبایا کلاه داشته باشند در اطاقیکه برای اینکار معین شده است بدیوار کوب بیاویزند چرا که اولا باپالتو و کلاه رفتن و نشستن در اطاقیکه بواسطه بخاری گرم شده ممکن است درموقع بیرون شدن از اطاق بواسطهٔ سردی هوای خارج سرما خورده و بعلاوه مخل آداب وموجب تضییق محل خواهد گردید هریك از شاگردان باید همیشه یك دستمال پاك در جیب داشته باشد و اصول نظافت هیچگاه اجازه نمیدهد که هیچ طفلی دستمال خودرا بدیگری داده یا دستمال غیررا استعمال ماید و نیز از مبادلهٔ قلم دفتر مداد و قلم سنگیهای لوحهٔ سیاه که

مابین آنها روی میدهد جلو گیری بنمایند چه اینها هم مانند دستمال ممکن است باعث سرایت امراض ازطفلی بطفل دیگر بشود درزمستان واوقات باران و گل وشل که اطفال از راه دور بمدرسه میآیند باید از برای اطفال کفشهای یدکی و کفشهای خشك وبی رطوبتی تهیه نمود که اگر کفشهایشان تر یا کثیف شده باشد عوض نمایند

معلم باید نسبت بمأکولات ومشروبات اطفال توجه داشته باشد

اگرچه مسئلهٔ غذا بطور کلی مربوط بخانواده های اطفال است ولی بواسطهٔ اینکه پارهای از آنها نهار خودرا بمدرسهمیآورند لذا معلم باید مساعدت در گرم کردن غذای آنها بنماید در وقت عصر ضرر ندارد که اطفال عادت بخوردن یك لقمه نان و پنیری داشته باشند . شرط عمدهٔ خوب فهمیدن وخوب درس خواندن اطفال اینستکه غذای آنها خوب و مغذی و کافی وبوقت باشد چه اطفال بی بنیه و گرسنه که همیشه نظر بدست این و آن دارند قطع نظر از این که فهممساعد ومزاج مستعدی برای تحصیل ندارند دنی الطبع پستهمت میشوند بنابراین ازجمله سفارشهائیکه معلمباید خاطرنشان پدر یااولیای شاگردانخود بنمایداینستکهباین قسمت توجه کامل داشتهباشند، طفلی که مزاجوی ازحیث تغذیهدرست تربیت نشود همیشهمستعد قبول امراض خواهد بود طفل کمبنیه وضعیف علاوه براینکه درست نمیتواند موفق بتحصیل بشود شایستهکاردیگرهم نخواهد بودخصوصاًدرصورتیکه مااز برای روز مبادای مملکت خود باید نسلی را تربیت کنیم که ازحیث روح، خون ، بدن ، اعصاب ومعلومات قوی و توانا باشد.- آب مشروب مدرسه باید فوقالعاده نظیف و در ظرفهای مقفل که بواسطهٔ دهن شیر ازآنها آب میگیرند بوده باشد و باید بطور کلی سعی کرد که هیچ دستی آب

مشروب‌را آلوده نگرداند واین نکته را باید در خاطر داشت که آب محروم ازجریان هوا که درآب‌انبار های تاریك و دم‌دار راکد بماند از برای استعمال مضر است وخلاصه آب مشروب همچنانکه میتواند یك عامل مهمی برای حفظ الصحه بشود میتواند یك سرچشمهٔ خطر و پرزحمتی برای تولید و سرایت انواع امراض ومیکروبهای آنها در افراد یا ازفردی بفرد دیگر بشود ویکی ازواجبات معلمین اینست که اطفال واولیای آنهارا بضررهائیکه ممکن است ازآب‌مشروب دست‌دهد واقف گرداند

معلم باید وضعیت عمومی بدن اطفال‌را ملاحظه نماید

تجربه شده است که اطفال بطور طبیعی نمی‌نشینند و بواسطهٔ لاقیدی درطرز جلوس خودشان غالباً وضعیت بدی را بخود میگیرند درصورتیکه حرکات وسکنات کودکانهٔ آنهادر کیفیت تشکیلات استخوانی وطرز دوران خون، جریان تنفس شان مدخلیت داشته وخلاصهٔ احوال و اطوار اطفال از لحاظ صحت و عافیت در حال حاضر و آیندهٔ آنان تاثیرات مهمی را دارا میباشد بنا براین معلمین باید نسبت بشاگردان خود اعم ازاینکه پشت میز درس یا دروضع دیگری باشند دقیق بوده و (فرتولوژی) آنها رارعایت نمایند که مباداخم نمودن استخوانهای کمر و عادی شدن ببالابردن یاپائین انداختن یکی ازشانه‌ها فروشدن استخوان های سینه بیمورد حرکت دادن ساقها و چسبانیدن چشمها در وقت مطالعه بکتاب ونشستن وبرخاستن وقدم برداشتن وراه رفتن قیافهٔ نامتناسب و غیر مطبوعی بخود بگیرندوقتیکه اطفال پشت میز می نشینند باید بحالت استقامت بوده وموازنهٔ وجودشان ازهرجهت حفظ‌ومراعات بشود یعنی ستون پشت وفقرات آنها منحنی نشود، پیشانیشان قدری مایل بجلو

وخط فاصل مابین کتاب و چشم آنها کمتر از (۲۵) سانتیمتر نباشد و نیز لازم است دستها محاذی پهلوها، شانها مساوی یکدیگر ونباید سنگینی بدن بردست وبازو تحمیل شودواما بازو ها باید نسبت بهم وضعیت افقی داشته واصلا آنهارا بمنزلهٔ ستون اتکای خود برمیزها قرار ندهند فقط اگر بوسیلهٔ کف دستهایاانگشتان تکیه فی الجمله ای بقسمت جلوی میز داده شود ضرر ندارد استخوانهای پاباید از کاسهٔ زانو ببالا حالت افقی را داشته باشد و کف پاها باید بطور مستقیمی بزمین گذارده شود بدیهی است که اگر کلاس درس بشکلی که گذشت اختیار وتنظیم شود و اطفال هم بهمین اسلوب صحی که ذکر شد پشت میزخود بنشینند در اینصورت آثار مشعشع خوبی درتربیت جسمانی آنها بروز کرده وصاحب قد وقامت رشید ورعنا خواهند شد وشرط عمدهٔ اعتیاد شاگردان باین آداب اینستکه معلمین قرارگاه ومحل جلوس یانقطهٔ وقوف خودرادر کلاس جائی قراردهند که برتمام شاگردان مسلط وبتوانند مستقیماً وبطورطبیعی آنهارا ببینند ونیز لازمست حفظ الصحهٔ بدن رادرموقع ایستادن شاگردان پای (تختهٔ سیاه) رعایت نماید همچنانکه باید مواظبت کنند که سیاه تخته رادر گوشهٔ تاریك کلاس نگذارند وحتی الامکان طوری شود که انعکاس نور ازطرف چپ برصفحهٔ سیاه تخته واقع شود

نباید اطفال رابیش ازقوه‌شان واداربکار نمود وملکات آنهارا تحت فشار نگذاشت

باید معلمین ملتفت باشند که اطفالرا بکار های فوق الطاقه‌ای که باعث ضعف میشود وادارننمایند چه بسیاری ازمعلمین هستند که بواسطهٔ قلت یا عدم اطلاعی که بحالت روحی یااستعداد مزاجی وعضوی شاگردان خود دارند آنانرا بیش ازحاجتشان بکار میاندازند غافل ازاینکه سعی مفرط باعث اختلال وانحراف صحت اطفال میگردد

مساعی وزحمات فکری وذهنی اگر تجاوز ازحد اعتدال نماید موجب تولید فقرالدم وسایر امراضی که دماغ را بطور همیشگی خسته و عایل نگه میدارد خواهد گردید وبعلاوه باعث کودنی و بلاهت خواهد شد طول مدت هر درس (هرزنلی) درمدارس ابتدائی و برای اطفالی که عمرشان درحدود هفت سال باشد نباید بیش از چهل دقیقه بوده باشد چهل دقیقه را باید بدو قسمت منقسم کرد بیست دقیقه از برای درس (۲۰) دقیقهٔ دیگر را برای فرا گرفتن تعلیمات فکری وتفریحی (فروبل)(۱) صرف نمود باید از برای هر کار وهر درسی وقتی را قرارداد بزرگترین مقررات غلط وعوامل وخیم و منحوس تعلیم اینستکه یك طفلی را مکلف کنیم درمدت کم کارهای درهم و برهمی بیاموزد چه گذشته از اینکه اینطریقه نمی تواند چیزیرا بطور اساسی مرکوز ذهن شاگرد کرداند قوهٔ انکشاف او را خاموش و برازندگی ولیاقت ذاتی ویرا جلوگیری میکند وقتیکه معلم بخواهد اولاد خودرا بوظیفه ای مأمور گرداند یا آنهارا مکلف بانجام یك یاچند تکلیف درسی بنماید لازم است که اول اوقات خواب، خوراك، شستن کندن پوشیدن لباس وبازی ورفت وآمد آنهارا ازمدرسه بخانه واز خانه بمدرسه ملاحظه کند

حرکت وجنبش برای اطفال از حاجات ضروری است

ورزش وحرکت وجست و خیز از برای اطفال یك امر واجب وضروری است وهرقدر که فایده واهمیت حرکت تقدیر شده همان اندازه گوشه نشینی وآرامی وسکونت برای آنها بد بنظر آمده اطفالیرا که بزور وتضییق وفشار دریکجانشانیده وازجست وخیز کودکانه آنها (که غیراختیاری واز لوازم طبیعی عهد خردی و کودکی است)

(۱) از علمای بزرگ ومشهور تربیت اطفال

ممانعت بکنیم بلاشبهه آنهارادچار صدمات مزاجی وذهنی ازقبیل ضعف اعضا و کودنی گردانیده قوهٔ انکشاف و تبرز آنانرا دراثر این تربیت عقیم ونابینا بدست خود محو خواهیم کرد

دستور حفظ الصحه

اطفالیکه تصدیقنامهٔ ادارهٔ آبله کوبی صحیه را ندارند نباید در مدرسه قبول شوند وباید تاریخ آن تصدیقنامه متجاوز ازسه سال نباشد اگر آثار ناخوشی آبله یاحصبه یاخناق (دیفتری) یاسرفه‌وامراض سینه ای دریکی ازاطفال مشاهده شود باید بلادرنگ اورا ازمدرسه مرخص وبخانه بفرستند ویا بطبیب بلدیه محال اورا اطلاع دهند و باولیای وی چگونگی را ابلاغ دارند وجاوکلیه اسباب مدرسی آن طفل را با وسایل فنی پاکیزه و تطهیر نمایند واگر بازهمان مرض در همان طفل ظاهر شد باید فوری همانروز مدرسه را تعطیل کرده وتطهیر کامل بنمایندطفلی که بمرض آبله خناق وسرخك مبتلا میشود بایدتامدت چهل روزوآنکه بمرض حصبه‌محرقه‌دچارمیشود شانزده روز وکسیکه گرفتار امراض سینه و این قبیل ناخوشیها میگردد بیست روز بمدرسه نیاید و هرگاه مرض آبله در مدرسه ای بروز کند باید بدون تأمل وفوت‌وقت‌صحیه را خبر کرده تمام اطفال آنجارا باواکسن ضدآبله تلقیح نمایند

سفارشهای مهم صحی که‌معرفت آنها برای اطفال لازم است

باید همیشه اطفال نظیف وپاك بوده پاکیزگی را در نشستن راه رفتن ودیدن خود نشان دهند وکتاب ودفتررا نباید زیاده ازحد نزدیك بچشم گرفته واز آن راه بخود صدمه وارد کنند واز خواندن ونوشتن‌درتاریکی احترازنمایند وبطوریکه مردم معتادشده‌اند نبایدانگشت‌خودرا باآب‌دردهان‌تر کرده‌و بارطوبتی که‌برانگشتان‌نشسته

است صفحات کتاب یا دفتر خویش را ورق بزنند درمدرسه و کلاس
درس واثنای گردش درباغچه و کوچه وخیابان آب دهان (تف) نیندازند
غذارا دراوقات معین ومنظم تناول کنند درموقع بازی درباغچه زیاده از
اندازه اعتدال حرکت ننمایند وکار هائیکه خسته کننده و باعث ترشح
عرق شدید میگردد کمتر بجاآرند درمقابل جریان کوران های مرطوبی
ننشینند در حالتیکه بدنشان تر و عرق دار است آب سرد نیاشامند قاب
خودرادچار افسردگی نسازند غذارا بتأنی خورده وخوب بجوند قبل
ازغذا وبعد ازآن دستها را باصابون بشویند همچنین دهانرا با آب پاك
شست وشو دهند دندانهای خودرا هرصبح بامسواك یا با قورچه‌ای که
نه خیلی نرم‌ونه زیاد زبر وزمخت باشد بطورخوبی پاك نمایند دراثنای
غذا بیش ازیك لیوان آب نیاشامند وتادوساعت ونیم ازموعد غذاخوردن
آنها نـگذشته است آب نیاشامند و بلافاصله بعد ازغذا مشغول درس و
مطالعه نشوند .؟

بزرگترین مربی اسلامی

مقدمه ـ هرگاه تمدن اسلام وحیات عقلی آنرا از نظر تدقیق بگذرانیم خواهم یافت که فکر ایرانی در تمام فروع واقسام مختلفه آن مؤثر وتقریباً موجد آن بوده است

محققین ازعلمای فرنگستان ونویسندگان قرن معاصر اسلام این نکتهٔ غیرقابل تردید را درمؤلفات خود ذکرومورد بحث قرارداده اند زیرا ملاحظه نموده اند که :ـ بخاری ومسلم ونیشابوری وترمدی وابن ماجه وابو داود وبغوی وشریح قاضی وآل نوبخت وآل موسی وحسن بصری و واصل بن عطاء معتزلی وابوحنیفه وابن حنبل و ابوجعفر باخی وشیخ کلینی و شیخ الطائفه و شیخ مفید را خاك ایران نشو ونما داده و ابوبکر طبیب معروف وامام فخررازی و امام الحرمین جوینی و علامهٔ بیرونی وابواسحق اسفراینی وقطب الدین شیرازی وبیضاوی وزمخشری وجلال الدین دوانی وابهری وعضدالملةوالدین که ازعلمای کلام وتفسیر هستند مایهٔ افتخار ایران واسلام بوده اند

همچنانکه میدانند که شیخ الرئیس ابن سینا وشهاب الدین سهروردی وسرخسی وراغب وعماد اصفهانی وسعد تفتازانی و میرسید شریف هم درین خاك نشو ونما یافته اند

وچیزیکه حس تقدیر ایشان را تقویت میکند اینست که مشاهده مینمایند ایرانیها سرسلسلهٔ کسانی بوده اند که زبان عرب را خدمت و بوسیلهٔ اصول و قواعدی که برای آن وضع نموده اند آنرا از خطر دوران مصون ودرخور تعبیرات عالمانه ونکات دقیق ادیبانه نموده اند

عبدالله بن مقفع وعبدالحمید کاتب سرآمد نویسندگان بلیغ عرب وسیبویه امام نحو وابوعلی فارسی وعبدالقاهر جرجانی مؤسس علم بلاغت واسمعیل بن یسار و بشار و جوهری ومجدالدین فیروزآبادی وسکاکی و ابوالفرج اصفهانی وبدیع الزمان همدانی وابوزکریای تبریزی ورضی ومهیار و ابوالمعالی وابراهیم موصلی وزریاب مغنی همه ایرانی وهر یك از آنها ازراهی زبان وتمدن عرب را رونق وتجلی داده اند

ازاینها که بگذریم میبابیم طبری اولین مورخ واستخری وقزوینی نخستین جغرافی نویس وشبلی نهاوندی وشیخ هروی استاد محی الدین عربی ومیر داماد ومیر فندرسکی و صدرالمتألهین شیرازی نیز ایرانی بوده اند(۱)

پس درچنین قومی که تااین درجه درخدمت بزبان عرب اختصاص ومنبع سرشار علوم مختلفهٔ اسلام بوده باشند عجب نیست که چند نفری هم مانند ابن مسکویه رازی و امام غزالی و خواجه نصیرالدین طوسی ظهور وقطع نظر ازتبحر واحاطهٔ برعلوم وفنون مختلفهٔ حکمت، کلام اخلاق، سیاست واجتماع بعلم تربیت هم که درآنزمان اصلا موردتوجه خاص وعام نبوده است آگاه واساساً واضع اصول ومقررات آن بشوند

وچون امام غزالی درین زمینه ازسایر همگنان بزرگتر و بالاتر بوده لذا مناسب دید ترجمهٔ حیات او را طور اختصار در خاتمهٔ کتاب قرار دهد که خوانندگانرا اطلاع براحوال یکی ازمردان نامی خود مستحضر سازد

۱- شرح زندگانی امام غزالی

شرح زندگانی این نابغهٔ علم وعرفان را مورخین عرب واسلام

(۱) بصفحه ۱۹۰-۱۹۱ عروة الوثقی سیدجمال الدین اسدآبادی وشیخ محمدعبده مراجعه شود.

بتفصیل نگاشته و کمتر کتابی را در تاریخ رجال. طبقات فقه. اصول. تفسیر حدیث ، تصوف ، حکمت، کلام ، اخلاق و بالاخره فرق و مذهب میتوان یافت که راجع بامام غزالی یا نظریات وعقاید او بیانی را متضمن نباشد

دانشمندان شرق‌شناسی که از چندقرن باینطرف در صدد وقوف بر اسرار حیات عقلی اسلام وعوامل اصلی آن میباشند غزالی را در ردیف فارابی و ابن‌سینا و ابن رشد و فلاسفهٔ درجهٔ اول قرار داده و آندسته از ایشان که شیفتهٔ الهیات وعلوم لاهوتی اسلام هستند قدم فراتر گذارده او را مظهر عالیترین فکر روحانی که درعالم اسلام ظاهر شده است می ـ شمارند ودر گذارش حیات ونظریات وافکار او کتابها تالیف کرده اند

محمدز کی مبارك هم از ایشان پیروی وراجع بدورهٔ حیات غزالی ومقررات اخلاقی او کتابی بنام‌الاخلاق عندالغزالی تالیف نموده است

بنابراین شناسائی چنین وجود فائض‌الجودی آنهم از لحاظ علاقه‌ای که بامر تعلیم و تربیت دارد برای ما که ایرانی و فرزندان وطن و مسقط‌الرأس او هستیم بالطبع لازمتر وشایسته تراست

صلاح‌الدین ایبك‌الصفدی در کتاب‌الوافی بالوفیات خود غزالی را این‌ـ طور معرفی مینماید ـ محمدبن محمدبن محمدبن احمد حجة الاسلام زین‌الدین ابوحامدالطوسی الفقیه‌الشافعی ولادتش در ٤٥٠ در طابران طوس ووفاتش در ٥٠٥ هجری درهمان قصبه اتفاق افتاده وباین حساب دورهٔ ایام حیاتش فقط ٥٥ سال بوده‌است پس از فراغت از تحصیل مقدمات وارد حوزهٔ درس علی بن احمد رادکانی گردیده ودر اوایل جوانی از آنجا به نیشابور مهاجرت وبدرك صحبت امام‌الحرمین ابوالمعالی جوینی که یگانه زمان خود بود افتخار واز تلامذهٔ او بشمار رفت علوم حکمت وفلسفه والهیات را بنحو اتم واکمل تمام وکار بجائی رسید که خود

صاحب نظریات مخصوص وبالاخره متصدی رد مذاهب باطلهٔ آن عهدو ازاینجهت بلقب نبیل حجة الاسلام ماقب گردید

هیچکس را درمقابل منطق واستدلال اوقدرت جواب نمیماند وهیچ برهانی درجنب دلیل اوشایستهٔ اثبات وقبول نمیگردید - چون کلام‌مجید را حفظ وصد هزار حدیث را بطرق مختلفه روایت مینمود از این رو بحافظ هم معروف گردید خلاصه مقام ومنزلتش بجائی رسید که امام‌الحرمین باستادی اومباهات وبشیخ‌المریدین وامام‌المربین اشتهار یافت

صلاح‌الدین میگوید (لم‌یکن فی آخر عصره مثله) وامام فخر الدین در توصیف او میسراید که (گویا خداوند علوم را دراطاقی جمع و غزالی را بر آنها آگاه‌نموده است)جبران خلیل جبران[۱] راجع بغزالی و بیان روحیات اواظهار میدارد که غزالی واغسطینوس حکیم بیك رابطهٔ نفسانی خاصی که عبارت از تمایلات وضعی آنهاست بیکدیگر ارتباط دارند زیرا نظریات این دوحکیم بزرگ از ظواهر ومحسوسات آغاز و بمعنویات ومعقولات وبالاخره بعالم فلسفه والهیات منتهی میگردد

غزالی مقام منیع خودرادرزندگانی پشت پا زده برای تشخیص رشته های‌دقیقی که دنبالهٔ علم‌را بدیباچهٔ دین وصل میکند بحالت گوشه گیری وتصوف زیست نمود ودرجستجوی آن ظرفی که عقول وتجارب مردم را بااحساسات وخیالاتشان ممزوج میگرداند برآمد - عین همین کار را هم‌اغسطینوس درپنج قرن‌قبل ازاوبجا آورد کتاب‌اعتراف مشارالیه‌دلیل همین امراست فقط چیزی که‌هست غزالی رانسبت بحقایق امور واسرار آنها نزدیکتر از اغسطینوس میتوان یافت درجای دیگر میگوید غزالی بمثابهٔ حلقهٔ زرینی است که‌قدمای متصوفین هنود رابطبقهٔ الهی متأخرین

(۱) البدایع والطرایف ص ۱۱۶

فرنگ وصل نماید چه از نگارشات او بوی فلسفهٔ بودائی قدیم استشمام و درهمین حال رایحهٔ عواطف و تمایلات اسپینوزا و ویلیم بلایك بمشام میرسد

واز جمله اسراری که نویسندهٔ مزبور درباب غزالی و شهرت عجیب او درممالك فرنگ بدست آورده اینست که میگوید تمثال غزالی را در ردیف تمثالهای فلاسفه و پیشوایان مذهب مسیح در کلیسای فاورانس ایطالیا که از بناهای قرن پانزدهم میلادیست مشاهده نموده ام و این نکته ظاهر میدارد که منزلت ومقام فیلسوف الهی اسلام و ایران از پنج قرن پیش درنظر دیگران مسلم واورا بدرجهٔ قدیسین وروحانیین درجهٔ اول خود می شمرده‌اند

بالجمله امام غزالی پس از فوت استادخود امام‌الحرمین از توقف در نیشابور ملول وبقریهٔ عسکر که نزدیکی نیشابور بود روی نمود اتفاقاً در آنجا باوزیر وسیاسی معروف وقت خواجه نظام الملك طوسی برخورده مابین اووجمعی از فضلا ومتفکرین که درخدمت خواجه بوده اند باب مباحثه درمسائل مختلفهٔ علوم باز ودرجلسات عدیده برآنها فایق ودلایل ایشان را محکوم بتناقض و بطلان مینمود باین مناسبت فحول علمای عراق بفضل او اعتراف و بمراتب علمش اذعان نموده درجات او درنظر خواجه بزرگ واوراجهت تدریس مدرسهٔ خود دربغداد که عبارت از دارالعلم نظامیه ومهمتر از نظامیه های نیشابور واصفهان بود منصوب نمود وبسال ٤۸٤ امام غزالی باسمت جدید خود وارد بغداد و درحالیکه سنوات عمرش به ۳۵ سال نمیرسید عهده دار چنین منصبی که تا آن تاریخ بجوانی مانند او تفویض نشده بود گردید چه نظامیهٔ بغداد تقریباً بدار العلمهای امروزه مشابه وفقط کسانی میتوانستند وارد آن شوند که مراحل مختلفهٔ علوم را طی کرده برای وصول بدرجهٔ تخصص و کمال لایق شده باشند.

درسال چهارم ازتوقف دربغداد حالت زهد و کناره گیری فوق‌العاده ای براوطاری ودرسال ۴۸۸ بقصد بیت‌الله الحرام مسافرت واز آنجا بسمت شام رهسپار ومدتی در جامع اموی دمشق بحالت عزلت از عالم اعتکاف و کتاب احیاء العلوم را که از مهمترین آثار فکری و تهذیبی اوست درآن نقطه تصنیف نمود .

سپس بممالکت مصر مسافرت ومدتی در اسکندریه اقامت نموده از آنجا ثانیاً ببغداد واز بغداد بسمت خراسان معاودت و درموطن خود شهر طوس رحل اقامت افکنده ودرمدرسه‌ایکه جنب خانهٔ شخصی خود بنا نمود بتدریس فقه وتصوف وتصنیف وتالیف ووعظ و ارشاد وتربیت شاگردان ومریدان وانجام اعمال خیریهٔ دیگر بقیهٔ عمررا بسر برد

مؤلفات و مصنفات غزالی ـ مؤلفات و مصنفات غزالی در علوم مختلفه بسیار وشاید که تعداد آنها متجاوز از دویست نسخه بشود ولی آنچه را که فعلا از مشارالیه بیادگار مانده بالغ برهفتاد واندی کتاب است که مهمترین آنها :ـ بسیط ' وسیط ' وجیز وخلاصه درفقه مستصفی در اصول منخول ، لباب ، مآخذ ، تحصین، معتقد، الجام‌العوام ، الرد علی الباطنیه ، مقاصدالفلاسفه ، تهافت‌الفلاسفه ، جواهرالقرآن ، غایةالقصوی فضایح‌الاباحیه ، فاتحةالعلوم، غورالدور، المنتهل فی علم‌الجدل ، معیارالعلم المضنون علی غیراهله ، شرح الاسماء الحسنی ، مشکاة الانوار، المنقذ من الضلال القسطاس المستقیم، ایهاالولد (بزبان عربی) و کتاب کیمیای سعادت (بزبان فارسی) میباشد ولی بزرگترین اثر امام مذکور همانا کتاب احیاء علوم‌الدین است که شهرهٔ آفاق ومورداستفادهٔ علمای اخلاق بوده وخواهد بود وصلاح‌الدین صفدی دروصف این کتاب میگوید (حتی

قیل انه لو ذهبت کتب الاسلام و بقی الاحیاء لاغنی عما ذهب (١))

عقاید ونظریات غزالی درباب تعلیم وتربیت - نظریاتی که از امام غزالی در تعلیم و تربیت وارد گردیده بحدیستکه این مختصر گنجایش ذکر آنها را ندارد و بطور کلی نظریات مذکوره باآخرین نظریاتیکه درموضوع تربیت بیان گردیده است منطبق واینك محض نمونه قسمتی از آنها را خلاصه واز لحاظ خوانندهٔ محترم میگذرانیم

شرافت شغل تعلیم - امام غزالی بدلائل عقلی ونقلی شغل تعلیم را شریفترین مشاغل شمرده میگوید که ازحضرت پیغمبر (ص) روایت شده است که « علی خلفائی رحمة الله » عرض کردند خلفای شما کیانند فرمود (الذین یحیون سنتی ویعلمونها عباداالله) و نیز در جای دیگر از آن حضرت روایت شده که معلمین را بر عباد و زهادیکه بیرون مدینه بتوبه وانابه اشتغال داشته اند تفضیل فرموده است امادلیل عقلی او اینست که چون انسان اشرف مخلوقات و شریفترین عضو انسانی قلب اوست از اینجهت کسانیکه بتربیت قلب و روح او میپردازند شریفترین کار ها را انجام میدهند .

غرض اصلی از تربیت - غرض اصلی از تربیت در نظر غزالی همانا کسب فضایت و قرب بدرگاه خداوندیست بنا بر این میگوید سعی پدر در رهائی فرزند خود از آتش دنیا خوبست ولی اگر سعی خودرا در نجات او ازآتش آخرت بخرج بدهند اولی خواهد بود و نجات او دراینست که اخلاق را بطریق تربیت و تهذیب در اوپرورش دهند و نیز میگوید که خلق نکو از صفات سید المرسلین ولازمهٔ دین وثمرهٔ جهاد متقین میباشد و برمعلم واجبست که بداند غرض اصلی از تحصیل تقرب

(١) الوافی بالوفیات ص ٢٧٥

بخداست نه بریاست و مباهات بر دیگران (۱)

عقیده غزالی در فطرت اصلی طفل- چنین بنظر میرسد که غزالی تأثیر غرائز و صفاتیکه بطریق وراثت از پدران باطفال انتقال می یابد انکاروعقیده دارد که لوح خاطر طفل ابتداء مانندصفحهٔ پاك وبی آلایشی است که شایسته قبول هر گونه نقش و تصویری بوده باشد(۲)

نظر امام غزالی درطریق تربیت وتأدیب طفل ... در کتاب احیاء العلوم فصل مخصوصی بعنوان تربیت ونشو ونمای طفل از امام غزالی وارد وآن راازلحاظ بدنی ، عقلی و اخلاقی گرفته و اینك بطور خلاصه بیان میگردد

۱- باید ازبدو ولادت متوجه گردید که دایگی و لله گی طفل بزن متدین پا کدامنی واگذار شود چه اگر نسبت بتربیت او درآغاز نشو ونما غفلت شوددرآنحال بداخلاق ، دروغگو ، نمام ، حسود ، دزد فضول ، پرخنده ، مکار ، دغل باز بار میآید و هیچ چیز او را بیش از حسن تربیت اولیه ازآلودگی برذائل مذکوره باز نخواهد داشت

۲- باید طفل را بسادگی وخشونت درغذا عادت داد که غالب اوقات نان خودرا بدون خورش تناول نماید وخیال نکند که نان بی - خورش غذا شمرده نمیشود بلکه باید بقسمی شود که خوراك ساده را براغذیه گوناگون ترجیح وحاضر ببذل وبخشش آن بغیر بشود و همچنین باید اورا عادت داد که استعمال جامههای سفیدرا برالبسهٔ رنگارنگ مزیت دهد وبنظر اومجسم گردد که آرایش وزینت کار زنان ومردانی

---

۱ جزء سوم احیاء العلوم کتاب ریاضت نفس و تهذیب اخلاق و جزء اول از باب پنجم کتاب علم را مراجعه فرمائید .

۲- ولی این نظریه بنا برأی علمای امروزه تربیت خطا و مسلم شده است که اطفال درحالتیکه بصفات وتجارب والدین خود مجهز هستند متولد میشوند

است که بصفات زنانگی متصف باشند ونیز باید اورا ازاعتیاد بخواب دربسترهای نرم جلوگیری کرد تااعضای اوسخت وبدنش محکم گردد

٣- قرآن واحادیث واحوال نیکان سلف را درمکتب باید بطفل بیاموزند تا محبت ومیل بآنها از خردسالی درنهادش متمکن گردد و او را ازآمیزش باشعراوظرفاواستماع اشعارعاشقانه بازدارند تاقاب اومزرعهٔ اخلاق ناستوده نگردد

٤- طفل‌را وادارند که دریك‌قسمت ازروز راه برودتا اعضایش قوی وبا نشاط گردد واورا اجازه دهند که پس‌ازمرخصی ازمکتب بیك نوع بازیهای مفرحی بپردازد تا ازافسردگی وخمودگی رهائی یابد.

٥- اورا باخلاق پسندیدهٔ معتاد واز رذائل صفات دور نموده و صبر وشجاعت وحسن‌معاشرت واحترام بزرگتر وکم گفتن و سخنان غیر را بگشاده روئی شنیدن و ترك قسم و اطاعت والدین و معلم را از طبایع اصلی اوقرارداده عیوب سخنان لغو ودشنام وافتخار بمال و منال والدین را درنظرش مجسم دارند

٦- از معاشرت همصحبتان بد بر کنارش نموده سرایت مرض اخلاق‌ناستوده‌را نسبت بوی‌جلوگیری نمایند

٧- برای کار های نیك اورا پاداش دهند تا ازین راه تشویق وبتکرار آنها تشجیع بشود

٨- برحرکات ناسزائی که بجامیآورد ملامت وتوبیخ بسیار نشود زیرا بتدریج شنیدن ملامت برای‌او آسان وتأثیر توبیخ کم میگردد پدر ها باید اصرار زیاد درسرزنش فرزندان خود نداشته ومادرهاباید‌اطفال خودرا درتقصیری که‌میکنند باخبار بپدر بترسانند

٩- اگر بسن تمیز برسد باید آنچه ازحدود مقررات شرع که

طرف احتیاج اوست بوی حالی نمایند ومخصوصاً اجازه ندهند که طهارت ونماز را بهیچوجه ترك کند

۱۰- هر گاه طفلی بسن بلوغ برسد واجبست که او را باسرار شریعت و آدابی که سابقاً بوی تعلیم شده است آشنا وقوای عقلیه او را برای فهم وادراك اینگونه مطالب مستعد گردانند(۱)

نظر امام غزالی درتربیت اخلاقی طفل- برای تکوین ملکات فاضله ومحو عادات ناستوده عقیده غزالی براینست که ابتداء نفس را مجبور باجرای افعال خوب وترك اعمال بد نمایند وبهمین منوال مدتی رفتار کنند تا بتدریج عادت حکم طبیعت را حاصل نماید مثلا اگر کسی بخواهد خویشتن را سخی گرداند ولو از روی تکلف باشد خود را ببذل مال عادت دهد تا این صفت دراوطبیعی بشود وهمچنین است علاج تبدیل صفت کبر بتواضع وحال صفات دیگر

یکی دیگر از نکات بسیار مهمی که در ترك دادن عادات ناستوده اطفال متذکر شده اینست که میگوید چون عادتاً ممکن نیست اطفال را دفعتاً به‌ترك عادات بد و اخذ صفات نیك واداشت لذا خوبست که تدریجاً بانجام این منظور نایل گردید باین معنی که آنها را ازخلق بدتربخلق بد سوق داده وبهمچنین پیش برد تابمرتبهٔ کمال برسند

عقیدهٔ غزالی در تحصیلات عالیه - چنانکه گذشت مقام‌علمی غزالی بدرجه ای بوده که برای تدریس درمهمترین دارالعلمهای زمان خود (نظامیهٔ بغداد) انتخاب شده لذا نظریاتیکه راجع بتعلیمات عالیه در کتاب احیاء العلوم خود ذکر کرده مورد توجه وخلاصهٔ آنهارا ذیلا می نگاریم

(۱) بجلد سوم از احیاء العلوم کتاب ریاضة النفس وتهذیب الاخلاق مراجعه شود

۱ـ برطالب علم لازمست خودرا از اخلاق رذیله پاك نماید زیرا هیچ علتی برای حرمان ازمراتب علم بدتر ازاخلاق فاسده نیست

۲ـ علاقهٔ خودرا ازخانه ووطن قطع ومنحصر بتحصیل نماید

۳ ـ بر معلم خود کبر و غرور بخرج نداده بلکه زمام اختیار خویش رابکف اووا گذارد ونصایح ودستورات او را چون مریضی که ازطبیب مشفق استماع مینماید قبول وبموقع اجرا گذارد

٤ـ خیال خودرا دربدو امر بشنیدن اختلافات علمی پریشان نکرده فقط آنچه را که ثابت ومسلم است اخذ نماید تازمانی که استعداد تعقیب مراتب خلاف را پیدا نماید

٥ـ برطالب علم لازمست که ازرشته‌های پسندیدهٔ فنون تادرجه‌ای کسب اطلاع ودرصورت مجال ووقت خودرا نسبت بآنها متبحر نماید

٦ـ درآن واحد خودرا بفرا گرفتن چندین رشتهٔ مختلف دچار نگرداند وبا رعایت ترتیب پیش برود

۷ـ تاوقتی که ازتکمیل رشتهٔ علمی که دردست دارد فارغ نشود وارد رشتهٔ دیگری نگردد زیرا درتحصیل رعایت ترتیب شرط وبدون آن فایدهٔ مطلوب متصور نیست .

۸ـ قصد عمدهٔ محصل باید صفای باطن وقرب الی الله باشد

۹ـ نسبت بین علوم ومقصدی را که درنظر دارد ملاحظه وآنچه را تحصیل مینماید اگر نتواند لذت دنیا وآخرت را از آن درك نماید وخودرا مجبور بقبول یکی از دولذت بیابد لذت باقی آخرت را برلذت بی دوام دنیا ترجیح بدهد

پایان کتاب